

نیّت و عبادت

حسین ایرانی

بسم الله الرحمن الرحیم

نیت و عبادت

نویسنده:

حسین ایرانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نیت و عبادت

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : نیت و عبادت/حسین ایرانی

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران, ۱۳۸۷

مشخصات ظاهری : ۱۷۴ص

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۲۸۷۴۴

ص:۱

اشاره

سلام بر

سلام بر پاک ترین و پویاترین پرسشگر زمان

سلام بر هنگامه محو معبودش در قیام و قعود و قنوتش

سلام بر عصاره انسانیت و آفرینش

سلام بر عین عدل و علم و عبودیت

سلام بر رحمت ریزان و گسترده خالق و پناهگاه پرمهر خلق

سلام بر مهدی موعود، مصلح کل و رهابخش ملّت ها از اسارت و ستم

سلامی بس سبز و صالح و جامع بر لحظه لحظه وجود سراسر جود و سجودش

و به امام راحل (خمینی کبیر رحمه الله) و ولی فقیه مسلمین حضرت آیه اللّه العظمی خامنه ای (مدّ ظله العالی) و تمامی شهیدان مکتب عترت و مشتاقان ظهورش و اساتید و والدینم.

ضرورت و هدف پژوهش

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران (در میان همه ناباوری های تحلیل گران خارجی و داخلی و قدرت های استعمارگر جهان و تبلیغات گسترده بعد از رنسانس و انقلاب صنعتی غرب با این عنوان که دوران دین پایان یافته و دین افیون ملّت هاست) بار دیگر مکتب اسلام به عنوان یک فرهنگ پویا که توان مبارزه و انقلاب ایدئولوژیک، توده ای و مردمی (بدون حرکت نظامی و کودتا) و رهبری و مدیریّت اجتماعی و اجرایی (در نماد حکومت) را دارد، در تاریخ تحقق یافت، ابرقدرت های حاکم با عجله و تمام توان به میدان آمدند تا نظام نوپای اسلامی را با محوریّت ایران ساقط و محو کنند (و جلو احیا و رشد اندیشه دینی و اسلامی را بگیرند) و بر این اساس ابتدا به تحلیل های اقتصادی، سیاسی، نژادی روی آوردند. همزمان بحران های منطقه ای و درگیری های قومی در کشور (کردستان، خوزستان، گنبد و تبریز و...) ایجاد گردید تا اینگونه دیکته کنند که موتور محرک نهضت اسلامی

ص:۹

ایران دین و اسلام نبوده است. آنگاه منافقین دست به ترور شخصیت ها و مقامات فکری و فرهنگی تأثیرگذار زدند (روحانیّت متعهد و مدافع امام رحمه الله، شهدای محراب، استاد آیهاللّه مطهری، آیهاللّه بهشتی، آیهاللّه دکتر مفتح، باهنر و رجایی و...) تا انقلاب را بی آینده کنند و عقبه فرهنگی نهضت اسلامی را نابود نمایند و در ادامه وقتی تدبیر رهبری معمار کبیر انقلاب (امام خمینی رحمه الله) و مقاومت و فداکاری ملت رشید ایران را دیدند، با حربه تحریم اقتصادی و سیاسی و دیپلماسی هجمه دیگری کردند و در نهایت ۸ سال جنگ ناجوانمردانه را بر ملّت مسلمان ایران (در میان آن همه نابسامانی نظام نوپا) تحمیل کردند، ولی به یاری خدا و پایمردی رهبری و امت و دفاعی کم نظیر در تاریخ، چکمه پوشان جنایتکار و متجاوز را از خاک ایران عزیز با ذلت و شکست بیرون راندند و دشمنان شرقی و غربی می دیدند ایدئولوژی استوار اسلام است که با رهبری روحانیّت و مرجعیت دینی اینگونه زن و مرد و اقوام و اقشار مختلف را متحد و بسیج کرده و بر تمامی توطئه های استکباری و منافقین داخلی و منطقه ای و جنگ تحمیلی غالب و فائق آمدند و امروز نیز در عرصه های گوناگون علمی، ورزشی، صنعتی، نظامی و هسته ای و... پیروزمندانه و پیشتاز می درخشد.

در اینجا دشمن برای جبران ناکامی هایش جبهه ای جدید و گسترده و عمیق به نام تهاجم فرهنگی گشود و به فرموده مقام معظم رهبری (مد ظلّه العالی) که چند سال قبل هشدار دادند دشمن دست به غارت و «شبیخون فرهنگی» زده است و اخیراً اعلام کردند که با ناتوی

فرهنگی(۱) آمده است تا با برنامه ریزی و زمان بندی دقیق جلو خیزش اسلامی و احیای تمدّن مجدد اسلام ناب (مکتب تشیع) پویا و منطقی و جهان شمول و عدالت گستر (که قوانین جامع و مدون، یعنی قرآن و رهبری الهی و زنده، یعنی حضرت مهدی حجه بن الحسن العسکری علیه السلام دارد) را بگیرند.

بر این اساس، استکبار جهانی به سرکردگی آمریکای سلطه گر بیشترین سرمایه گزاری را در ساختن فیلم و به راه انداختن تبلیغات ماهواره ای، کاریکاتور، سی دی، جراید، کتاب «همانند آیات شیطانی و فرقان الحقّ»، فرقه ها و رسانه های خبری، سایت ها، روشنفکران وابسته، مکاتب انحرافی و... نموده است تا با انواع تحریف ها، تهمت ها، ترورها، جنگ های فرقه ای و روانی و اهانت به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، قرآن و مقدّسات، اسلام را منزوی و محکوم کند.

بدیهی است اگر با غفلت و رفاه طلبی و عدم حضور و هوشیاری ما (عدم شناخت شیاطین و توطئه ها و زمان و...) اندیشه های بیگانه در

---

۱ - ۱. همان قدرت هایی که بعد از جنگ جهانی دوم، پیمان آتلانتیک شمالی {ناتو} را ایجاد کردند با ۵۷ سال سابقه و تجربه با استفاده از انواع ابزارهای فرهنگی و جنگ روانی و رسانه ای، جنگ فرهنگی بر ضد اسلام و ایران اسلامی به راه انداختند. ویژگی های ناتوی فرهنگی عبارتند از: ۱ - دراز مدت ۲ - بنیادی و ریشه ای ۳ - نامرئی ۴ - آرام و بی صدا (در عین داشتن روابط اقتصادی و برخورد ظاهراً صمیمی با صادراتِ کالا، فرهنگش را هم صادر می کند. ۵ - غیر مستقیم و غیر محرک ۶ - سازمان یافته (مراحل کاری، محاسبات، امکانات، تغییرات احتمالی، نیروهای متخصص، شناسایی حساسیتها و...) آنها با این ویژگی ها، به تخریب و تسلیم فرهنگ خودی و تحمیل فرهنگ مهاجم می پردازد.

نهضت نفوذ کنـد و فرهنـگ و ارزش های دینی، ملی و اخلاقی در فرد، خانواده و حکومت کمرنگ شود، انقلاب نه تنها توان صدورش را از دست خواهد داد بلکه از درون دچار پارادوکس ها گشـته و می پوسد و کشور به انحطاط کشیده می شود و به فرض که در اقتصاد و صنعت رشد کنیم، فاقد هویّت و عزّت و اهداف انقلاب خواهیم شد و ملت های مسلمان و محروم جهان که با پیروزی انقلاب اسلامی و فرهنگ نوینِ نه شرقی و نه غربی نه التقاطی (بلکه مکتبی مستقل و منطقی و فطری و توحیدی) نویـد و امیـد در جانشان آمده بود به یأس و تباهی افتند و قداره بندان قلدر دنیا به ظلم و جنایاتی مضاعف می پردازند و آنگاه است که همگان مورد مؤاخذه و مسئولیم و مستحق عذاب الهی «کُلُّکُمْ راعٍ وَ کُلُّکُمْ مَسْئُولٌ...».(۱)

متأسـفانه فرهیختگان دلسوز حوزه و دانشـگاه، به ناچار درگیر امور اجرایی کشور شده اند و عده ای هم به شهادت رسیدند در نتیجه کـار اصـلی و ارزشـی، احیـاء و نشـر فرهنـگ دینی و انسان سازی و نخبه پروری زمین مانـد و آنگونه که بایـد، بت های فرهنگی منحطِ به جای مانـده، شکسـته نشـد و افشاگری علیه مفاسـد فرهنگ و وابسـتگی های فکری (خاصّه در علوم انسانی) غرب، انجام نگردیـد، بالاتر این که از معرفی فرهنگ اصـیل انقلاب و ایران یعنی فرهنگ اسـلام ناب و مکتب اهل بیت علیهم السلام و گنجینه های دانش عظیم امامان معصوم علیهم السلام به سوی

۱- ۲. نهج الفصاحه، ح ۲۱۶۳.

تشنگان کویر مادیت گشوده نشد و کارهای تحقیقاتی و پژوهشی متناسب با فرصت و نیاز زمان انجام نگرفت و بیان بلند حضرت رضا علیه السلام را که فرمود: «فَإِنَّ النّاسَ لَوْ عَلِموُا مَحاسِنَ کَلامِنا لَاتَّبَعوُنا...»؛(۱) به راستی اگر انسان ها و جامعه بشری زیبایی های کلام ما را می دانستند، از ما پیروی می کردند. محقق نساختیم.

البته بعد از ارتحال پیامبر اعظم حضرت محمّد صلی الله علیه وآله علیرغم خفقان و ممنوع نمودن نقل احادیث، عالمان دل نورانی (اعم از اصحاب و تابیعن و یاران و امامان شیعه علیهم السلام) با تحمّل رنج ها، احادیث را جمع و حفظ و روایات پراکنده را به نسل های بعد رساندند لیکن رفته رفته مجموعه های روایی مکتوب شد و به تدریج باب بندی و موضوع بندی شد و گاه به صورت چهل حدیث درآمد و احادیث اهل بیت علیهم السلام که در زیارت جامعه می خوانیم «کَلامُکُمْ نُورٌ وَ اَمْرُکُمْ رُشْدٌ» متناسب با نیاز، تنظیم و تألیف شد. رساله حاضر با هدف تبیین فرهنگ ارزشی و آرمانی اهل بیت علیه السلام در دو بخش، که بخش اوّل: نیّت (در ۸ فصل) و بخش دوم: عبادت (در ۲۰ فصل) تدوین گردید که امید است مقبول حقّ و مفید خلق افتد.

۱- ۳. بحارالأنوار، ج ۲، ص ۳۰.

بخش اوّل:نیّت

اشاره

ص:۱۵

فصل اوّل: معناشناسی نیّت

نیّت از ریشه «نوی»؛ (هسته) در لغت(۱) به معنای عزم، قصد، آهنگ، انگیزه و برانگیختن دل به سوی چیزی که موافق می یابد، آمده است.

و در اصطلاح فقه، قصد انجام کار به عنوان امتثال و تقرّب به مولا و پروردگار را گویند.(۲) و ظرف آن قلب و دل و ذهن انسان است. در قرآن به جای واژه نیّت. فراوان از ظرف و محل نیّت (قلب، فؤاد، نفس و...) و از حقیقت نیّت با تعابیر ظریف «اِبْتِغَآءِ مَرْضَاتِ اللَّهِ * یُرِیدُونَ وَجْهَ اللَّهِ * وَجْهُ رَبِّکَ * مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّه و...»(۳) سخن به میان آمده است.

لیکن در مجامع و کتب روایی شیعه و سنی در ابواب متعدد

۱- ۴. ر. ک: به المعجم الوسیط، لغت نامه دهخدا، اقرب الموارد، منتهی الارب و فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی.

۲- ۵. مستمسک العروه الوثقی ج ۶، ص ۵؛ ج ۲، ص ۴۵۹. برای اطلاع از مباحث فقهی نیّت، ارکان آن و این که آیا داعی و انگیزه و اراده اجمالی با قصد تقرب در عبادت کافی است یا خطور دادن تفصیلی نیّت در قلب و ذهن و تداوم آن در فعل عبادی لازم می باشد یا نه و... به کتاب های فقهی ینابیع الفقهیه ج ۴، ص ۶۱۶ و مصباح الشریعه صهرشتی و شرایع الاسلام و نیّت و اخلاص آقا جمال الدین خوانساری؛ المسائل الناصریات سیّد مرتضی و ... و تعلیم و تربیت، نوشته استاد شهید مطهری، ص ۱۹۳ مراجعه کنید.

۳- ۶. به ترتیب سوره های بقره، آیه ۲۰۷؛ روم ۳۸؛ الرحمن ۲۷؛ بقره ۱۱۲.

و مناسبت های گوناگون به مباحث نیّت پرداخته که هدف رساله حاضر نیز بررسی نیّت از نگاه و منظر روایات و احادیث می باشد.

امید آن که در راستای هدف آرمانی تربیت اسلامی و تقرب به سوی خدا، شرط اساسی و ارزشی هر اندیشه و عمل صالح (یعنی نیّت خالص و خدایی) را بهتر شناسایی و با توکّل و تمرین به کار بریم که هر قدر بذر نیّت پاک و اصلاح شده و نیکو باشد، نهال عمل پرسایه و پرثمرتر، و با طراوت و ماندگارتر خواهد گشت.

ص:۱۸

فصل دوم: نقش نیّت

نیّت هماننـد هسـته و بذر گیاه و نهال هر چند به ظاهر پنهان می نماید ولی منشأ و مبدأ درخت عمل می باشد و نقش کلیدی و تعیین کننـده دارد و اساساً سـعادت یـا سـقوط انسـان در گرو نیّت خیر و خـدایی یا آلوده و شـیطانی است و در اسـلام نیّت از مسـلّمات فقه بوده و نه تنها هیچ عبادتی بدون نیّت نبوده بلکه هیچ فعلی بدون نیّت، عمل شناخته نمی شود و اسلام می خواسته از نخستین نقطه، اندیشه و عمل با نورانیّت و نیکویی آغاز گشـته تا شاکله وجودی و شخصـیت آدمی بر اساس خوبی ها شکل گیرد و تربیت و تکامـل یابـد، به علاـوه همه ارزیـابی هـا و ارزش هـا و پـاداش ها بر پایه نیّت می باشـد، این حقیقتی است که روایات بدان صراحت دارد. از جمله:

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«النیّه اَساسُ العَمَلِ»؛(۱) نیّت پایه و اساس عمل است.

و در بیانی دیگر می فرماید:

ص:۱۹

۱- ۷. غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۱۰۳۲.

«لا عَمَل لِمَنْ لا نِیَّهَ لَهُ»؛(۱) آن که نیّت ندارد عملی نخواهد داشت.

همچنین امام باقرعلیه السلام در حدیثی نورانی می فرماید:

«النِیَّهُ اَفْضَلُ مِنَ العَمَلِ اَلا وَ اِنَّ النِّیَّه هِیِ الْعَمَلِ ثُمَّ تَلا قَولَهُ تَعالی «قُل کُلٌّ یَعمَلُ عَلی شاکِلَتِهِ» اَی عَلی نِیَّهِ»؛(۲) نیّت از عمل برتر است بدانید نیّت همان عمل است، پس حضرت آیه: «قُلْ کُلٌّ یَعْمَلُ عَلی شاکِلته»؛(۳) (پس هر کس بر ساختار و شیوه خود عمل می کند.) را تلاوت کرد و فرمود یعنی بر نیّتش.

و امام زین العابدین (سجاد)علیه السلام فرمود:

«لا عَمَلَ اِلّا بِنیّهٍ»؛(۴) عمل جز به نیّت نمی باشد.

و امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اِنَّ اللَّه یَحْشُرُ النَّاسَ عَلی نِیّاتِهِمْ یَوْمَ القِیامَه»؛(۵) خداوند در قیامت مردم را مطابق نیّت های شان محشور می کند.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«عَلی قَدْرِ النِیّهِ تَکُونُ مِنَ اللَّهِ الْعِطیَه»؛(۶) به میزان نیّت، عطیّه و پاداش الهی خواهد بود. (هر چند آنچه قصد کار خیر

۱- ۸. همان، ج ۶، ص ۲۳۲، ح ۱۰۷۵۰.

۲- ۹. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۶.

۳- ۱۰. اسراء، ۸۴.

۴- ۱۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۴.

۵- ۱۲. المحاسن، ج ۱، ص ۴۰۹، ح ۹۲۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۴.

۶- ۱۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱؛ غرر الحکم، ج ۴، ص ۲۰۰، ح ۶۱۸۸.

دارد نتواند انجام دهد)

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام نقل شده است:

«اِنَّ اللّه تبـارك و تعـالی جَعَـلِ لِآدَمَ فِی ذُرّیتِهِ اَنَّ مَنْ هَمَّ بِحَسَـنَهٍ فَلَمْ یَعْمَلُهـا كَتَبَتْ لَهُ حَسـنهً وَ مَنْ هَمَّ بِحَسَـنَهٍ وَ عَمَلَها كُتِبَت له عَشراً»؛(۱) و از امام باقرعلیه السـلام یا امام صادق علیه السلام نقل شده است كه خدای تبارك و تعالی برای فرزندان آدم مقرر فرموده آن كه بر كـار نیک نیّت و همّت كنـد ولی انجام ندهـد یک حسـنه و پاداش نیک برای او نوشـته شود و اگر عمل كند برای او ده حسنه نوشته خواهد شد.

همچنین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«اِنَّمَـا الْاَعْمالُ بِالنّیّاتِ وَ لِكُلِّ امری ءٍ مانَوی ؛(۲) جز این نیست كه اعمـال به نیّت هـاست و در حقیقت برای هر كس آن چیزی است كه نیّت می كند.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«رُبَّ نِیَّهٍ اَنْفَعُ مِنْ عَمَلٍ»؛(۳) بسا نیّتی كه سودمندتر از عملی است.

آن گونه كه از روایات اسـلامی استفاده می شود، نیّت و عمل همانند بذر و محصول، میوه و درخت یا پایه و بنای ساختمان، با یكدیگر

۱- ۱۴. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۶.

۲- ۱۵. كنز العمال، ح ۷۲۷۲؛ الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۶۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۵.

۳- ۱۶. غرر الحكم، ج ۴، ص ۳۹، ح ۵۲۹۲.

ارتباط مستقیم دارند و صریح تر آن که نیّت به منزله روح و جانِ عمل می باشد و مقبولیت و صحت هر عمل بستگی به نیّت عامل دارد و بر خلاف ظاهر و شکل عمل که مربوط به پیکر و ناپایدار است، نیّت ها جاودانه و ابدی خواهد بود.

امام علی علیه السلام در روایات گوناگونی می فرماید:

«الاَعمالُ ثِمار النیّاتِ»؛(۱) کردارها نتیجه و میوه های نیّت هاست.

«النیّه اساسُ العملِ»؛(۲) نیّت پایه و اساس عمل است.

«قَدْرُ الرَّجُلِ عَلی قَدْرِ هِمَّتِهِ وَ عَمَلُهُ عَلی قَدْرِ نِیَّتِهِ»؛(۳) قدر و منزلت شخص به اندازه همّت اوست و عملش به قدر نیّت اوست.

«رُبَّ عَمَلٍ اِفْسَدَتْهُ النیّه»؛(۴) چه بسا عملی که نیّت آن را فاسد و بی ارزش کند.

«صَلاحُ الْعَمَلِ بِصَلاحِ النیّهِ»؛(۵) صلاح و صحت عمل به صحت و صلاح نیّت می باشد.

«لا یَکْمُل صالِحُ الْعَمَلِ اِلّا بِصالِحِ النیّه»؛(۶) کامل نمی گردد عمل شایسته مگر با نیّت و قصد شایسته (خالص و خدایی).

۱- ۱۷. غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۲۹۲.

۲- ۱۸. همان، ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۱۰۳۲.

۳- ۱۹. همان، ج ۴، ص ۳۱۸، ح ۶۷۳۸.

۴- ۲۰. همان، ج ۴، ص ۳۹، ح ۵۲۹۰.

۵- ۲۱. همان، ج ۴، ص ۱۲۴، ح ۵۷۹۲.

۶- ۲۲. همان، ج ۶، ص ۲۳۵، ح ۱۰۷۷۸.

فصل سوم: نیّت صادق

از آن جا که نیّت می تواند دارای انواع گوناگون و مراتب متعدد باشد این سؤال به ذهن می رسد که بر کدامین نیّت آن همه آثار و برکات بار می شود که روایات پاسخ می دهد نه هر نیتی از هر فردی با هر انگیزه و هدفی بلکه نیّت و قصد صادقانه، مؤمنانه و خالصانه، مفید و مؤثر خواهد بود.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله در فراز زیبایی، درباره اهمیّت نیّت صادق می فرماید:

«اَفْضَلُ الْعَمَل النیّهِ الصادِقَه»؛(۱) برترین عمل نیّت صادق است.

همچنین حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«مَنْ لَمْ یُقدّم اِخْلاصَ النِّیه فِی الطّاعاتِ لَمْ یَظْفَر بالمُثُوباتِ»؛(۲) هر کس نیّت خالص را در طاعت ها پیش نیندازد به پیروزی بر ثواب ها دست نیابد.

«وَ لَو اَنَّ الناسَ حِینَ تَنزِلُ بِهِم النِّقَم و تَزُولُ عَنْهُمُ النِّعَمُ فَزَعُوا اِلی رَبِّهِم

ص:۲۳

۱- ۲۳. کنز العمال، ح ۷۲۳۸.

۲- ۲۴. همان، ج ۵، ص ۲۴۶، ح ۸۹۸۱.

بِصِدْقِ نیّاتِهِم وَ وَلَهٍ مِنْ قُلُوبِهِم لَرُدَّ عَلَیهم کُلَّ شارِدٍ وَ اَصْلَحَ لَهُمْ کُلَّ فاسِدٍ»؛(۱) اگر مردم هنگام نزول بلا و سلب نعمت ها با نیّت های صادق و دل های مشتاق به درگاه پروردگارشان تضرع کنند بی گمان آنچه از دست شان رفته بازخواهد گشت و هر تباهی و فسادی را برایشان اصلاح خواهد نمود.

و در بیانی به طور کلی می فرماید:

«مَنْ اَخْلَصَ النِیَّهُ تَنَزَّهَ عَنْ الدَّنِیَّه»؛(۲) هر که نیّت را خدایی و خالص (از شرک و ریا) کند از اخلاق مذموم و اعمال بد پاکیزه گردد.

پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«نیّهُ المؤْمِنِ اَبْلَغُ مِنْ عَمَلِه» «نِیَّهُ الْمُؤْمِنِ خَیْرٌ مِنْ عَمَلِهِ»؛(۳) نیّت مؤمن (نیّت برخاسته از ایمان) رساننده تر و برتر از عمل او است.

و وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال می شود چطور نیّت مؤمن برتر است از عمل او می فرماید:

«لِأَنَّ الْعَمَلَ رُبَّما کانَ رِیاءً لِلْمَخلوقین وَ النیّهُ خالِصَهٌ لِرَبِّ الْعالَمین...»؛ چون عمل گاه برای ریا و خودنمایی به مردم

۱- ۲۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸.

۲- ۲۶. غرر الحکم، ج ۵، ص ۱۷۶، ح ۸۴۴۲.

۳- ۲۷. کنز العمال، ح ۷۲۳۶ و ۷۲۶۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۶؛ بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۰۸.

است امّا نيّت به طور خالص از آن پروردگار جهانيان است.

امام صادق عليه السلام مى فرمايد:

«صاحَبُ النيّه الصادقهِ صاحِبُ الْقَلْبِ السّليمِ لِأَنَّ سَلامَهَ الْقَلْبِ مِنْ هَواجِسِ الْمَحْذُوراتِ بِتَخْليصِ النيّهِ للّهِ فِى الْاُمور كُلِّها»؛(۱) آن كه نيّت صادق داشته باشد، قلب سالم دارد زيرا پاک داشتن دل از وسوسه هاى شيطانى به وسيله خالص گردانيدن نيّت در همه كارها براى خدا حاصل مى شود.

از اميرالمؤمنين عليه السلام در حديثى نقل شده است:

«اِنَّ اللّه بِكَرِمِهِ وَ فَضْلِه يَدْخُلُ الْعَبْدَ بِصِدْقِ النيّهِ والسَريره الصَّالِحَهِ الجَنَّه»؛(۲) براستى خداوند از روى كرم و فضلش بنده داراى نيّت صادق و طينت پاک را وارد بهشت مى نمايد.

و همچنين در وصيتش به امام حسن عليه السلام مى فرمايد:

«... وَ اَنْتَ مُقْبِل الْعُمر وَ مُقْبِلُ الدَّهرِ ذُونيّه سَلِيمَه وَ نَفْسٍ صافيهِ»؛(۳) چون تو جوانى نوخاسته با نيّت سالم و روانى پاک بودى بر آن شدم تا تو را ادب آموزم (مى رساند نيّت سالم در ادب و تربيت پذيرى نقش مستقيم دارد).

۱- ۲۸. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۱۰.

۲- ۲۹. وسائل الشيعه، ج ۱،ص ۴۱.

۳- ۳۰. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

و امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اِنّما قَدَّرَ اللّه عَوْنَ الْعباد عَلی قَدْر نیّاتهم فَمَنْ صَحَّتْ نِیّتَهُ تَمَّ عَوْنُ اللّهِ لَهُ وَ مَنْ قَصُرتْ نِیّتَهُ قَصُرَ عَنْهُ الْعَوْنَ بِقَدْرِ الَّذِی قَصُر»؛(۱) همانا خداوند یاریش به بندگان را به اندازه نیّت های آنان قرار داده است، پس هر که نیّتش صحیح و سالم باشد، یاری خدا به او کامل رسد و آن که نیّتش کاستی داشته باشد یاری خدا هم به همان میزان از او کم می شود.

و پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله در خطبه ای می فرماید:

«... وَ اَسْئَلُوا اللّه رَبّکُم بِنیّاتٍ صادِقَهٍ وَ قُلُوبٍ طاهِرَه...»؛(۲) توصیه می نماید تا در ماه رحمت و رمضان، با نیّت های صادق و دل های پاک خدا را بخوانید تا به عبادت و اجابت مقرون شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اِنَّ الْعَبْدَ المُؤمِنُ الْفَقیرُ لَیقُولُ یا رَبِّ ارْزُقْنی حَتّی اَفْعَلَ کَذا وَ کَذا مِنَ البِرِّ وَ وُجوهِ الْخَیرِ، فَاِذا عَلِمَ اللّه ذلِکَ مِنهُ بِصدِقِ نِیَّهِ کَتَب اللّه لَهُ مِنَ الْاَجْرِ مِثلَ ما یَکْتُبُ لَهُ لَوْ عَمِلَهُ اِنَّ اللّه واسِعٌ کَریمٌ»؛(۳) همانا عبد مؤمن مستمند می گوید: پروردگارا روزیم کن تا کارهای گوناگون خیر و خوب انجام دهم و چون خداوند

۱- ۳۱. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۱۱.

۲- ۳۲. امالی صدوق، ص ۹۳، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶.

۳- ۳۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۵؛ اصول کافی، ص ۳۵۰.

صدق و راستی نیّت را در او بیابد برای او پاداش بنویسد همانند کسی که عمل نیک را انجام داده چرا که خداوند وسعت دهنده و بخشایشگر است.

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

«کما لا یَقُومُ الجَسَدُ اِلّا بِالنَّفْسِ الحیَّهِ فَکذلِکَ لا یَقُومُ الدِّینِ اِلّا بِالنیَّهِ الصادِقه وَ لا تَثبتُ النیّهُ الصادِقهُ اِلّا بالْعَقلِ»؛(۱) همچنان که بدن جز با روح زنده بقایی ندارد، دین انسان نیز جز با نیّت صادق برپا نمی ماند و نیّت درست هم جز با عقل و خرد استوار نمی ماند.

۱- ۳۴. تحف العقول، ص ۳۹۶.

فصل چهارم: نیّت در توصلیات

گرچه از عموم روایـات نیّت می توان اهمیّت و نقش نیّت را در امور عبـادی و غیر عبادی (ماننـد خوردن و آشامیـدن و فعالیت هـای اقتصادی حلال که ماهیت عرض بنـدگی به درگاه خـدا ماننـد نماز نـدارد) اسـتفاده کرد، لیکن برخی از روایات به نقش سازنده نیّت در توصلیات و کارهای غیر عبادی (که با قصد غیر خدا هم قبول ولی پاداش و کمال بر روح آدمی ندارد) تصریح نموده اند؛ از جمله: پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم به اباذر می فرماید:

«لِیکُن لَکَ فِی کُلِّ شَی ءٍ مِنْ نِیَّهٍ صالِحَهٍ حَتی فِی النَوْمِ وَ الاَکْلِ»؛(۱) ای اباذر باید برای هر کاری نیّت پاک و شایسته داشته باشی حتی در خوابیدن و خوردن.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«لابُدَّ لِلْعَبدِ مِنْ خالِصِ النیّهِ فِی کُلِّ حَرَکَهٍ وَ سُکُونٍ لِاَنَّهُ اِذا لَم یَکُنْ هذا الْمَعنی یَکونُ غافِلًا»؛(۲) بنده خدا باید در تمام حرکت

۱- ۳۵. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۴، مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۲۶۶۱.

۲- ۳۶. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۱۰.

و سکون خود نیّت خالص داشته باشد زیرا اگر این معنا نباشد در شمار غافلان است (آری با درک عبد بودن و اخلاص، بنده یک لحظه در زندگی به غیر خدا توجه و توکل ندارد).

حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر می فرماید:

«وَ امْضِ لِکُلِّ یَوْمٍ عَمَلُه فَاِنَّ لِکُلِّ یَوْمٍ ما فیهَ وَاجْعَلْ لِنَفْسِکَ فیما بَیْنَکَ وَ بَیْنَ اللّه اَفْضَل تِلْکَ الْمَواقیتِ وَاَجْزَل تِلْکَ الاَقسام وَ اِنْ کانَتْ کُلّها لِلّهِ اِذآ صَلُحَتِ فیها النیّهِ وَ سَلُمَتِ فیها الرَّعیّه...»؛(1) کار هر روزت را همان روز به انجام برسان زیرا هر روز را کاری است و بهترین وقت ها را به ارتباط میان خود و خداوند اختصاص بده، اگر چه در همه وقت ها اگر نیّت پاک داشته باشی و مردم در امنیت و سلامت باشند، تمام آن اوقات از آن خداست.

ص:۳۰

۱- ۳۷. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

فصل پنجم: آثار نیّت

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«اِنّما الاَعْمالُ بِالنیّاتِ وَ لِکُلِّ امرءٍ ما نَوی فَمَنْ غَزی ابتِغاءِ ما عِنْدِ اللَّه فَقَدْ وَقَعَ اَجْرُه عَلی اللَّه عزّوجلّ و مَنْ غَزی یُریدُ عَرَضَ الدُّنیا اَوْ نَوی عِقالاً لَمْ یَکُنْ لَهُ اِلّا ما نَوی ؛(۱) همانا کارها بر پایه قصدهاست و برای هر انسانی همان است که نیّت می کند، پس آن که جهاد می کند برای خدا قطعاً پاداش او را خدا می دهد و هر کس بجنگد به خاطر متاع دنیا (نام و نان و مقام) یا به نیّت رسیدن به افسار یا زانو بند حیوان، بهره او چیزی جز آنچه نیّت نموده نمی باشد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«مَن مات منکم علی فراشه وَ هُوَ عَلی مَعرفَهِ حَقِّ رَبِّه وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ اَهْلِ بَیتِه مات شَهیداً وَ وَقَع اَجْرُه عَلی اللَّه وَ اسْتَوْجَبَ ثَوابَ ما نَوی مِن صالِحٍ عَمِلَهُ وَ قامَتِ النیّهُ مَقامَ اَصْلاتِهِ لِسَیفِه»؛(۲) هر که از

۱- ۳۸. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۵، و المجالس، ص ۳۸، و مشابه آن درکتاب کنزالعمال ۷۲۷۲.

۲- ۳۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰.

شما در بستر خویش بمیرد در حالی که به حقّ پروردگارش و حقّ رسول او و اهل بیتش معرفت داشته باشد، شهید از دنیا رفته و اجرش با خداست و مستحق پاداش عمل شایسته ای است که در نیّت داشته است و این نیّت جانشین ضربات شمشیرش می گردد.

امام صادق علیه السلام نیز در روایتی می فرماید:

«ما ضَعُفَ بَدَنٌ عَما قَوِیْت عَلَیْهِ النیَّهِ»؛(۱) هیچ بدنی در انجام آنچه نیّت بر آن قوی باشد ناتوان نیست.

همچنین در روایت دیگری فرمود:

«اِنَّ الْعَبدَ لَیَنْوِی مِنْ نَهارِهِ اَنْ یُصَلی بِاللیلِ فَتَغْلِبُه عَینُه فَیَنامُ فیُثبتُ اللّه لَهُ صَلاتَهُ وَ یَکْتُبُ نَفَسَهُ تَسبیحاً وَ یَجْعَلُ نَوْمَهُ عَلیْهِ صَدَقه»؛(۲) همانا بنده در روز نیّت می کند نماز شب بخواند اما چشمانش بر او غالب شده، به خواب می رود پس خداوند نماز شب را برای او ثبت نموده، نفس هایش را تسبیح می نویسد و خوابش را برای او صدقه قرار می دهد.

امام باقرعلیه السلام می فرماید:

«اِنَّ المؤمِنَ لِتَرُدُّ علیه الْحاجَهِ لِاَخیهِ فَلا تکونُ عِنْدَهُ فَیَهْتَمُ بِها قَلْبه فَیَدْخُلُه اللَّهَ تَبارک و تعالی بِهِمتَه الْجَنَّه»؛(۳) گاه برادر مؤمن

ص:۳۲

۱- ۴۰. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸؛ الامالی، ص ۱۹۸.

۲- ۴۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۵۲۴.

۳- ۴۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۱۴.

حاجتی از او می خواهد و او ندارد ولی در دلش برای آن همّت و نیّت دارد، خدای تبارک و تعالی به خاطر همین اهتمام او را به بهشت می برد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید:

«تَرکْنا فِی المَدینه اَقواماً لا تَقْطَعُ وادِیاً وَ لا تَصْعَدُ صُعوداً وَ لا تَهبِطُ هُبُوطاً اِلّا کانُوا مَعَنا قالُوا کَیْفَ یَکُونُونَ مَعَنا وَ لَمْ یَشْهَدُوا، قَالَ نیّاتَهُم»؛(۱) ما در مدینه افرادی را باقی گذاشتیم که هیچ وادیی را نپیمودیم و بر هیچ تپه ای بالا نرفتیم و در سراشیبی قدم نگذاشتیم مگر این که آنان نیز همراه ما و با ما بودند، سؤال شد چگونه با ما هستند در حالی که حضور پیدا نکردند، حضرت فرمود، نیّت های شان با ما بود.

و در زیارت جامعه ائمه اطهار علیهم السلام می خوانیم:

«فَنَحنُ نُشْهِدُ اللَّه انّا قَدْ شارَکْنا اَوْلیائکُم وَ اَنْصارَکُم... بِالنیّآتِ وَ الْقُلُوبِ»؛(۲) خدا را گواه می گیریم که با یاران و دوستان تان شرکت داشتیم با نیّت ها و دل هایمان.

و همچنین سخن جابر بن عبداللّه انصاری (صحابی و یار جلیل القدر پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم) به عطیه عوفی (از مردان علم و حدیث)(۳) وقتی به

۱- ۴۳. کنز العمال، ح ۷۲۶۱.

۲- ۴۴. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۶۷؛ مصابیح الجنان، ص ۴۵۹.

۳- ۴۵. سفینه البحار، ج ۲، ۲۰۵ {ماده عطا}.

زیارت امام حسین علیه السلام به عنوان اولین زائر کربلا می آیند بعد از زیارت و سلام به شهدای عاشورا می گوید:

«سوگند به آن کسی که محمّد را به پیامبری برانگیخت، ما در آنچه انجام دادید، شریک هستیم، عطیه می پرسد: چگونه ما با آنان شریک هستیم ما که بر دشت و کوهی بالا نرفتیم و نجنگیدم و اینان سر از بدنشان جدا کردند و زن و فرزندانشان بی سرپرست شدند، جابر گفت: ای عطیه! از حبیب خود رسول خدا شنیدم هر کسی قومی را دوست بدارد با آنان محشور گردد و هر کس کار قومی را بپسندد در عمل شان شریک گردد، قسم به آن کسی که محمّد را به پیامبری مبعوث کرد، نیّت من و یاران من با نیّت و قصد حسین علیه السلام و یارانش یکی است.»(۱)

علی بن ابی حمزه می گوید: امام کاظم علیه السلام به من فرمود:

«رَحِم اللّه فُلاناً، یا علی لَم تَشْهَد جِنازَتُه؟»؛ خدا رحمت کند فلانی را در تشییع جنازه او نبودی؟

در جواب گفتم:

«لا، قَدْ کُنْتُ اُحِبُّ اَنْ اُشْهِدَ جِنازَه مِثله»؛ نه، ولی دوست داشتم در تشییع او شرکت کنم.

حضرت فرمود:

ص:۳۴

۱- ۴۶. مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۱۹۰؛ بشاره المصطفی، ص ۷۴.

«فَقال کَتب لکَ ثَوابُ ذلِک بِما نَویْتَ»؛(۱) ثواب آن به خاطر نیتی که داشتی برای تو نوشته شد.

همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اِنَّما خلِّدَ اَهْلُ النارِ فِی النَّارِ لانَّ نِیّاتَهُم کانَتْ فِی الدُّنیا اَنْ لَوْ خُلِّدُوا فِیها اَنْ یَعْصُوا اللَّهَ اَبداً وَ اِنَّما خُلِّدَ اَهْلُ الْجَنَّه فِی الْجَنَّهِ لِأَنّ نِیّاتَهُم کانَتْ فِی الدُّنیا اَنْ لَوْ بَقَوا فِیها اَنْ یُطیعُوا اللَّه اَبَداً فَبالنِّیاتِ خُلِّدُوا هؤلاءِ وَ هؤلاءِ، ثُمَّ تَلا قَوْلُهُ تَعالی «قُلْ کُلٌّ یَعْمَلُ عَلی شاکِلَته» قالَ عَلی نِیَّته»؛(۲) همانا دوزخیان در آتش ماندگارند چون نیّت های شان بر معصیت و گناه، ابدی بوده و همانا بهشتیان در آن جا جاودانند چون نیّت هایشان در دنیا بر اطاعت خدا بوده تا ابد، پس خلود و جاودانگی معلول نیّت ها بوده، سپس حضرت آیه ۸۴ سوره اسراء را تلاوت کرد و فرمود: یعنی بر نیّتش.

و روایات دیگری که دال بر این حقیقت که خداوند در قیامت بر اساس نیّت ها پاداش می دهد و همان نیّت ها در نامه عمل مؤمن نوشته می شود.

«قال الباقرعلیه السلام: «نِیّهُ المؤمِنِ اَفْضَلُ مِنْ عَمَلِهِ وَ ذلِک لِأَنَّهُ یَنوِی مِنَ الخَیْرِ ما لایُدرِکُه وَ نِیّهَ الْکافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمِلَه وَ ذلِکَ لِأَنَّ الکافِرَ

ص:۳۵

۱- ۴۷. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۷.

۲- ۴۸. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۶؛ المحاسن، ص ۳۳۱.

یَنْوِی الشرّ وَ یَأمُلُ مِنَ الشرِّ ما لایُدْرِکهُ»؛[(۱)] نیّت مؤمن از عملش برتر است چون از کارهای خیر آن قدر نیّت می کند که موفق به انجام آنها نمی شود و نیّت کافر بـدتر و بیشتر از عمل اوست زیرا کافر نیّت بـد و آرزوی آن را به قـدر زیادی در سـر دارد، لیکن امکان انجام آنها را نمی یابد.

ص:۳۶

۱- ۴۹. همان، و علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲۴.

فصل ششم: نیّت نیکو و نیّت ناپسند

نیّت نیکو

نیّت نیکو تا آن جا اهمیّت دارد که امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤال از حد و اندازه عبادتی که اگر کسی انجام دهد به وظیفه اش عمل کرده است، می فرماید:

«حُسنُ النِیَّهِ بِالطّاعَهِ»؛(۱) نیّت نیکو داشتن در طاعت خداست.

و حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«وُصُولُ المَرءِ اِلی کُلِّ ما یَبتغیه مِن طِیبِ عَیشِهِ وَ اَمْنِ سِرْبِه وَ سِعَهِ رِزْقِهِ بِحُسْنِ النیَّهِ وَ سَعَه خُلْقِه»؛(۲) آدمی با نیّت نیکو و خلق و خوی خوش به تمام آنچه می جوید از زندگی خوش و امنیّت محیط (امنیّت راه و روانی) و روزی فراوان خواهد رسید.

آری طبق روایات نیّت نیکو ریشه در طبیعت پاک و درون سالم انسان و قوّت دین و ایمان او دارد که علی علیه السلام می فرماید:

۱- ۵۰. اصول کافی ج ۲، ص ۸۵.

۲- ۵۱. غرر الحکم، ج ۶، ص ۱۴۶، ح ۱۰۱۴۲.

- «حُسْنُ النِّيَّهِ مِنْ سَلامَهِ الطويّه»؛(۱) نیکویی نیّت از سلامت باطن است.

- «عَلی قَدْرِ قُوَّهِ الدِّینِ یَکُونُ خُلُوصُ النِّیَّهِ»؛(۲) به اندازه قوت دین خلوص نیّت می باشد.

بر این اساس باید تلاش و جهاد با نفس کرد تا با اطاعت حقّ دین مان را تقویت و جان را به نیّت نیکو عادت دهیم که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

«عَوِّدْ نَفْسَکَ حُسْنَ النِّیَّهِ وَ جَمیلَ الْمَقْصَدُ تُدْرِکُ فی مَباغیکَ النَّجاح»؛(۳) عادت بده نفس خود را به نیکویی نیّت و مقصد (با انگیزه و هدف نیکو) تا در مطالب خود پیروزی (موفقیت و ثواب) بیابی.

و در بیانی دیگر می فرماید:

«اِنَّ تَخْلِیصَ النِّیَّهِ مِنَ الفَسادِ اَشَدُّ عَلی الْعامِلینَ مِنْ طُولِ الاِجْتِهادِ»؛(۴) بطور قطع خالص نمودن نیّت از فساد (ریا و شهرت و یا هر چیز جز خدا) بر عمل کنندگان از مشقت، تلاش و اجتهاد سخت تر است. (بدیهی است که ارزش و پاداش آن هم بیشتر خواهد بود).

۱- ۵۲. همان، ج ۳، ص ۲۴۳، ح ۴۸۱۲.
۲- ۵۳. همان، ج ۴، ص ۲۰۰، ح ۶۱۸۷.
۳- ۵۴. همان، ج ۴، ص ۳۱۰، ح ۶۲۳۱.
۴- ۵۵. همان، ج ۲، ص ۳۱۸، ح ۳۵۲۰.

پیوسته بکوشیم تا نیّت های نیکو داشته باشیم چرا که آثار و نتایج تکاملی و سعادت آفرین آن در دنیا و آخرت به گونه ای است که امام سجادعلیه السلام در دعای مکارم اخلاق از خداوند درخواست می کند:

«وَ انْتَهِ بِنیَّتی اِلی اَحْسَنِ النِّیاتِ وَ بِعَمَلی اِلی اَحْسَنِ الْاَعمالِ اَللَّهُمَّ وَفِّر بِلُطْفِکَ نِیَّتی...»؛(۱) خدایا نیّت مرا به نیکوترین نیّت ها و کردارم را به بهترین کارها برسان و به لطف خود نیّت مرا وافر و کامل گردان.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«مَنْ حَسُنَتْ نِیَّتَهُ کَثُرَتْ مَثوُبَتُه وَ طابَتْ عَیْشُه وَ وَجَبَتْ مَوَدَّتُه»؛(۲) هر کس نیتش نیکو باشد پاداش او فراوان گردد و زندگیش خوش و دوستیش لازم آید.

«مَنْ حَسُنَت نِیَّتهُ اَمدَّهُ التَّوْفِیقَ»؛(۳) هر کس نیّتش نیکو باشد توفیق یار او می شود.

«وَ اِحْسانُ النیَّه یُوجِبُ الْمَثُوبَه»؛(۴) نیّت نیکو پاداش آفرین است.

«جَمیلُ النیّه سَبَبٌ لِبُلُوغِ الاُمنیه»؛(۵) نیّت نیکو سبب رسیدن به آرزوها و آرمان هاست.

۱- ۵۶. صحیفه سجادیه، ص ۴۸، دعا ۹.
۲- ۵۷. غرر الحکم، ج ۵، ص ۲۶۴، ح ۹۰۸۹.
۳- ۵۸. همان، ج ۵، ص ۲۷۴، ح ۹۱۸۱.
۴- ۵۹. همان، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۱۲۵۸.
۵- ۶۰. همان، ج ۳، ص ۲۳۲، ح ۴۷۶۱.

«حُسْنُ النیّهِ جَمالُ السَّرائِر»؛(۱) نیکویی نیّت زیبایی درون و نهان هاست.

و امام صادق علیه السلام هم می فرماید:

«مَنْ حَسُنَتْ نیّته زادَ اللَّه فِی رِزْقِه»؛(۲) هر کس نیّتش نیکو شود خداوند روزیش را بیفزاید.

و حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«اِسْتَعِنْ عَلی الْعَدلِ بِحُسنِ النیّهِ فِی الرَّعیه وَ قِلَّه الطَّمَعِ وَ کَثْرَهِ الوَرَعَ»؛(۳) از حسن نیّت نسبت به رعیت و کاستن طمع و پارسایی زیاد در راه اجرای عدالت کمک بگیر.

شاید این گونه بیانات نه تنها نیّت نیکو را سفارش می کند بلکه ناظر به خوش بینی انسان به خدا و خلق و آینده باشد. و لذا حضرت علی علیه السلام در کلام حکیمانه خود می فرماید:

«اِنَّ اللَّهَ سُبْحانَهُ یُحِبُّ اَنْ تَکُونَ نِیَّتَه الاِنسانِ لِلنَّاس جَمیلهٌ کَما یُحِبُّ اَنْ تَکونَ نِیَّهُ فِی طاعَتِهِ قَوِیَّهٌ غَیرُ مَدْخُولَه»؛(۴) خدای سبحان دوست دارد نیّت انسان نسبت به مردم خوب (بدون ضرر) باشد هم چنان که دوست دارد نیّت او در اطاعت وی نیرومند و پاک و بدون ریا و آلودگی باشد.

۱- ۶۱. همان، ح ۳، ص ۲۴۲، ح ۴۸۰۱.
۲- ۶۲. المحاسن، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۹۲۲؛ وسائل الشیعه ج ۱، ص ۳۷؛ بحارالأنوار، ج ۷۰، ص ۲۰۹.
۳- ۶۳. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۲۶، ح ۲۴۰۳.
۴- ۶۴. همان، ج ۲، ص ۳۹۹، ح ۳۶۹۸.

نیّت ناپسند

به همان اندازه که نیّت نیکو سودمند و در شکل گیری شخصیت و سعادت دنیا و آخرت آدمی تأثیر دارد نیّت زشت و آلوده زیان بار است که به روایات آن می پردازیم. امام صادق علیه السلام می فرماید:

قال الصادق علیه السلام «اِنَّ الْمُؤْمِنَ لَیَنوِی الذَّنب فَیحْرمُ رِزْقهُ»؛(۱)

همانا مؤمن قصد و نیّت گناه می کند و از روزی خود محروم می گردد. (روزی عام است و شامل روزی مادی و معنوی می شود).

امام علی علیه السلام می فرماید:

- «اذا فَسَدَتِ النِّیَّهُ وَقَعْتِ الْبلیَّهُ»؛(۲) هرگاه نیّت فاسد (آلوده به ریا و گناه) شود بلا و گرفتاری پیش می آید.

- «مَنْ اَساءَ النیَّه مَنعَ الاُمنیه»؛(۳) هر که بد نیّت باشد به آرزو و آرمانش نرسد.

- «سُوءُ النِّیَّهِ داءٌ دَفِینٌ»؛(۴) نیّت ناپسند و بدبینی دردی پنهان است.

- «عِنْدَ فَسآدِ النیَّهِ تَرْتَفِعُ الْبَرکه»؛(۵) با آمدن نیّت فاسد، برکت برداشته می شود.

۱- ۶۵. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۴۷؛ عقاب الاعمال، ص ۲۴.

۲- ۶۶. غرر الحکم، ج ۳، ص ۸۱، ح ۴۰۱۶.

۳- ۶۷. همان، ج ۵، ص ۱۶۳، ح ۸۳۰۶.

۴- ۶۸. همان، ج ۴، ص ۸۲، ح ۵۵۶۳.

۵- ۶۹. همان، ج ۴، ص ۲۰۸، ۶۲۲۳.

- «رُبَّ عَمَلٍ افْسَدْتُه النّيه»؛(۱) چه بسا عملی که نیّت، آن را تباه و فاسد کند.

- «مِنَ الشَّقاءِ فَسادُ النّیّهِ»؛(۲) از جمله بدبختی ها، فساد و تباهی نیّت می باشد.

همانا از پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم سؤال شد فردای قیامت نجات در چیست؟ فرمود:

«اِنَّما النّجاهُ فِی اَنْ لا تُخادِعَ اللَّه فَیَخْدعکُم...»؛ همانا نجات در در خدعه نکردن با خداست...

سپس پرسیده شد: چگونه با خدا نیرنگ می کنند؟ حضرت جواب داد:

«یَعْمَلُ بما اَمره اللَّهَ ثمّ یرید به غیره فاتّقوا فی الریاء فَاِنَّهُ الشرک باللَّهِ اِنّ الْمَرائی یُدعی یوم القیامَهِ باربعه اسماء؟ یا کافر یا فاجر یا غادر یا خاسر حبط عملک و بطل اجرک فلا خلاص لک الیوم فالتمس اجرک مِمَّن کنت تَعمل له»؛(۳) در ظاهر به آنچه خدا دستور داده است عمل می کند ولی قصد و توجه به غیر دارد. پس بپرهیز از ریا، چرا که ریا شرک به خداست و ریاکار در قیامت به چهار نام خوانده می شود: ای کافر، ای فاجر، ای حیله گر، ای زیانکار، کردارت نابود شد و پاداشت از بین رفت. پس راه نجاتی برای تو نیست و پاداشت را از آن که برایش عمل کردی بخواه. (البته شرک هم مراتبی دارد.)

۱- ۷۰. همان، ج ۴، ص ۳۹، ح ۵۲۹۵.
۲- ۷۱. همان، ج ۶، ص ۲۳.
۳- ۷۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۱.

فصل هفتم: مراتب نیّت

می توان گفت نیّت درجات و مراتب متعددی دارد، همان گونه که میزان ایمان افراد متفاوت می باشد و در نتیجه عمل و عبادت هم مراتب مختلف دارد که در بحث عبادت خواهد آمد، و شاید بیان حضرت علی علیه السلام در تبیین همین معنا باشد که می فرماید:

«اِنَّ قَوْماً عَبَدوا اللّه رَغْبَهً فَتِلکَ عِبادَهُ التُّجّار وَ اِنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللّهَ رَهْبَهً فَتِلْکَ عِبادَهُ الْعَبید وَ اِنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللّهُ شُکراً فَتِلکَ عِبادَهُ الاَحْرارِ»؛(۱) به راستی گروهی خدا را از روی رغبت (و میل و علاقه به ثواب و بهشت) می پرستند که این عبادت تاجران و سوداگران است و عده ای دیگر از روی ترس (عذاب و دوزخ) خدا را می پرستند که این عبادت بردگان می باشد و گروهی از روی تشکّر و سپاسگزاری خداوند را پرستش می کنند که این عبادت آزادگان است. (عبادتی عارفانه، خالصانه و عاشقانه بدون هیچ توقعی و هیچ توجّهی به نفس و ناس).

۱- ۷۳. نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹؛ غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۵۵۹.

علی علیه السلام در کلامی دیگر می فرماید:

«اِلهی ما عَبدْتُک خَوْفاً مِنْ نارِکَ وَ لا طَمَعاً اِلی جَنّتک وَلکِنْ وَجدتُک اَهلاً لِلْعَبادهِ فَعَبْدتُک»؛(۱) خدایا تو را نه از روی خوف از آتش تو و به خاطر طمع در بهشت عبادت نکردم بلکه تو را سزاوار و شایسته عبادت و اطاعت یافتم پس پرستش و عبادت تو کردم (انگیزه و نیّت من تنها تو بود بر اساس معرفت و شناختی که تو را یافتم).

البته همین نوع نیّت خالص(۲) و خوب هم مراتب و آثاری دارد از جمله:

«مَنْ اَخْلَص لَنا (لِلّهِ) اَرْبَعینَ صَباحاً جَرَتْ یَنابیعُ الحِکْمَهِ مِنْ قَلْبِهِ عَلی لِسانِهِ»؛(۳) کسی که چهل صباح برای خدا اخلاص ورزد چشمه های حکمت از قلبش به زبانش جاری گردد.

۱- ۷۴. غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۴۵؛ بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۸۶.
۲- ۷۵. اخلاص {یعنی اخراج غیر حقّ از قلب و منزلگاه او} حالت و ملکه ای است در دل که بوسیله تزکیه نفس و پالایش درون از علائق غیر خدایی و مقاصد شرک آلود حاصل می آید.
۳- ۷۶. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۲؛ اربعین حدیث، امام خمینی رحمه الله، ص ۶۰.

فصل هشتم: معیار نیّت

جهت گیری نیّت باید به سوی سیره و سنّت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین علیهم السلام باشد، یعنی معیار نهایی و ارزشی آن اصابت و هماهنگی با سنت و از مسیر ولایت باشد.

(سنّت یعنی قول و فعل و تقریر معصوم علیه السلام و مراد از تقریر معصوم علیه السلام فعل و عملی است که مورد امضا قرار دهد و نهی نفرماید). رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«لا قَوْلَ اِلّا بِعَمَلٍ (لا یُقبَلُ قَوْلٌ اِلّا بِعَمَلٍ) وَ لا قَوْلَ وَ لا عَمَلِ اِلّا بنیَّهٍ وَ لا قَوْلَ وَ لا عَمَلَ وَ لا نِیَّهَ اِلّا بِاصابَهِ السُّنَّهِ»؛(۱)

گفتار راست نگردد جز به عمل و گفتار و عمل ارزش نیابد (به حقیقت نگراید) مگر به نیّت و گفتار و عمل و نیّت به صحت و ثواب مقرون نگردد، مگر به مطابقت و هماهنگی با سنت.

و امام سجادعلیه السلام می فرماید:

ص:۴۵

۱- ۷۷. اصول کافی، ج ۱، ص ۷۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۳.

«اِنَّ اَفْضَلَ الْأَعْمالِ عِنْدَ اللَّهِ ما عَمِل بِالسُّنَّهِ وَ اِنْ قَلَّ»؛(1) به راستی برترین اعمال در پیشگاه خداوند عمل و رفتاری است که بر اساس سنّت و برگرفته از آن باشد اگر چه کم و کوچک باشد. (با توجه به این که حقیقت عمل به نیّت آن می باشد، پس باید نیّت طبق سنت باشد.)

ص:۴۶

۱- ۷۸. همان، حدیث ۷.

بخش دوم:عبادت

اشاره

ص:۴۷

فصل اوّل: معناشناسی عبادت

فصل اوّل: معناشناسی عبادت

عبادت (مصدر عَبَدَ) در لغت و نزد واژه شناسان به معنای خضوع، اطاعت، نهایت فروتنی، تعظیم و تذلّل با تقدیس آمده است. عبودیت هم مصدر عبد، ولی به معنای اظهار فروتنی و اطاعت از خدا آمده و عبادت از آن بلیغ تر می باشد که غایت تذلّل و نهایت فروتنی و اطاعت را می رساند (ولذا استحقاق پرستش را ندارد مگر آن که نهایت کمال از اوست که خدای خالق می باشد)(۱)

عبادت در فرهنگ اسلام دو اصطلاح دارد:

الف: تکوینی که عبارت است از همان رابطه معلول با علت و سراسر عالم امکان که مخلوق و معلول خدای متعال اند، بنده محض حقّ بوده و لحظه ای از اطاعت او سرپیچی ندارند و وجودشان عین ربط است که در قرآن با تعابیر مختلف آمده است از جمله:

«وَلَهُ أَسْلَمَ مَن فِي السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ

۱- ۷۹. ر. ك: مفردات راغب، المعجم الوسیط، قاموس قرآن، مجمع البحرین، لسان العرب و اقرب الموارد و... {و راهی که با رفتن هموار شده «طريقٌ مُعَبَّد» خوانند و برده را به واسطه انقیاد و مطیع بودنش عبد گویند.}

یُرْجَعُونَ»؛(۱)

و حال آن که آسمانیان و زمینیان خواه و ناخواه فرمانبردار وتسلیم او هستند و به سوی او بازگردانده می شوند.

«تُسَبِّحُ لَهُ السَّماوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِیهِنَّ وَإِن مِن شَیءٍ إِلَّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلکِن لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِیحَهُمْ إِنَّهُ کانَ حَلِیماً غَفُوراً»؛(۲)

آسمان های هفت گانه و زمین و هر چه در آنهاست تسبیح او گویند و هیچ موجودی نیست مگر آن که به ستایش وتسبیح او مشغول است ولی شما تسبیح آنها را درنمی یابید و فهم نمی کنید.

«إِن كُلُّ مَن فِى السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْضِ إِلَّآ ءَاتِى الرَّحْمَنِ عَبْدًا »؛(۳)

هیچ کس در آسمان ها و زمین نیست مگر آن که بنده و عبد خدای رحمان است.

«وَلِلَّهِ یَسْجُدُ ما فِی السَّماوَاتِ وَما فِی الْأَرْضِ مِن دَآبَّةٍ وَالْمَلَائِکَهُ وَهُمْ لَا یَسْتَکْبِرُونَ»؛(۴)

و هر چه در آسمان ها و زمین از جنبدگان و فرشتگان همگی خدا را سجده و عبادت می کنند و هیچ تکبّر نمی ورزند.

ب: تشریعی که دو قسم می باشد:

۱- خاص: (اعمال شرعی مخصوص همانند نماز، روزه، یعنی

۱- ۸۰. آل عمران: ۸۳.

۲- ۸۱. اسراء: ۴۴.

۳- ۸۲. مریم: ۹۳.

۴- ۸۳. نحل: ۴۹.

تعبدیات در مقابل توصلیات که در انجام آنها قصد قربت و عبادت شرط می باشد.)

۲- عام: هر نوع اندیشه و عمل و رفتاری که قصد تقرب و جهت الهی داشته باشد.

در واقع عبادت، عبارت است از درک مملوکیت و نیاز محض و به دنبال آن توجّه خالصانه و خاضعانه به درگاه بی نیاز مطلق و تعظیم و اطاعت او در تمام مراحل حیات، و در نتیجه، نجات نیروهای درون و بیرون از پراکندگی و هدایت آنها به سوی معبود یکتا و تسلیم در برابر او و دستوراتش و تحقق توحید اسلامی (توحید در خلقت، ربوبیت و عبودیت، یعنی هم او که خالق هستی است، تدبیر تکوینی و تشریعی عالم و آدم را عهده دار است و هم او که خالق و مدیر است، باید عبادت شود و شایسته پرستش و اطاعت است.)

«ذَ لِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَآ إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلِقُ كُلِ ّشَى ءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِ ّشَى ءٍ وَكِيلٌ »؛(۱)

این است خدا، پروردگار شما، هیچ معبودی جز او نیست، آفریننده هر چیزی است. پس او را بپرستید، و او بر هر چیزی نگهبان است.

بر این اساس عبادت پروردگار، تنها راه و کوتاه ترین راه وصول به سعادت و نیک بختی انسان می باشد. که در قرآن آمده است: «وَ أَنِ

۱- ۸۴. انعام: ۱۰۲.

اعْبُدُونِی هَذَا صِرَ طٌ مُسْتَقِیمٌ »؛(۱) و مرا پرستش کنید که این راه مستقیم است.

البته عبادت مقوله به تشکیک و حقیقتی است ذات مراتب، مثلاً ـ از توجه دل به خدا و گفتن لا ـ اله الّا اللّه آغاز می شود و تا عالی ترین مراحل عرفان و کمال لایق به حال انسان مصداق می یابد و همچنین عبادت غیر خدا در اسلام حرام می باشد.

حقیقت عبادت

در این جا به مفهوم حقیقی عبادت و عبودیت (پرستش و بندگی خدا) که ملازم یکدیگرند از منظر روایات اکتفا می کنیم، از جمله:

عیسی بن عبداللّه قمی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد، عبادت چیست؟ امام پاسخ داد:

«حُسْنُ النّیَّهِ بِالطّاعَهِ مِنَ الْوَجْهِ الَّذی یُطاعُ اللّهُ مِنْهُ»؛(۲) نیّت نیکو و خوب داشتن به فرمانبرداری، از راهی که خداوند از آن راه (شایسته است) اطاعت شود.

ابوبصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم از میزان و تعریف عبادت که چون کسی انجام دهد وظیفه خود را انجام داده باشد چیست؟ حضرت فرمود:

۱- ۸۵. یونس: ۶۱.

۲- ۸۶. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۰۸؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۸۳.

«حُسْنُ النیّهِ بِالطّاعَهِ»؛(۱) خلوص و پاکی (نیکویی) نیّت به فرمانبرداری و اطاعت است.

همچنین این یار باوفای امام صادق علیه السلام در روایت دیگری می فرماید: در تفسیر آیه شریفه «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّهِ آلِهَهً لِیَکُونُوا لَهُم عِزّاً...»(۲) از حضرت پرسیدم، حضرت در جوابم فرمود:

«لَیْسَ الْعِبادَهُ هِی السّجُودُ وَ لا الرُّکُوع اِنَّما هِی طاعَهُ الرِّجالِ، مَن اَطاعَ الْمَخْلُوقَ فی مَعصِیَهِ الخالِق فَقَد عَبَدَهُ»؛(۳) عبادت (تنها) رکوع و سجود نیست بلکه اطاعت از مردان (شخصیت ها) است، هر کس در معصیت پروردگار از مخلوقی اطاعت کند او را پرستیده است.

همچنین می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند متعال «اَتَّخَذُوا اَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ اَرْباباً مِنْ دُونِ اللّه» سؤال کردم فرمود:

«أَما وَاللّهُ ما دَعوهم اِلی عِبادَهِ اَنْفُسهم وَلَوْ دَعَوهم اِلی عَبادَهِ اَنفُسهم لَما اَجابُوهُم وَلکِنْ احلُّوا لَهُم حَراماً وَ حَرَّموا عَلَیهم حَلالاً فَعبدوهُم مِن حَیثُ لایَشْعُرون»؛(۴) سوگند به خدا! مردم را به پرستش خودشان دعوت نکردند و اگر این چنین می کردند، مردم نمی پذیرفتند. ولیکن حرام را برای آنان

ص:۵۳

۱- ۸۷. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۵.

۲- ۸۸. مریم : ۸۱.

۳- ۸۹. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۹۴.

۴- ۹۰. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۹۸.

حلال نمودند و حلال را برایشان حرام کردند در نتیجه مردم بدون علم و آگاهی، آنها را اطاعت و پرستش نمودند.

عنوان بصری می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم حقیقت بندگی چیست؟

«ثَلَاثَهُ أَشْیَاء أَنْ لَا یَرَی الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِیمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مِلْکاً لِأَنَّ الْعَبِیدَ لَا یَکُونُ لَهُمْ مِلْکٌ یَرَوْنَ الْمَالَ مَالَ اللَّهِ یَضَعُونَهُ حَیْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَ لَا یُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِیراً وَ جُمْلَهُ اشْتِغَالِهِ فِیمَا أَمَرَهُ تَعَالَی بِهِ وَ نَهَاهُ عَنْهُ...»؛(۱) فرمود: سه چیز است:

۱- بنده نسبت به آنچه خداوند به او عطا کرده، مالکیّتی برای خود نبیند، زیرا بندگان مالک چیزی نمی باشند، مال را متعلّق به خدا می دانند و هر جا خدا امر فرموده قرار می دهند.

۲- بنده برای خودش تدبیری قطعی و مستقل نکند (بلکه اراده و مشیت او را حاکم می داند و می خواهد).

۳- تمام کار و اشتغال او در راه اجرای اوامر و نواهی پروردگار باشد.

۱- ۹۱. بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۵.

فصل دوم: اهمیّت عبادت

نگاهی گذرا به احادیث اهل بیت علیهم السلام گویای این حقیقت است که نه تنها هدف از آفرینش آدمی و فرستادن پیامبران هـدایتگر، عبادت و پرسـتش آگاهانه خداونـد بوده بلکه برترین اعمال تقرّب به خـدا و کسب رضای او و کمال عقل آدمی در پرستش و بندگی او قرار دارد و بالاترین حقّ خداوند بر انسان عبادت است.

جمیل بن درّاج می گوید: از امام صادق علیه السـلام درباره آیه شریفه «وَ ما خَلَقْتُ الجِنَّ وَ الاِنْسَ اِلّا لِیَعْبُدُونَ»؛ (جن و انس را نیافریدیم مگر این که مرا عبادت کنند.) پرسیدم، فرمود:

«خَلَقَهُمْ لِلْعِبادَه»؛ آنها را آفرید برای پرستش.

گفتم: گروهی را یا همه را؟ فرمود:

«لا بَل عامَّه»؛(۱) نه! بلکه همه را (یعنی تکلیف عبادت برای همه جن و انس است نه مؤمنین تنها).

همچنین امام علی علیه السلام در حدیثی نورانی می فرماید:

۱- ۹۲. بحارالانوار، ج ۵، ص ۳۱۵.

«... فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّداًصلی الله علیه وآله وسلم بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبادَهُ مِنْ عِبادَهِ الاَوْثانِ اِلی عِبادَتِهِ وَ مِنْ طاعَهِ الشَّيطانِ اِلی طاعَتِهِ بِقُرآنِ قَدْ بَيَّنَ وَ اَحكَمَه»؛(۱) ... خداوند، محمّدصلی الله علیه وآله وسلم را به حقّ برانگیخت تا بندگانش را از پرستش بت ها بازداشته، به عبادت خدا فراخواند. و از پیروی شیطان به سوی طاعت پروردگار بکشاند به وسیله قرآنی که آن را تبیین نموده و استوار ساخته است.

به گفته امام صادق علیه السلام، در تورات، کتاب آسمانی حضرت موسی علیه السلام نوشته شده است:

«يَا ابْنَ آدَمَ تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِی أَمْلَأُ قَلْبَکَ غِنًی وَ لَا أَکِلْکَ إِلَی طَلَبِکَ وَ عَلَيَّ أَنْ أَسُدَّ فَاقَتَکَ وَ أَمْلَأَ قَلْبَکَ خَوْفاً مِنِّی وَ إِنْ لَا تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِی أَمْلَأُ قَلْبَکَ شُغُلًا بِالدُّنْيَا ثُمَّ لَا أَسُدَّ فَاقَتَکَ وَ أَکِلْکَ إِلَی طَلَبِکَ»؛(۲) ای فرزند آدم! خود را برای پرستش و عبادت من فارغ گردان تا قلبت را از بی نیازی پرکنم و تو را به تلاش و تقاضای خودت وامگذارم و بر عُهده من است که کمبود و ناداری تو را برطرف کنم و دلت را از خوف و خشیت خودم سرشار سازم و اگر خود را برای پرستش من فارغ نسازی، قلبت را به دنیا مشغول کنم سپس نیازت را برطرف نکرده و تو را به جستجو و تلاش خودت واگذارم.

ص:۵۶

۱- ۹۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷.

۲- ۹۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۳.

همچنین امام رضا علیه السلام در مورد آیه شریفه «لِیَبْلُوَکُمْ اَیُّکَمْ اَحْسَنُ عَمَلًا»؛(۱) (تا شما را بیازماید، کدام تان نیکوتر عمل می کنید.) فرمود:

«اِنَّهُ عَزَّوَجلّ خَلَقَ خَلْقَهُ لِیَبْلُوَهُمْ بِتَکْلِیف طاعَته وَ عِبادَتِهِ...»؛(۲) خداوند عزّوجلّ آفریده های خود را خلق کرد تا آنها را با تکلیف، اطاعت، و عبادت بیازماید.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«کَفی بِالْعِبادَهِ شُغْلًا»؛(۳) عبادت کافی ترین شغل و کار است.

از امام حسن عسکری علیه السلام در دوران کودکی آن حضرت سؤال کردند: ما برای چه آفریده شده ایم؟

«لِلْعِلْمِ وَ الْعِبادَهِ»؛(۴) فرمود: برای دانش و پرستش (عبادت).

امام صادق علیه السلام فرمود:

«فَاِنَّ اَفْضَلَ العَمَلِ العِبادَهُ وَ التَّواضُعُ...»؛(۵) به راستی برترین عمل عبادت و فروتنی است.

همچنین امام موسی کاظم علیه السلام می فرماید:

«اَشْرَفُ الاَعمالِ التَّقَرُّبُ بِعِبادَهِ اللَّهِ عَزّوجلّ»؛(۶) شریف ترین کارها، تقرّب به وسیله عبادت خدای (عزّوجلّ) می باشد.

۱- ۹۵. ملک: ۳.

۲- ۹۶. بحارالانوار، ج ۴، ص ۸۰.

۳- ۹۷. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۳۷.

۴- ۹۸. احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۴۷۳.

۵- ۹۹. تحف العقول {مترجم}، ص ۳۱۵.

۶- ۱۰۰. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۹۸.

نیز امام علی علیه السلام در جمله ای کوتاه ولی پر محتوا می فرماید:

«ثَمَرَهُ العِلمِ اَلْعِبادَه»؛(۱) ثمره و نتیجه دانش (به اصول دین همراه با ایمان)، عبادت و بندگی است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«لِکلِّ شَیٍ ءٍ دَعامَهٌ وَ دَعامَهٌ المُؤمِنِ عَقلُهُ وَ بِقَدرِ عَقلِهِ تَکُونُ عِبادَتِهِ»؛(۲) هر چیز را ستون و محوری است و استوانه مؤمن خرد و عقل اوست و عبادت او به میزان و اندازه عقل او می باشد.

ص:۵۸

۱- ۱۰۱. غرر الحکم، ج ۶۴، ح ۷۱۸.

۲- ۱۰۲. محجه البیضاء، ج ۱، ص ۱۷۱.

فصل سوم: آثار عبادت

حـال ثمره و میوه هـای عبادت را در جلوه های گوناگون از منظر روایات می نگریم که رسـیدن به عالی ترین مراحل تکامل و تقرب به خـدا و عزت و افتخـار انسـانی و یـافتن مقـام صـدیقین و آزادگی و بی نیازی و رسـتگاری و خردورزی همه از مسـیر عبادت خالصانه میسر است.

امام صادق علیه السلام درباره عبادت می فرماید:

«وَالصِّدّیقین وَرِثُوا الصِّدْقَ بِالْخُشُوعِ وَ طُولِ العِبادَه»؛(۱) صدیقان (درگاه حقّ)، صدق و راستی را در اثر خشوع و طول عبادت، به ارث برده اند.

امام علی علیه السلام نیز می فرماید:

«کَفی بی عِزّاً اَنْ اَکُونَ لَـکَ عَبْـدَاً وَ کَفی بی فَخْرَاً اَنْ تَکُونَ لی رَبّاً»؛(۲) (پروردگـارا) این عزّت برای من بس است که عبـد تو باشم و این افتخار برای من کافی است که تو پروردگار من باشی.

۱- ۱۰۳. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۴۰۴.

۲- ۱۰۴. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۴۰۰.

امام حسین علیه السلام فرمود:

«اَیُّهَا النّاسُ اِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِکْرُه ما خَلَقَ الْعِبادَ اِلّا لِیَعرِفُوهُ فَاِذا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَاِذا عَبَدُوهُ اسْتَغنُوا بِعِبادَتِهِ عَنْ عِبادَهِ ما سِواهُ»؛(1) ای مردم همانا خداوند بندگان را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند و وقتی شناختند او را عبادت کنند، پس وقتی او را عبادت کردند از بندگی غیر خدا مستغنی و بی نیاز می شوند.

در کتاب «لبّ الالباب»، از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده است:

«مَن اَخْلَصَ العِبادَهَ للَّهِ اَربَعینَ صَباحَاً ظَهرت یَنابیعَ الحِکمَهِ فی قَلبِهِ وَ لِسانِهِ»؛(2)

کسی که چهل روز عبادت خالصانه برای خدا انجام دهد چشمه های حکمت در قلب و زبانش ظاهر می شود.

همچنین امیر بیان، علی علیه السلام در فرازهایی کوتاه اما پر نغز می فرماید:

«غایَهُ العِبادَهِ الطّاعَهُ»؛(3) غایت و غرض از عبادت، اطاعت و فرمانبرداری (خدا) است.

«اَلاِخلاصُ ثَمرهُ العِبادَهِ»؛(4) اخلاص ثمره و نتیجه عبادت می باشد.

ص:۶۰

۱- ۱۰۵. موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۵۴۰.

۲- ۱۰۶. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۶.

۳- ۱۰۷. غرر الحکم، ص ۱۸۲، ح ۳۴۰۵.

۴- ۱۰۸. غرر الحکم، ص ۱۹۷، ح ۳۸۹۵.

«العِبادَهُ فَوزٌ»؛(۱) عبادت رستگاری است.

«ما تَقَرَّبَ مُتَقَرِّبٍ بِمثلِ عِبادَهِ اللّهِ»؛(۲) هیچ عملی همانند عبادت، باعث تقرّب و نزدیکی انسان به خدا نمی شود.

«فازَ بِالسَّعادَهِ مَنْ اَخلَصَ العِبادَهَ»؛(۳) آن که عبادت خالصانه انجام دهد به فوز سعادت رسد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اَفْضَلُ طَبایع العَقْلِ اَلْعِبادَه»؛(۴) برترین طبیعت های عقل عبادت است. (عبادت نشانه رشد عقل و خردمندی است).

«قالَ اللّهُ تَبارکَ وَ تُعالی: یا عِبادی الصِّدیقینَ تَتَنَعَّمُوا بِعِبادَتی فی الدُّنیا فَاِنَّکُم تَتَنَعَّمُونَ بِها فِی الآخِرَه»؛(۵) خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای بندگان صدیق و راستین من، در دنیا از عبادت من لذّت ببرید زیرا در آخرت از آن (عبادت در دنیا) بهره و لذّت خواهید برد.

از موعظه های حضرت عیسی علیه السلام است که فرمود:

«بِحَقٍّ أَقُولُ لَکُمْ إِنَّ الدَّابَّهَ إِذَا لَمْ تُرْکَبْ وَ لَمْ تُمْتَهَنْ وَ تُسْتَعْمَلْ لَتَصْعُبُ وَ یَتَغَیَّرُ خُلُقُهَا وَ کَذَلِکَ الْقُلُوبُ إِذَا لَمْ تُرَقَّقْ بِذِکْرِ الْمَوْتِ وَ

۱- ۱۰۹. غرر الحکم، ص ۱۹۷، ح ۳۹۳۲.

۲- ۱۱۰. غرر الحکم، ص ۱۹۹، ح ۳۹۴۲.

۳- ۱۱۱. غرر الحکم، ص ۱۹۸، ح ۳۹۰۹.

۴- ۱۱۲. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۳۱.

۵- ۱۱۳. بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۵۵.

یَتْبَعْهَا دُؤُوبُ الْعِبَادَهِ تَقْسُو وَ تَغْلُظ»؛(۱) به راستی برای شما می گویم: اگر چهارپا را سوار نشوند و او را برای سوار شدن یا حمل بار به کار نگیرند، درشتی می کند و خلقش متغیّر می شود. قلب ها هم همین طورند، هنگامی که با یاد مرگ و تداوم رنج عبادت نرم نشوند، قساوت و غلظت پیدا می کنند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید:

«مَنْ شَغَلَتْهُ عِبَادَهُ اللَّهِ عَنْ مَسْأَلَتِهِ أَعْطَاهُ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي السَّائِلِينَ»؛(۲) کسی که اشتغال به عبادت پروردگار او را از سؤال کردن باز دارد خداوند متعال برترین چیزی که به سؤال کنندگان می دهد به او عطا خواهد کرد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«مَنْ قامَ بِشَرائِطِ العُبُودِیَّه اُهِّل لِلعتق»؛(۳) هر کس به شرائط بندگی قیام کند، شایسته و سزاوار آزادی (از عذاب آخرت و نگرانی های زندگی) خواهد بود.

۱- ۱۱۴. بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۰۹.

۲- ۱۱۵. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۴.

۳- ۱۱۶. غرر الحکم، ح ۸۵۲۹.

فصل چهارم: انواع عبادت

فصل چهارم: انواع عبادت

در مکتب آسمانی اسلام، عبادت منحصر به انجام فرائض خاصی نبوده و دارای معنای وسیعی می باشد به گونه ای که یک فرد مسلمان می تواند تمام فعالیت های فردی، جمعی، فکری و علمی خود را به عنوان عبادت و کسب رضای خدا و اجر اخروی انجام دهد تا با تحقق این تفکّر تربیتی و اخلاقی، زندگی او سراسر خیر و خدایی و خدمت و امنیت روانی و زیبایی (همگام با حرکت هستی به سوی خدا) گردد و همه چیز در مسیر صلاح و سعادت انسان ها قرار گیرد به طوری که در بخش هایی از روایات این فصل، جلوه های گوناگون عبادت و بندگی را بر شاخسار زندگی مشاهده می کنیم بعلاوه که ملاک تربیتی اسلام، عبد زیستن و در تمام عرصه ها مطیع خدا و حقّ شدن است.(۱)

ص:۶۳

---

۱ – ۱۱۷. آری اسلام دین زندگی انسان و روایات اهل بیت علیهم السلام در واقع تبیین قرآن و دستورالعمل های چگونه زیستن آدمی برای رسیدن به سعادت ابدی است و برخلاف سکولاریزم {دنیاگرایی و فردنگری و جدایی دین از سیاست و مدیریت اجتماعی} در تمام عرصه های حیات حضور داشته و برای جای جای زندگی انسانی (حتی خور و خواب و نگریستن و....) حکم و باید و نبایدها دارد. بالاتر این که اندیشه و امورش را می تواند با نیّت خدایی، قداست و معنویت بخشد و به بدبختی ها، نگرانی ها و جنگ ها و فسادهای جامعه امروز بشری (که معلول بی خدایی و نداشتن ایمان راستین به خدای خالق و معاد و کرامت و مسئولیّت انسان و نتیجه پیروی هواهای نفسانی و کشش های شیطانی می باشد) خاتمه دهد و جهانی سرشار از صلح و امنیّت و امید به بار آورد.

الف: در اندیشه و کسب دانش

امام علی علیه السلام می فرماید:

«اَوَّلُ عِبادَهِ اللَّهِ مَعرِفَتُهُ»؛(۱) سرآغاز عبادت، معرفت پروردگار (و علم و دانایی) است.

امام رضاعلیه السلام می فرماید:

«لَیسَ العِبادَهُ کِثرَهَ الصّیام وَ الصَّلاهِ وَ اِنّما العِبادَهُ کَثرَهُ التَّفَکُّرِ فی اَمرِ اللَّهِ»؛(۲) عبادت به زیادی نماز و روزه نیست. همانا عبادت، بیشتر در امر خداوند اندیشیدن است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«اَلْفِکْرُ عِبادَه»؛(۳) اندیشه عبادت است (اندیشه در آفرینش طبیعت و انسان و کشف رازها و علوم و عظمت خدا، در تاریخ و عبرت و...)

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«یا عَلی علیه السلام... وَ لا عِبادَهَ مِثلُ التَّفَکُّر (کالتفکر)»؛(۴)

یا علی... و عبادتی همانند تفکر و اندیشیدن (درباره عظمت و قدرت خدا) نیست.

امام رضاعلیه السلام می فرماید:

۱- ۱۱۸. بحارالانوار، ج ۴، ص ۲۵۳.

۲- ۱۱۹. بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۶۱؛ ج ۷۱، ص ۳۲۵.

۳- ۱۲۰. غرر الحکم، ج ۵۶، ح ۵۳۱.

۴- ۱۲۱. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۵۹ و ۶۸.

«فَإِنَّ الْفِقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَهِ وَ تَمَامُ الْعِبَادَهِ وَ السَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَه»؛(۱) همانا فقه و دانستن کلید آگاهی و کمال عبادت و سبب رسیدن به مقامات بلند است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«التَّفَكُّرُ فی آلاءِ اللَّهِ نِعمَ العِبادَه»؛(۲) اندیشه در نعمت های خداوند چه عبادت خوبی است. (تفکر نه تنها یک امر مذهبی و درک علم و عظمت خدا و شکرگزاری و ثواب آور که ایجاد انگیزه برای کشف انواع علوم و خواص غذایی، دارویی، و... اشیاء و مخلوقات و رشد عقل و تکامل است.)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«كانَ اَكثَرُ عبادَهِ اَبی ذر رَحمهُ اللَّه عَليه التَّفَكُّرُ وَ الاِعتِبار»؛(۳) بیشترین عبادت ابوذر، فکر کردن و پند گرفتن بود (و در نتیجه عمل صالح نمودن).

امام باقرعلیه السلام می فرماید:

«تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَإِنَّ تَعَلُّمَهُ حَسَنَهٌ وَ طَلَبَهُ عِبَادَهٌ وَ مُذَاكَرَتَهُ تَسْبِيحٌ وَ الْبَحْثَ عَنْهُ جِهَادٌ وَ تَعَلُّمَهُ صَدَقَهٌ وَ بَذْلَهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَهٌ وَ الْعِلْمُ ثِمَارُ الْجَنَّه...»؛(۴)

۱- ۱۲۲. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۴۰.
۲- ۱۲۳. غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۱۱۴۰.
۳- ۱۲۴. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۵.
۴- ۱۲۵. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۸۹.

دانش را فرا بگیرید زیرا یادگرفتنش حسنه، طلبش عبادت، یادآوریش تسبیح، بحث و گفتگویش جهاد، یاد دادنش صدقه و بذل و بخشش آن به اهلش موجب قرب است به خدا، و علم میوه بهشت است... .

ب: نگریستن و نشستن با صالحان

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«نَظَرُ الوَلَدِ اِلی والَدَیْهِ حُبّاً لَهُما عِبادَةٌ»؛(۱) نگاه کردن فرزند به پدر و مادر از روی محبّت به آن دو عبادت می باشد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«اَلنَّظَرُ اِلَی العالِمِ عِبادَةٌ وَ النَّظَرُ اِلَی الْاِمامِ المُقْسِطِ عَبادَةٌ»؛(۲) نگریستن به عالم (نه هر دانشمندی)(۳) عبادت است چنان که نگاه کردن به پیشوای عادل عبادت است.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«النَّظَرُ اِلی ثَلاثَهِ اَشیاءٍ عَبادَةٌ النَّظَرُ اِلی وَجهِ الوالِدَینِ وَ فِی الْمَصْحَفِ وَ فی البَحْرِ»؛(۴) نگاه کردن به سه چیز عبادت محسوب می شود. به سیمای پدر و مادر و به قرآن و دریا.

ص:۶۶

۱- ۱۲۶. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۰.
۲- ۱۲۷. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۶.
۳- ۱۲۸. از امام صادق علیه السلام سؤال شد کدام عالم؟ فرمود: عالمی که هرگاه به او بنگری تو را به یاد آخرت {خدا و معاد} بیندازد و هر کسی جز این باشد، پس نگاه کردن به او موجب فریفته شدن است. (میزان الحکمه، ج ۶، ص ۴۶۲).
۴- ۱۲۹. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۳۶۸.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«نَظَرُ المُؤمِنِ فی وَجهِ اَخیهِ حُبّاً لَهُ عِبادَةٌ»؛(۱) نگاه محبّت آمیز مؤمن در صورت برادرش عبادت است.

و با مختصر تغییر از امام زین العابدین علیه السلام هم نقل شده است.(۲)

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«المُتَّقُونَ سادَةٌ وَ الْفُقَهاءُ قادَةٌ وَ الجُلوسُ اِلَیهم عَبادَةٌ»؛(۳)

پرهیزکاران، سروران و بزرگانند. و فقها پیشوایانند و نشستن در محضرشان عبادت است.(۴)

امام رضاعلیه السلام از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آورده است:

«مُجالَسَةُ العُلَماء عِبادَةٌ وَالنَّظَرُ اِلی عَلی علیه السلام عِبادَةٌ وَ النَّظَرُ الی البَیتِ عِبادَةٌ والنَّظَرُ اِلَی المَصْحَفِ عِبادَةٌ وَ النَّظَرُ اِلَی الوالِدَینِ عِبادَةٌ»؛(۵)

هم نشینی با علما عبادت است. نگاه کردن به علی علیه السلام عبادت می باشد. نگاه کردن به کعبه و قرآن عبادت است. نگاه کردن به پدر و مادر عبادت است.

۱- ۱۳۰. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۰.
۲- ۱۳۱. تحف العقول، ص ۲۹۰.
۳- ۱۳۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۱۰.
۴- ۱۳۳. از حضرت عیسی علیه السلام سؤال شد: با چه کسی همنشین شویم؟ فرمود: با کسی که دیدن او شما را به یاد خدا بیاندازد {اهل تقوا و عبادت باشد} و سخنش بر علم شما بیافزاید و عمل و رفتارش ترغیب و تشویق کننده به خیر و سعادت باشد. می رود از سینه ها در سینه ها از ره پنهان صلاح و کینه ها صحبت صالح تو را صالح کند صحبت طالح تو را طالح کند
۵- ۱۳۴. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۰۴.

و مانند این حدیث از ابوذر نقل شده است.(۱)

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«النَّظَرُ إِلَی ذُرِّیَّتِنَا عِبَادَهٌ قُلْتُ النَّظَرُ إِلَی الْأَئِمَّهِ مِنْکُمْ أَوِ النَّظَرُ إِلَی ذُرِّیَّهِ النَّبِیِ صلی الله علیه وآله فَقَالَ بَلِ النَّظَرُ إِلَی جَمِیعِ ذُرِّیَّهِ النَّبِیِّ(ص) عِبَادَهٌ مَا لَمْ یُفَارِقُوا مِنْهَاجَهُ وَ لَمْ یَتَلَوَّثُوا بِالْمَعَاصِی»؛(۲)

نگاه کردن به ذرّیه (و فرزندان) ما عبادت است. عرض کردم: نگاه کردن به ائمه علیهم السلام از شما فقط، یا به همه فرزندان پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم؟ فرمود: بلکه نگاه کردن به همه ذرّیه (و فرزندان) رسول خدا صلی الله علیه وآله عبادت است تا هنگامی که از روش رسول خدا دور نگشته و به گناهان آلوده نشده اند.

امام علی علیه السلام: رسول خدا فرمود:

«النَّظَرُ إِلَی الْعَالِمِ عِبَادَهٌ وَ النَّظَرُ إِلَی الْإِمَامِ الْمُقْسِطِ عِبَادَهٌ وَ النَّظَرُ إِلَی الْوَالِدَیْنِ بِرَأْفَهٍ وَ رَحْمَهٍ عِبَادَهٌ وَ النَّظَرُ إِلَی الْأَخِ تَوَدُّهُ فِی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِبَادَهٌ»؛(۳)

نگاه کردن به عالم عبادت است، نگاه کردن به پیشوای عادل عبادت می باشد. نظر به والدین با رأفت و مهربانی عبادت است، نگاه کردن به برادری که برای خدا او را دوست داری عبادت است.

۱- ۱۳۵. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷۳.

۲- ۱۳۶. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۲۱.

۳- ۱۳۷. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷۳.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«اَلنَّظَرُ اِلی وَجْهِ عَلی عَبادَه»؛(۱)

نگاه کردن به صورت علی علیه السلام عبادت است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«وَ الْجُلُوسُ فِیهِ (مسجد الکوفه) مِنْ غَیْرِ تِلَاوَهِ قُرْآنٍ عِبَادَه»؛(۲) نشستن در مسجد کوفه (حتی) بدون تلاوت قرآن هم عبادت است.

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«الْجُلُوسُ فِی الْمَسْجِدِ انْتِظَارَ الصَّلَاهِ عِبَادَهٌ مَا لَمْ یُحْدِثْ قِیلَ یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا یُحْدِثُ قَالَ الِاغْتِیَاب»؛(۳)

نشستن در مسجد به انتظار نماز عبادت است تا زمانی که حدیث و سخنی گفته نشود. سؤال شد: یا رسول اللَّه آنچه گفته و حدیث می شود چیست؟ فرمود: غیبت کردن.

ج: دعا و یاد خدا و خوبان

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلَیْنِ دَخَلَا الْمَسْجِدَ [فِی وَقْتٍ وَاحِدٍ] وَ افْتَتَحَا الصَّلَاهَ [فِی وَقْتٍ وَاحِدٍ] فَکَانَ دُعَاءُ أَحَدِهِمَا أَکْثَرَ وَ کَانَ قُرْآنُ الْآخَرِ أَکْثَرَ أَیُّهُمَا أَفْضَلُ قَالَ کُلٌّ فِیهِ فَضْلٌ وَ کُلٌّ حَسَنٌ قِیلَ قَدْ عَلِمْنَا

ص:۶۹

۱- ۱۳۸. الامام علی بن ابی طالب ابن عساکر، ج ۲، ص ۳۹۱.

۲- ۱۳۹. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۱.

۳- ۱۴۰. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۷.

ذَلِکَ وَ لَکِنْ أَرَدْنَا أَنْ نَعْلَمَ أَیُّهُمَا أَفْضَلُ قَالَ الدُّعَاءُ أَفْضَلُ أَ مَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَقُولُ ادْعُونِی «أَسْتَجِبْ لَکُمْ إِنَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِینَ» هِیَ الْعِبَادَهُ وَ هِیَ أَفْضَلُ»؛(۱)

از امام صادق علیه السلام سئوال شد: دو نفر در یک وقت وارد مسجد شدند و نماز را شروع کردند، یکی بیشتر دعا نمود و دیگری قرآن بیشتر می خواند (عمل) کدام یک بهتر است؟ فرمود: دعا افضل است آیا نشنیده ای خداوند (عزّوجلّ) می فرماید: «ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ» مرا بخوانید استجابت کنم شما را، دعا عبادت است و آن برتر و بهتر می باشد.

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«ذِکْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِبَادَهٌ وَ ذِکْرِی عِبَادَهٌ وَ ذِکْرُ عَلِیٍّ عِبَادَهٌ وَ ذِکْرُ الْأَئِمَّهِ مِنْ وُلْدِهِ عِبَادَهٌ»؛(۲)

یاد خداوند (عزّوجلّ) عبادت است، یاد من عبادت، و یاد علی علیه السلام عبادت و یاد ائمه علیهم السلام از فرزندان او عبادت است.

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم:

«الصُّمْتُ عبادهٌ لِمَن ذَکَرَ اللّه»؛(۳)

سکوت برای کسی که خدا را یاد کند عبادت است.

ص:۷۰

۱- ۱۴۱. بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۳۲۶.

۲- ۱۴۲. بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۶۸.

۳- ۱۴۳. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۵.

اسـلام می خواسـته با توجه قلبی مستمر به خدای مهربان و با یاد اسوه های علم و ایمان و اخلاق، انسان را از غفلت و بیهودگی و مانـدگی در محـدوده مادی دنیا بیرون بیاورد و با فاصـله گرفتن از بـدی ها و بدان، آهنگ پرواز به سوی فضایل و پیروی از خوبان کند.

د: دیگر نمونه ها

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«الْعِبَادَهُ سَبْعُونَ جُزْءً أَفْضَلُهَا جُزْءً طَلَبُ الْحَلَالِ»؛(۱) عبادت هفتاد جزء است، بهترین بخش آن طلب روزی حلال می باشد.

و در بیانی دیگر می فرماید:

«الْعِبَادَهُ عَشَرَهُ أَجْزَاءٍ تِسْعَهُ أَجْزَاءٍ فِی طَلَبِ الْحَلَالِ»؛(۲) عبادت ده جزء دارد، نه قسمت آن در طلب (هر فکر و کار) حلال است.

همچنین خداوند متعال در حدیث معراج، به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«یا اَحمـد لیس شـی ءً مِن العباده اَحبّ اِلی مِن الصُمت و الصَوم»؛(۳) یا احمـد! چیزی از عبادات مانند سـکوت و روزه نزد من محبوب تر نیست.

عیسی بن ابی منصور می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

۱- ۱۴۴. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۰.

۲- ۱۴۵. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۰.

۳- ۱۴۶. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۰.

«نَفَسُ الْمَهْمُومِ لَنَا الْمُغْتَمِّ لِظُلْمِنَا تَسْبِیحٌ وَ هَمُّهُ لِأَمْرِنَا عِبَادَهٌ وَ کِتْمَانُهُ لِسِرِّنَا جِهَادٌ فِی سَبِیلِ اللَّهِ»؛(۱)

نفس کشیدن شخصی که به خاطر ما محزون و به جهت ظلمی که به ما شده است غمگین باشد، تسبیح خدا گفتن به شمار می آید و همّت گماردن او برای امر ما (ولایت و حکومت حقّ) عبادت است و مخفی کردن سرّ ما، جهاد در راه خدا است.

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«یَا عَلِیُّ أَنِینُ الْمُؤْمِنِ الْمَرِیضِ تَسْبِیحٌ وَ... وَ نَوْمُهُ عَلَی الْفِرَاشِ عِبَادَهٌ»؛(۲)

یا علی! ناله مؤمن مریض تسبیح... و خواب او بر بسترش عبادت است... .

امام علی علیه السلام می فرماید:

«الصَّوْمُ عِبادَهٌ بَیْنَ الْعَبْدِ وَ خالقِهِ لایَطِلعُ عَلَیْها غَیْرَهُ وَ کذلِکَ لایُجازی عَنْها غَیْرُهُ»؛(۳)

روزه عبادتی است میان بنده و خالقش که جز او کسی بر آن مطلع نمی شود و همین طور غیر از او جزایش را نمی دهد.

۱- ۱۴۷. بحارالانوار، ج ۷۵، ج ۸۳.

۲- ۱۴۸. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۵۴.

۳- ۱۴۹. شرح ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۸۵.

و در این مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«الصَّائِمُ فِی عِبَادَةٍ وَ إِنْ کَانَ نَائِماً عَلَی فِرَاشِهِ مَا لَمْ یَغْتَبْ مُسْلِماً»؛(۱)

روزه دار در حال عبادت است اگر چه در بسترش خوابیده باشد مادامی که غیبت مسلمانی را نکند.

امام باقرعلیه السلام می فرماید:

«تَبَسُّمُ الْمُؤْمِنِ فِی وَجْهِ أَخِیهِ حَسَنَةٌ وَ صَرْفُهُ الْقَذَی عَنْهُ حَسَنَةٌ وَ مَا عُبِدَ اللَّهُ (بِمِثْلِ) إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَی الْمُؤْمِنِ»؛(۲)

تبسّم مؤمن در صورت برادرش حسنه شمرده می شود و خداوند همانند خوشحال نمودن مؤمن پرستش نشده است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«قُبْلَهُ الْوَلَدِ رَحْمَهٌ وَ قُبْلَهُ الْمَرْأَهِ شَهْوَهٌ وَ قُبْلَهُ الْوَالِدَیْنِ عِبَادَه»؛(۳)

بوسیدن فرزند مهربانی است، بوسیدن زن (همسر) شهوت است، بوسیدن پدر و مادر عبادت است... .

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ اُعطِی نِصفُ العِبادَه»؛(۴)

کسی که ازدواج کند نصف عبادت به او عطا شده است.

ص:۷۳

۱- ۱۵۰. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۰.

۲- ۱۵۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۲۱.

۳- ۱۵۲. بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۳.

۴- ۱۵۳. بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰.

(اهمیّت ازدواج را در کنترل تمایلات و دوری از گناه و کسب دین و اطاعت خدا را می رساند.)

امام علی علیه السلام می فرماید:

«اَلْیَقینُ عِبادَهٌ»؛(۱)

یقین (و ایمان و باور قلبی) عبادت است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«الْوَحْدَهُ رَاحَهٌ وَ الْعُزْلَهُ عِبَادَهٌ وَ الْقَنَاعَهُ غُنْیَه»؛(۲)

تنهایی موجب راحتی و گوشه گیری عبادت (در شرایط خاص و با حفظ ایمان) و قناعت غنیمت است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«تَخْفِیفُ الْفَرِیضَهِ وَ تَطْوِیلُ النَّافِلَهِ مِنَ الْعِبَادَهِ»؛(۳)

کوتاه انجام دادن (نماز) واجب و طول دادن (نماز) مستحب از عبادت است (شاید مراد از نماز واجب نماز جماعت باشد که کوتاه خواندن آن برای امام جماعت مطلوب و توصیه شده است)

بر این اساس از امام رضاعلیه السلام روایت شده که می فرماید:

«فَإِنْ أَنْتَ تَؤُمُّ النَّاسَ فَلَا تُطَوِّلْ فِی صَلَاتِکَ وَ خَفِّفْ فَإِذَا کُنْتَ

۱- ۱۵۴. غرر الحکم، ص ۶۳، ح ۷۰۸.

۲- ۱۵۵. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۰.

۳- ۱۵۶. همان، ج ۸۴، ص ۲۴۳.

وَحْدَکَ فَثَقِّلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّهَا عِبَادَه»؛(۱) پس اگر برای مردم امامت کنی نمازت را طول نده (رعایت حال ضعیفان را نمودن و تشویق برخی بر حضور در جماعت) و سبک ادا کن و هر گاه تنها بودی پس سنگین به جای آور آن گونه که می خواهی (و با خواندن مستحبات طول بده) که عبادت است.

نتیجه این که روایات مذکور این حقیقت را آشکار می کند که با شکل گیری فرهنگ ارزشی و اخلاقی اسلام تمام رفتار و حرکات مسلمان (اعم از فعالیت های اقتصادی سالم، ازدواج، تسلیم رضای خدا شدن، شادمان نمودن دیگران، تفکّر، تحصیل دانش، تلاش برای ولایت و حاکمیت پاکان، بوسیدن والدین، ناله بیمار و حتی نفس کشیدن و باور قلبی نسبت به حقایق و...) با وجهه خدایی، عبادت می شود و انسان در جامعه ای اینگونه سرشار از معرفت، معنویت و محبّت اسلامی، لذّت زندگی واقعی را می یابد.

۱- ۱۵۷. همان، ج ۴، ص ۲۵۳.

فصل پنجم: بی نیاز از عبادت

از آنجا که خداوند کمال مطلق، واجب الوجود، غنی بالذات و مستجمع جمیع کمالات بوده، هرگز نیازی به عبادت بندگان و خلق ندارد و انسان ها سراسر نیازمند به او و با عبادت و بندگی او به کمال می رسند، همان گونه که در قرآن مکرر آمده: «وَاللَّهُ الغَنیُّ وَ اَنْتُمْ الفُقَراء»(۱) در کلام عترت هم به این حقیقت اعتراف شده است:

امام علی می فرماید:

«فَاِنَّ اللَّهَ (سبحانه و تعالی) خَلَقَ الْخَلْقَ حِینَ خَلَقَهُمْ غَنیّاً عَنْ طاعَتِهِمْ آمِنَاً مِنْ مَعْصِیَتِهِمْ لِاَنَّهُ لاتَضُّرهُ مَعْصیهَ مَنْ عَصاهُ وَ لا تَنْفَعهُ طاعَهُ مَنْ اَطاعَهُ....»؛(۲) همانا خداوند پدیده ها را در حالی آفرید که از اطاعت آنها بی نیاز و از نافرمانی شان در امان بود، زیرا نه معصیت گناهکاران به خدا زیانی رساند و نه اطاعت مؤمنان برای او سودی دارد، روزی بندگان را تقسیم و هر کدام را در جایگاه خودشان قرار داد.

۱- ۱۵۸. محمّد: ۳۸.

۲- ۱۵۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

و حضرتش در تعقیب نماز می فرمود:

«اِلهی هذه صَلوتِی صَلَّیْتُها لا لِحاجَهٍ مِنْکَ اِلَیْها وَ لا رَغْبَهً مِنْکَ فیها اِلّاَ تَعْظیماً وَ طاعَهً وَ اِجابَهً لَکَ اِلی ما اَمَرْتَنی...»؛(۱)

پروردگارا این نمازی که خوانـدم (نماز گویاترین نماد عبادت و خضوع به درگاه خدا) نه به خاطر نیازمندی یا میل و علاقه تو به آن است بلکه برای تعظیم و فرمانبرداری و اجابت فرمان تو می باشد (تا خیر و سعادتی نصیب عبد گردد).

امام حسین علیه السلام در دعای عرفه می فرماید:

«اِلهی اَنْتَ الغَنِی بِذاتِکَ اَنْ یَصِلَ النَفْعُ مِنْکَ فَکَیْفَ لا تَکُونُ غَنِیّاً عَنّی»؛(۲) خدایا تو بی نیازتر از آن هستی که به خودت سود رسانی، پس چگونه من می توانم به تو سودی برسانم (چطور می شود غنی از من نباشی).

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«کُلُّ شَیءٍ خاشِعٌ لَهُ وَ کُلُّ شَیءٍ قائِمٌ بِهِ غَنی کُلِّ فَقیرٍ... لَمْ تَخْلُقِ الْخَلْقَ لِوَحْشَهٍ وَ لا اسْتَعمَلْتُهُمْ لِمَنْفَعهٍ وَ لا یَسْبِقُکَ مَنْ طَلَبْتَ وَ لا یُفْلِتُکَ مَنْ اَخذْتَ وَ لایَنْقُصُ سُلْطانَکَ مَنْ عَصاکَ وَ لا یَزیدُ فی مُلْکِکَ مَنْ اَطاعَکَ...»؛(۳)

ص:۷۸

۱- ۱۶۰. مصابیح الجنان، ص ۶۹۳.

۲- ۱۶۱. همان، ص ۶۳۳، دعای عرفه.

۳- ۱۶۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹.

همه چیز در برابر خدا خاشع و همه چیز با عنایت او بر جای مانده است، بی نیاز کننده هر نیازمند است... آفرینش برای ترس از تنهایی نبوده و برای سودجویی و نیاز نیافریدی، کسی از قدرت تو نتواند بگریزد و هر کس بگیری نتواند از قدرت تو خارج گردد، گناهکاران از عظمت تو نکاهند و اطاعت کنندگان بر قدرت تو نیفزایند و....

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

«... سُبْحانَکَ لا یَنقصُ سُلْطانَکَ مَنْ اَشْرَکَ بِکَ وَ کَذَّبَ رُسُلَکَ، وَ لَیْسَ یَسْتَطیعُ مَنْ کَرِهَ قَضاءَکَ اَنْ یَرُدَّ اَمْرَکَ وَ لایَمتنعُ مِنْکَ مَنْ کَذَّبَ بِقُدْرَتِکَ وَ لایَفُوتُکَ مَنْ عَبدَ غَیرکَ...»؛(1) ای خدای منزه و بی نیاز؛ آن که شریک برای تو قرار داد و پیامبرانت را به دروغ نسبت داد چیزی از فرمانروایی تو نکاست و کسی که حکم تو را نسپندید، نتوانست از فرمان تو سرپیچد و آن که غیر تو را پرستید از قدرت تو به در نرفت و آن کسی که مرگ و لقای تو را دوست نداشت، نتوانست در دنیا جاودان بماند.

۱- ۱۶۳. صحیفه سجادیه، دعا ۵۲.

فصل ششم: عبادت غیر خدا

در آیین اسلام پرسش غیر خدا در هر شکل ممنوع و حرام می باشد و احادیث اهل بیت علیهم السلام همانند قرآن بر این معنا تصریح دارند؛ از جمله:

امام باقرعلیه السلام می فرماید:

«مَنْ اَصْغی اِلَی ناطَقٍ فَقَدْ عَبَدَه فَاِنْ کانَ الناطِقُ یُؤَدّی عَن اللَّه عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّه وَ اَنْ کانَ الناطِقُ یُؤَدّی عَنِ الشَّیطان فَقَدْ عَبَدَ الشَّیطان»؛(۱) هر کس به گوینده گوش سپارد، او را بندگی کرده است، اگر از خدای عزّوجلّ سخن بگوید، شنونده خدا را عبادت کرده و اگر از سوی شیطان بگوید، شیطان را عبادت نموده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ اَطاعَ الْمَخْلُوق فِی مَعْصِیَهِ الْخالِق فَقَدْ عَبَدَهُ»؛(۲) هر کس در معصیت پروردگار از مخلوقی اطاعت کند، او را پرستیده است.

ص:۸۱

۱- ۱۶۴. اصول کافی، ج ۶، ص ۴۳۴.

۲- ۱۶۵. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۹۴.

و در بیانی دیگر می فرماید:

«مَنْ اَطاعَ رَجُلًا فی مَعْصیَهٍ فَقَدْ عَبَدَهُ»؛(۱) هرکه از فردی و شخصیتی در معصیت خدا فرمان برد، هر آینه او را بندگی کرده است.

و از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل شده است:

«مَلعونٌ مَلعونٌ مَنْ عَبَدَ الدّینارَ وَ الدِّرْهَمَ»؛(۲) از رحمت خدا دور است، از رحمت خدا دور است، آن که بندگی درهم و دینار کند.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«العَبیدُ ثلاثهٌ؛ عَبدُ رِقٍّ و عَبدُ شَهوهٍ وَ عَبدُ طَمَعٍ»؛(۳) بندگان سه گونه اند برده زرخرید، برده شهوت و برده طمع.

حضرت علی علیه السلام در نامه ای به فرزندش می نویسد:

«لاتَکُنْ عَبدَ غَیرِکَ و قد جَعَلَکَ اللّه حُرّاً»؛(۴) هیچ گاه بنده دیگری مباش چرا که خداوند تو ار آزاد آفریده است.

و نیز می فرماید:

«عَبدُ المطامع مُستَرَّقٌ لایَجِد اَبداً العتقَ»؛(۵) بنده طمع ها در بند بردگی است و هرگز آزادی را نمی یابد.

۱- ۱۶۶. وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۱.

۲- ۱۶۷. خصال، ص ۱۲۹، ح ۱۳۲.

۳- ۱۶۸. تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۴۹.

۴- ۱۶۹. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۵- ۱۷۰. غرر الحکم، ج ۴، ص ۲۲۵، ح ۱۲۹۴.

«مَنْ اَرادَ اَنْ یَعیِشَ حُرّاً ایّام حَیاتِهِ فَلایُسْکنِ الطَّمع قَلْبَه»؛(۱) هر کس می خواهد روزگار عمر خود را آزاد زندگی کند، طمع را در دل خویش جای ندهد.

امام باقرعلیه السلام می فرماید:

«مَنْ لایَعرف الامام مِنّا اهل البیت فَاِنَّما یَعْرِف وَ یعبد غیر اللّه هکذا و اللّهِ ضـلاّلاً»؛(۲) کسی که خدا را نشناسد و امام و پیشوای از ما اهل بیت علیهم السـلام را نشسـناسد، همانا می شـناسد و عبادت غیر خدا را می کند و به خدا سوگند سـخت در گمراهی است.

امام سجادعلیه السلام می فرماید:

«... وَ اَهواهُمْ عَلَیْکَ مَنْ اَنْتَ تَرْزُقُهُ وَ هُوَ یَعبدُ غَیرَکَ»؛(۳) ... و پست ترین افراد نزد تو کسـی است که روزی تو را می خورد و بندگی غیر تو را می کند.

۱- ۱۷۱. تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۴۹.

۲- ۱۷۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۲.

۳- ۱۷۳. صحیفه سجادیه، دعای ۵۲.

فصل هفتم: فلسفه عبادت

از آنجا که دستورات خدای خالق و دین اسلام همراه با حکمت و به صلاح زندگی فردی و جمعی و دنیوی و اخروی انسان ها و امت می باشد، به برخی از احادیث در این باب اشاره می شود:

امام رضاعلیه السلام در بیان علت عبادت می فرماید:

«لِئَلّا یَکُونُوا ناسینَ لِتذِکْرِهِ وَ لاتارِکینَ لأَدبه و لا لاهینَ عَنْ اَمْرِهِ و نَهیِهِ، اِذا کانَ فیهِ صَلاحُهم وَ قوامُهم فَلو تُرِکوُا بِغَیر تعبّدٍ لَطالَ عَلَیهم الْاَمَد فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ»؛(۱) تا آن که مردم یاد خدا را فراموش نکنند و آدب لازم را نسبت به پرودگار وانگذارند و از اوامر و نواهی او غافل نشوند چرا که مصلحت و قوام آنان در این است. پس اگر بدون تعبد و بندگی او رها می شدند، بعد از مدتی دل های آنان سخت و تباه می شد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«وَ عَنْ ذلِکَ ما حَرسَ اللّه عِبادهِ المؤْمِنینَ بالصَّلواتَ وَ الَزَّکواتِ وَ

۱- ۱۷۴. علل الشرایع، ص ۲۵۶.

مُجاهدهِ الصیامِ فی الاَیّامِ المَفروضاتِ تَسکیناً لاَطرافهمْ وَ تَخشیعاً لابصارِهِمْ وَ تَذْلیلاً لِنُفوسِهِمْ وَ تَخْفیضاً (تخضیعاً) لِقُلوبِهِمْ وَ اذْهاباً لِخیلاء عنهم وَ لما فی ذلک مِنْ تَعفیر عتاق الوُجوهُ بالتّراب تواضعاً وَ التصاق کرائم الجوارح بالارض تصاغراً وَ لحوق البطون بالمئون مِنَ الصّیام تذلّلاً مَعَ ما فی الزّکاه مِنْ صَرْفِ ثَمَرات الاَرض و غیر ذلک الی اَهل المَسکَنه وَ الفَقْرِ وَ الی ما فی هذه الاَفعال من قمع نواجم الفخر و قدع (قطع) طوالع الکبر»؛(۱) و اینگونه خداوند بندگانش را با نماز و زکات و تلاش روزه داری حفظ کرده است تا اعضا و جوارحشان آرام و دیدگانشان خاضع و جان و روان شان فروتن و دل هایشان متواضع باشد. تکبّر و خودپسندی از آنان دور شود؛ زیرا در سجده بهترین جای صورت را به خاک مالیدن فروتنی آورد و قرار دادن اعضای پر ارزش بدن بر زمین اظهار کوچکی کردن است. و روزه گرفتن و چسبیدن شکم به پشت، باعث تواضع انسان و پرداخت زکات بر ثمرات زمین و غیر آن جهت نیازمندی های فقرا و مستمندان است.

به آثار عبادت بنگرید که چگونه شاخه های تکبّر و فخر نمودن ها را درهم می شکند و از رویش خودپرستی و خودخواهی جلوگیری می نماید.

۱- ۱۷۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ترجمه محمد دشتی.

و در حدیث دیگری می فرماید:

«فَرَضَ اللّهُ الاِیمانَ تَطهیراً مِنَ الشِّرکِ وَ الصَّلاه تَنْزیهاً عَنِ الْکِبْرَ وَالزَّکاهَ تَسْبیباً لِلرِّزْقِ وَ الصیامَ اِبْتِلاءً لِاِخْلاص الْخَلقِ وَ الْحَج تَقربَهً لِلدِّین وَالْجِهاد عَزًّا لِلْاِسلام وَ الامر بالمعروف مَصلحهً لِلْعَوام وَالنهی عَنِ المُنْکَرِ رِدْعَاً للسُّفَهاء وَ صِلَه الرحم مِنْ نَماهً لِعَدد وَ الْقصاصَ حَقْنَاً للدِّماء وَ اِقامَهَ الحُدود اِعْظاماً لِلْمَحارم وَ تَرکَ شرب الْخَمر تحصیناً للعَقل وَ مُجانبه السِّرقهِ ایجاباً للعفَّه وَ تَرک الزِّنی تَحصیناً للنَّسب... وَ الطاعه تَعظیماً لِلاِمامه»؛(۱) و خداوند ایمان را واجب نمود برای پاکسازی (دل های بندگان) از شرک و واجب کرد نماز را برای جلوگیری و بازداشتن کم خردان (از گناهان و زشتی ها) و صله رحم را جهت فراوانی و افزایش خویشاوندان و قصاص را برای پاسداری از خون ها، و اجرای حدود را برای بزرگداشت محرمات و ترک میگساری را برای سلامت عقل و دوری از دزدی را برای تحقق عفت و پاکی، و ترک زنا را برای سالم ماندن نسل و نسبت آدمی... و اطاعت از امام را واجب فرمود برای بزرگداشت مقام امامت و رهبری (تا در پرتو تبعیّت از او بندگان به کمال و سعادت برسند).

و در بیانی دیگر می فرماید:

ص:۸۷

۱- ۱۷۶. همان، حکمت ۲۵۲.

«تَعاهَـدُوا اَمْرَ الصَّلوه... وَ تَقَرَّبوا بِهـا... وَ اَنَّها لَتَحتُّ الـذَّنوب حَتَّ الْوَرق وَ تُطْلِقُها اِطْلاقَ الرِّبق وَ شبهَّها رسول اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم بِالْحُمه تکون علی باب الرجل فهو یَغتسلُ فیها فی الیوم وَ الَّلیله خَمْسَ مَراتٍ فَما عَسی اَنْ یَبقی علیه مِنَ الـدَّرن و قَدْ عرف حَقَّها رجال من المؤْمنین الذین لاتَشْغَلُهم عَنْها زینَهُ مَتاعٍ وَ لا قُره عَیْنٍ مِن وَلَدٍ وَ لا مال...»؛(۱)

نماز را (خواندن و اقامه آن ار) برعهده گیرید... و با نماز خود را به خدا نزدیک کنید... همانا نماز گناهان را چونان برگ های پاییزی می ریزد و بندها (و زنجیرهای بردگی وگناه) را می گشاید. پیامبرصلی الله علیه وآله نماز را به چشمه آب گرمی که بر در خانه مردی باشد، تشبیه کرده که شبانه روزی پنج نوبت خود را در آن شستشو دهد، پس هرگز چرک و آلودگی در بدن او نماند و حقّ نماز را مؤمنانی شناختند که زیور دنیا و روشنی چشمشان یعنی فرزند و ثروت مانع نمازشان نشود.

و در بیانی دیگر نسبت به ذکر که نتیجه عبادت خداست می فرماید:

«جَعَلَ الذِّکْرَ جَلاءَ لِلْقُلوب، تَسْمَع بِهِ بَعد الْوَقْرِهِ وَ تُبْصِرُ بَعْدَ الْعَشْوَهِ وَ تَنْقادُ بِهِ بَعْدَ الْمُعانَدهِ وَ ما بَرِحَ للَّه (عزَّت آلاؤه) فی الْبُرْهَه وَ فی اَزْمـان الفَترات عِبـادٌ ناجـاهُم فی فکْرِهـم وَ کَلَّمُهـم فی ذاتِ عُقُولُهُمْ فاسْتَصبحوا بِنُور یَقْظَهٍ فی الْاَبصـار وَ الَاسماعِ وَ الَافئِدَه...»؛(۲)

ص:۸۸

۱- ۱۷۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.

۲- ۱۷۸. همان، خطبه ۲۲۲.

همانـا خـدای سـبحان و بزرگ، یاد خود را روشـنی بخش دل ها قرار داد تا گوش پس از ناشـنوایی بشـنود و چشم پس از کم نوری بنگرد وانسان بعد از دشمنی رام گردد. خداوند (نعمت هایش گرانقدر است) در زمان های مختلف روزگار و در دوران جـدایی جـامعه از رسـالت، بنـدگانی داشـته که با آنان در گوش جانشان زمزمه می کرد و در درون عقلشان با آنان سـخن می گفت... .

ص:۸۹

فصل هشتم: تداوم عبادت

بـدیهی اسـت انسـان موجـودی است که بایـد آهنـگ و آداب تربیت در کنـار دل و جـان او اسـتمرار یابـد تـا گرفتـار غفلت و فراموشی نشود و به رشدِ لایقِ به حالش برسد، همانگونه که در طبیعت باید پیوسته آب به طور نظم و مناسب به درخت و نهال برسـد تا شـکوفا شده، سایه و ثمر دهد و روایات این فصل بر این اصل اخلاقی تأکید دارد، باشد که در اثر تداوم و تکرار، خیر و خوبی در نهان آدمی نهادینه و ملکه گردد.

امام سجّادعلیه السلام می فرماید:

«اِنّی لَاُحبُّ اَنْ أدامَ عَلی الْعَمَلِ وَ اِنْ قَلَّ»؛(۱) من دوست دارم استمرار بر عمل را اگرچه کار خوب کم و کوتاه باشد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«ما مِنْ شَیءٍ اَحَبُّ اِلَی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ عَمَلٍ یُداوِمُ عَلیهِ وَ اِنْ قَلَّ»؛(۲) عمل و عبادتی بیشتر محبوب خداست که تداوم داشته باشد، هر چند اندک باشد.

ص:۹۱

۱- ۱۷۹. وسائل الشعیه، ج ۱، ص ۷۰.

۲- ۱۸۰. همان.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اِیّاکَ اَنْ تُفرض عَلی نَفْسکَ فَریضه فتفارقها اثنی عشر هلالاً»؛(۱) مبادا عبادت و عملی را بر خود فرض کنی لیکن دوازده هلال و ماه از آن دوری کنی!

امام علی علیه السلام فرمود:

«قلیلٌ یَدُوم خَیْرٌ مِنْ کَثیر مملولٌ منه»؛(۲) اندکی که استمرار داشته باشد، بهتر است از کار بسیاری که رنج آور باشد.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله فرمود:

«وَاَقْبَحَ مِنْ ذلِکَ العابِدُ للّهِ ثُمَّ یَدعَ عِبادَته»؛(۳) و زشت تر از این امور عابدی است که مدتی بندگی خدا کند و آن گاه رها کند آن عبادت را (و ادامه ندهد).

در بیانی دیگر فرمود:

«اَحَبّ الْاَعْمالِ اِلَی اللّهِ اَدْوَمَها وَ اِنْ قَلَّ»؛(۴) محبوب ترین کارها نزد خدا کاری است که دوام بیشتر داشته باشد.

امام علی علیه السلام در فرازهای زیبایی می فرماید:

«دَوامُ الْعِبادَهِ بُرهانُ الظَّفَرِ بِالسَّعادَه»؛(۵) استمرار عبادت دلیل پیروزی و رسیدن به سعادت است.

۱- ۱۸۱. همان.

۲- ۱۸۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۴۴، ۲۷۸.

۳- ۱۸۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷۱.

۴- ۱۸۴. نهج الفصاحه، ص ۷۳.

۵- ۱۸۵. غررالحکم، ج ۴، ص ۱۴، ح ۵۱۴۲.

«بِدَوامِ ذکر اللّٰه تُنجابُ الْغَفْلَه»؛(۱) به سبب تداوم ذکر قلبی و یاد خدا غفلت زایل گردد.

«دَوامُ الذِّکْرِ یُنیرُ الْقَلْب وَ الْفِکْر»؛(۲) دایم بودن یاد خدا دل و اندیشه را روش می سازد.

«خَیْرُ العبادات اَقْرَبها بالْاَمْنِ وَ اَخْلَصِها مِنَ الآفاتِ وَ اَدْوَمُها وَ اِنْ قَلَّ»؛(۳) بهترین عبادت ها نزدیک ترین آنها به آسایش خاطر و خالص ترین آنها از آفت ها و مداوم ترین آنهاست، گرچه اندک باشد.

۱- ۱۸۶. همان، ج ۳، ص ۱۳۸، ح ۴۲۶۴.

۲- ۱۸۷. همان، ج ۴، ص ۱۳، ح ۵۱۳۹.

۳- ۱۸۸. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۱.

فصل نهم: مراتب عبادت

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ النَّاسَ یَعْبُدُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَی ثَلَاثَهِ أَوْجُهٍ فَطَبَقَهٌ یَعْبُدُونَهُ رَغْبَهً فِی ثَوَابِهِ فَتِلْکَ عِبَادَهُ الْحُرَصَاءِ وَ هُوَ الطَّمَعُ وَ آخَرُونَ یَعْبُدُونَهُ خَوْفاً مِنَ النَّارِ فَتِلْکَ عِبَادَهُ الْعَبِیدِ وَ هِیَ رَهْبَهٌ وَ لَکِنِّی أَعْبُدُهُ حُبّاً لَهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَتِلْکَ عِبَادَهُ الْکِرَام وَ هُوَ الْأَمْنُ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُمْ مِنْ فَزَعٍ یَوْمَئِذٍ آمِنُونَ وَ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ إِنْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِی یُحْبِبْکُمُ اللَّهُ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ فَمَنْ أَحَبَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ تَعَالَی کَانَ مِنَ الْآمِنِینَ وَ هذا مَقامٌ مَکْنُونٌ لا یَمسُّهُ الّا المُطَهَّرونَ»؛(۱)

مردم خداوند را بر سه گونه می پرستند: گروهی از روی میل به ثواب و انتظار اجر، خدا را پرستش می کنند که این عبادت حریصان است و همان طمع می باشد. گروهی دیگر به خاطر ترس از آتش دوزخ، بندگی خدا می کنند که این

۱- ۱۸۹. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۸ و ۱۹۸؛ تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۳۷.

پرستش بردگان و همان ترس است. ولیکن من خدا را به جهت این که او را دوست دارم، عبادت می کنم و این همان عبادت کریمان است زیرا خداوند متعال می فرماید: «بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد» پس هر کسی که خدای (عزّوجلّ) را دوست داشته باشد خدا نیز او را دوست خواهد داشت و آن که محبوب خدا شد از ایمنی یافتگان است. و این مقام مستور و پوشیده ای است که جز پاکیزگان به آن دست نیابند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَهً فَتِلْکَ عِبَادَهُ التُّجَّارِ وَ إِنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَهً فَتِلْکَ عِبَادَهُ الْعَبِیدِ وَ إِنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللَّهَ شُکْراً فَتِلْکَ عِبَادَهُ الْأَحْرَارِ»؛(۱)

گروهی خداوند را از روی رغبت (در ثواب) می پرستند که این عبادت تاجران است و گروهی دیگر از روی ترس خدا را عبادت می کنند که آن عبادت بردگان می باشد و گروهی از جهت شکرگزاری عبادت پروردگار را بجای می آورند که این عبادت آزادگان است.

از مواعظ خداوند متعال:

«یا اَحْمَدُ... اَوَّلُ الْعِبادَهِ الصُّمْتُ وَ الصُّوْمُ»؛(۲)

ص:۹۶

۱- ۱۹۰. نهج البلاغه {فیض الاسلام}، حکمت ۲۲۹ و ۲۳۷.

۲- ۱۹۱. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۲۷.

یا احمد... سرآغاز بندگی سکوت و روزه است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«اَلْاِخلاصُ (الجود فی اللَّه) عِبادَهُ المُقَرَّبین»؛(۱)

اخلاص (بخشش در راه خدا) عبادت مقربین است.

رسول اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«اَلا اُخبرکُمْ بِاَیْسَرِ الْعِبادَه وَ اَهْوَنُها عَلَی الْبَدَنِ الصُّمْتُ وَ حُسْنُ الخُلْقِ»؛(۲)

آیا شما را به آسان ترین و راحت ترین عبادت ها بر بدن آگاه کنم، آن عبارت از سکوت و خلق و خوی نیکو است.

امام رضاعلیه السلام در جواب سؤال ابو قرّه فرمود:

«إنَّ اللَّهَ اسْتَعْبَدَ خَلْقَهُ بِضُرُوبٍ مِنَ الْعِبَادَهِ وَ لِلَّهِ مَفَازِعُ یَفْزَعُونَ إِلَیْهِ وَ یُسْتَعْبَدُ [مُسْتَعْبَدٌ] فَاسْتَعْبَدَ عِبَادَهُ بِالْقَوْلِ وَ الْعِلْمِ وَ الْعَمَلِ وَ التَّوْجِیهِ وَ نَحْوِ ذَلِک...»؛(۳)

خداوند متعال آفریدگان خود را به ا نواع عبادت فرا خوانده... و بندگان خود را به پرستش به وسیله گفتار، دانش، عمل، توجّه و امثال آن واداشته است.

ص:۹۷

۱- ۱۹۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۵۴.

۲- ۱۹۳. نهج الفصاحه، ص ۸۷ و ۴۶۲.

۳- ۱۹۴. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۳۴۶.

فصل دهم: عبادت نیکو

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«اَعْظَمُ الْعِبٰادَهِ اَجْرَاً اَخْفاها»؛(۱)

برترین عبادت از جهت پاداش مخفی ترین آن است.

«وَ أحْسَنَ الْقَصْدِ فِی الْعِبادَهِ»؛(۲)

و چه نیکو است اعتدال و میانه روی در عبادت.

«مِنْ حُسْنِ عِبادَهِ الْمَرءِ حُسْنُ ظَنِّهِ»؛(۳)

خوبی و نیکویی عبادت انسان، حسن ظن او است.

امام صادق علیه السلام به عمار ساباطی فرمود:

«یَا عَمَّارُ الصَّدَقَهُ وَ اللَّهِ فِی السِّرِّ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَهِ فِی الْعَلَانِیَهِ وَ کَذَلِکَ وَ اللَّهِ الْعِبَادَهُ فِی السِّرِّ أَفْضَلُ مِنْهَا فِی الْعَلَانِیَهِ»؛(۴)

ای عمار! صدقه در نهان برتر است از صدقه آشکار

۱- ۱۹۵. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۵۱.

۲- ۱۹۶. نهج الفصاحه، ح ۲۶۰۸.

۳- ۱۹۷. نهج الفصاحه، ح ۳۰۴۲.

۴- ۱۹۸. بحارالانوار، ج ۱، ص ۵۷.

و همچنین به خدا سوگند عبادت در خفا بهتر است از عبادت آشکارا.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«اِذا اَحبَّ اللَّهُ عَبْداً أَلْهَمَهُ حُسْنُ الْعِبادَهِ»؛(۱)

هنگامی که خداوند بنده ای را دوست داشته باشد، نیکی عبادت را به او الهام می کند.

«مَنْ حَسُنَتْ یَقینُهُ حَسُنَتْ عِبادَتُهُ»؛(۲)

هر کس یقین او نیکو باشد عبادت او نیکو خواهد شد.

«بِالْیَقینِ تَمَّ الْعِبادِه»؛(۳)

با یقین و باور قلبی، عبادت کامل می گردد.

«مَنْ قَنَعَ حَسُنَتْ عِبادَتِهِ»؛(۴)

هر کس (به آنچه دارد و خدا به او داده است) قانع باشد عبادت او نیکوتر و بهتر خواهد شد.

«نِعْمَ عُونُ الْعِبادَهِ السَّهْر»؛(۵)

خوب کمکی است برای عبادت، شب زنده داری.

«عَلَیْکُمْ بِالْقَصْدِ فِی الْمَطاعِمِ فَاِنَّهُ اَبْعَدَ مِن السَّرفِ و اَصحَّ لِلْبَدَنِ وَ

۱- ۱۹۹. غرر الحکم، ص ۱۹۸، ح ۳۹۳۵.
۲- ۲۰۰. غرر الحکم، ص ۶۲، ح ۷۴۹.
۳- ۲۰۱. غرر الحکم، ص ۶۲، ح ۷۰۷.
۴- ۲۰۲. غرر الحکم، ص ۳۹۳، ح ۹۰۸۵.
۵- ۲۰۳. غرر الحکم، ص ۳۱۹، ح ۷۳۸۷.

اَعونُ عَلی الْعِبادَهِ»؛(۱)

بر شما باد به اقتصاد و میانه روی در طعام و غذاها، چرا که موجب دوری از اسراف و باعث صحت بدن بوده و کمکی است برای عبادت.

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

«لا عِبادهُ اِلّا بِالتَّفَقُّهِ»؛(۲)

عبادت (صحیح و کامل) نیست جز با دانش و آگاهی.

ابوعبیده حذّاء می گوید: از امام باقرعلیه السلام شنیدم می فرمود: رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: خداوند متعال می فرماید:

«إِنَّ مِنْ أَغْبَطِ أَوْلِیَائِی عِنْدِی رَجُلاً خَفِیفَ الْحَالِ ذَا حَظٍّ مِنْ صَلَاهٍ أَحْسَنَ عِبَادَهَ رَبِّهِ بِالْغَیْب...»؛(۳)

همانا از خوشحال ترین اولیاء و دوستانم در نزد من فردی است سبک بال، دارای حظّ و نصیبی از نماز، که عبادت پروردگارش را در نهان به نیکی انجام دهد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«أَوْحَی اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی إِلَی دَاوُدَ ذَکِّرْ عِبَادِی مِنْ آلَائِی وَ نَعْمَائِی...وَ حُسْنُ الظَّنِّ یَدْعُو إِلَی حُسْنِ الْعِبَادَهِ»؛(۴)

۱- ۲۰۴. عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمّد لیثی واسطی، ص ۳۴۱ و غرر الحکم، ص ۳۵۳، ح ۸۰۶۸.
۲- ۲۰۵. بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۰۷.
۳- ۲۰۶. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۵۷.
۴- ۲۰۷. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۹۰.

خداوند متعال به داودعلیه السلام وحی کرد: بندگانم را نسبت به نعمت هایم یادآوری کن... و حسن ظن، (انسان را) به حسن عبادت و انجام نیکِ آن فرا می خواند.

زید بن علی از پدرش امام سجادعلیه السلام نقل می کند:

«اَلْوَرَعُ نِظامُ الْعِبادَهِ»؛(۱)

ورع و پرهیزکاری نظام عبادت و بندگی است.

از مواعظ خداوند متعال است:...

«یَا أَحْمَدُ الْوَرَعُ یَفْتَحُ عَلَی الْعَبْدِ أَبْوَابَ الْعِبَادَهِ فَتَکَرَّمَ بِهِ عِنْدَ الْخَلْقِ وَ یَصِلُ بِهِ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَل»؛(۲)

یا احمد پرهیزکاری درهای عبادت را به سوی بنده می گشاید، پس به وسیله آن نزد خلق عزیز می گردد و به خدای (عزّوجلّ) می رسد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«فَضیلَهُ السّادَهِ حُسْنُ الْعِبادَهِ»؛(۳)

فضیلت بزرگان در نیکویی عبادت است.

«مَنْ تَوَرَّعَ حَسُنَتْ عِبادِتِهِ»؛(۴)

هر کس ورع بورزد، عبادتش نیکو خواهد شد.

۱- ۲۰۸. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۸.
۲- ۲۰۹. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۲۷.
۳- ۲۱۰. غرر الحکم، ص ۱۹۹، ح ۳۹۳۷.
۴- ۲۱۱. غرر الحکم، ص ۲۷۴، ح ۵۹۹۹.

«صَلاحُ الْعِبادَهِ التِّوَکّل»؛(۱)

صلاح عبادت، توکل به خداست.

«فی الْاِنْفِرادِ لِعِبادَهِ اللَّهِ کُنُوزُ الاَرْباح»؛(۲)

در اختصاص به عبادت و بندگی پروردگار گنجینه هایی سودمند است.

رسول خداصلی الله علیه وآله می فرماید:

«اُعْبَد اللَّه کاَنَّکَ تَراهُ فَاِنْ کُنْتُ لا تَراهُ فَاِنَّهُ یَراکَ»؛(۳)

ای ابوذر! خداوند را چنان عبادت کن که گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی، همانا او تو را می بیند.

امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می فرماید:

«اَلا لا خَیْرَ فِی عِبادَهِ لَیسَ فیها تَفَکُّرِ»؛(۴)

آگاه باشید در عبادتی که خالی از تفکّر باشد خیری نیست.

از پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم نقل شده است:

«خُذُوا مِن الْعِبادَهِ ما تَطیقُونَ...»؛(۵)

برگزینید و انجام دهید از عبادت، آن چه را طاقت و توان دارید.

ص:۱۰۳

۱- ۲۱۲. غرر الحکم، ۱۹۶، ۳۸۵۸.
۲- ۲۱۳. غرر الحکم، ص ۱۹۸، ح ۳۹۳۶.
۳- ۲۱۴. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۷۴.
۴- ۲۱۵. بحارالانوار، ج ۲، ص ۴۹.
۵- ۲۱۶. کنز العمال، ح ۵۳۰۱.

فصل یازدهم: لذّت عبادت

فراوان می پرسند که چگونه می توان لذّت عبادت را درک کرد تا هم بانشاط و به دور از کسالت بهره معنوی وافر و خیر اخروی بیشتری ببریم و هم انگیزه بر انجام و استمرار آن داشته باشیم؟

پاسخ این سؤال را در سخن و سیره پیشوایان دین و دنیا، انبیا و ائمه علیهم السلام خواهید یافت، آنان که با جهاد اکبر به این حالت و ملکه رسیده بودند و هر قدر مناجات (همراه عشق و اشک) می کردند و به معشوق و معبودشان تقرّب می یافتند، لذّت بیشتر می بردند.

از مواعظ مسیح علیه السلام است:

«بِحَقٍّ أَقُولُ لَکُمْ إِنَّهُ کَمَا یَنْظُرُ الْمَرِیضُ إِلَی طَیِّبِ الطَّعَامِ فَلَا یَلْتَذُّهُ مَعَ مَا یَجِدُهُ مِنْ شِدَّهِ الْوَجَعِ کَذَلِکَ صَاحِبُ الدُّنْیَا لَا یَلْتَذُّ بِالْعِبَادَهِ وَ لَا یَجِدُ حَلَاوَتَهَا مَعَ مَا یَجِدُ مِنْ حُبِّ الْمَالِ (من حلاوه الدنیا)»؛(۱)

به راستی برای شما می گویم: چنان که مریض از نگاه به طعام پاکیزه (به جهت شدّت درد) لذّت نمی برد، اهل دنیا نیز از عبادت بهره مند نمی شود و شیرینی آن را نمی چشد

ص:۱۰۵

۱- ۲۱۷. بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۲۵.

(به جهت علاقمندی به مال و درک شیرینی دنیا).

امام علی علیه السلام می فرماید:

«کَیْفَ یَجِدُ لَذَّهَ الْعِبَادَهِ مَنْ لَا یَصُومُ عَنِ الْهَوَی»؛(۱)

چگونه لذّت عبادت را درک کند کسی که از هوی پرهیز نمی کند؟

«کَیْفَ یَتَمَتَّعُ بِالْعِبادَهِ مَنْ لَمْ یُعنه التَّوْفیقَ»؛(۲)

چگونه از عبادت بهره می برد کسی که توفیق همراهش نباشد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«الصَّمْتُ شِعَارُ الْمُحَقِّقِینَ بِحَقَائِق... وَ مَعَهُ عَزْلُ الْهَوَی وَ رِیَاضَهُ النَّفْسِ وَ حَلَاوَهُ الْعِبَادَهِ»؛(۳)

سکوت شعار کسانی است که به حقایقی دست یافته اند... و همراه سکوت است دوری از هوی و ریاضت نفس و شیرینی عبادت.

امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید:

«یَا هِشَامُ أَوْحَی اللَّهُ إِلَی دَاوُدَ قُلْ لِعِبَادِی لَا یَجْعَلُوا بَیْنِی وَ بَیْنَهُمْ عَالِماً مَفْتُوناً بِالدُّنْیَا فَیَصُدَّهُمْ عَنْ ذِکْرِی وَ عَنْ طَرِیقِ مَحَبَّتِی وَ مُنَاجَاتِی أُولَئِکَ قُطَّاعُ الطَّرِیقِ مِنْ عِبَادِی إِنَّ أَدْنَی مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ

ص:۱۰۶

۱- ۲۱۸. غرر الحکم، ص ۱۹۹، ح ۳۹۳۸.

۲- ۲۱۹. غرر الحکم، ص ۲۰۳، ح ۴۰۰۵.

۳- ۲۲۰. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۴.

أَنْزِعَ حَلَاوَهَ عِبَادَتِی وَ مُنَاجَاتِی مِنْ قُلُوبِهِمْ»؛(۱)

ای هشام! خداوند به داودعلیه السلام وحی کرد: به بندگانم بگو: میان من و خودشان عالِم شیفته به دنیا را واسطه قرار ندهند که آنها را از یاد من و طریق محبّتم و مناجاتم باز می دارند. این عالمان، راهزنِ بندگانم هستند. کمترین مجازات آنها این است که لذّت عبادت و مناجاتم را از دلشان بیرون می کنم.

«... کانَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله وسلم یُصَلِّی حَتَّی یَتَوَرَّمَ قَدَمَاهُ وَ یَقُولُ أَ فَلَا أَکُونُ عَبْداً شَکُوراً أَرَادَ أَنْ یَعْتَبِرَ بِهِ أُمَّتُهُ فَلَا تَغْفُلُوا عَنِ الِاجْتِهَادِ وَ التَّعَبُّدِ وَ الرِّیَاضَهِ بِحالٍ أَلَا وَ إِنَّکَ لَوْ وَجَدْتَ حَلَاوَهَ عِبَادَهِ اللَّهِ وَ رَأَیْتَ بَرَکَاتِهَا وَ اسْتَضَأْتَ بِنُورِهَا لَمْ تَصْبِرْ عَنْهَا سَاعَهً وَاحِدَهً وَ لَوْ قُطِّعْتَ إِرْباً إِرْباً فَمَا أَعْرَضَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهَا إِلَّا بِحِرْمَانِ فَوَائِدِ السَّبْقِ مِنَ الْعِصْمَهِ وَ التَّوْفِیق»؛(۲)

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آن قدر نماز می خواند که قدم هایش متورّم می شد و می فرمود: آیا بنده شکرگزاری نباشم. منظور حضرت این بود که امتش عبرت بگیرند و از آن حضرت پیروی کنند. پس از تلاش و تعبّد و ریاضت در هیچ حال غافل نباشید، همانا تو اگر شیرینی عبادت را بچشی و برکاتش مشاهده کنی و از نور آن بهره مند شوی،

۱- ۲۲۱. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲- ۲۲۲. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۶۹.

یک ساعت هم طاقت جدایی از آن را نخواهی داشت، اگر چه قطعه قطعه شوی و کسی که از عبادت دوری می کند، نیست مگر به خاطر محروم شدن از فوائد گذشته که عصمت و توفیق باشد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله فرمود:

«اَلنَّظَرُ اِلی مَحاسِنِ النِّساءِ سَهْمٌ مِنْ سَهامِ اِبْلیسِ فَمَنْ تَرَکَهُ اَذاقَهُ اللَّهُ طَعْمَ عِبادَهٍ تَسُرّهُ»؛(۱)

نگاه کردن به زینت های زنان، تیری از تیرهای شیطان است، پس هر کس آن را ترک کند، خداوند عبادت را در کام او شیرین کند و او را شادمان سازد.

همچنین از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل شده است:

«وَ مَنْ اَعْرَضَ عَنْ مُحَرَّمٍ اَبْدَلَهُ اللَّهُ بِهِ عَبادَهَ تَسُرُّه»؛(۲)

هر کس از حرامی دوری کند، خداوند آن را به توفیق عبادتی تبدیل نماید که او را شادمان گرداند.

در اخبار داود علیه السلام آمده است:

«ما لِاَوْلِیائی وَالْهَمَّ بِالدُّنیا؟ اِنَّ الْهَمّ یَذْهَبُ حَلاوَهَ مُناجاتی مِنْ قُلُوبِهِمْ یا داود اِنَّ مَحَبَّتی مِنْ اَوْلیائی اَنْ یَکوُنوا روحانیّین لایغتمونَّ»؛(۳)

۱- ۲۲۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۷۰.

۲- ۲۲۴. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۲۱.

۳- ۲۲۵. مسکن الفؤاد، ص ۸۰.

دوستا مرا چه که غم دنیا خورنـد، همانا غم دنیا شیرینی مناجات مرا از دل هایشان می برد. ای داود من دوست دارم دوستانم روحانی باشند و اندوه دنیا به خود راه ندهند.

همچنین از مسیح بن مریم علیهما السلام نقل شده است:

«بِحَقٍّ اَقول لَکُمْ مَنْ لا یُنَقّی مِنْ زَرْعَه الحَشیش یکثر فیه حَتی یَغْمُرَهُ فَیُفْسِدَهُ وَ کذالِکَ مَن لا یخرجُ مِنْ قَلْبِهِ حُبَّ الدُّنیا یَغمرهُ حَتّی لایَجِدَ الآخِرَهِ طَعْمَاً»؛(۱)

حقیقتی را به شما بگویم، آن که علف های هرزه زارعت خود را وجین نکنـد، آنها زیاد گشته تا جایی که تمام مزرعه را می گیرد و زراعت را از بین می برد، همین طور کسی که محبّت دنیا را از دلش بیرون نکند ،دنیا دوستی، سراسر دلش را فراگیرد تا آنجا که هرگز لذّت و طعم آخرت دوستی را نچشد.

آری، لذّت و گوارایی عبادت را زمانی خواهیم یافت که آفات و موانع آن (همانند هوسرانی و دنیادوستی و گناه و...) شناخته از خود دور سازیم و عوامل مفیـد و مؤثّر در این درک معنوی را (هماننـد معرفت، تقوا، تمرکز، لقمه حلال، خضوع و خشوع و...) در خود احیا کنیم.

۱- ۲۲۶. تحف العقول، ص ۵۰۹.

فصل دوازدهم: زینت عبادت

به راستی زیور عبادت و چیزهایی که در زینت بخشیدن به آن مؤثر می باشد چیست؟ ابتدا امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید:

«اِنَّ مَنْ طَلَبَ الْعِبادَةَ تَزَکّی لَها»؛ همانا هر کس جویای عبادت است، خود را برای آن پاکیزه گرداند. (و به زیور عبادت آراسته شود)

نیز امام علی علیه السلام می فرماید:

«ما تَزَیَّنَ مُزَیِّنٌ بِمِثْلِ طاعَهُ اللّه»؛(1) هیچ آراسته به زیوری مانند اطاعت خدا، آراسته نشده است.

«اَلزّینَهُ بِحُسْنِ الصَّوابِ لا بِحُسْنِ الثّیاب»؛(2) زینت به زیبایی اعمال درست است نه به لباس و ظاهر نیکو.

همچنین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید:

«وَ السَّکینَهُ زینَهُ الْعِبادَهِ»؛(3) آرامش و طمأنینه، زینت عبادت است.

ص:111

1- 227. غررالحکم، ح 3470.

2- 228. همان، ح 5503.

3- 229. بحارالانوار، ج 77، ص 131.

«مَنْ رَزَقُهُ اللَّهُ حُبُّ الاَئِمَّهِ مِنْ اَهْلِ بَیتی اَصابَ خَیْرَ الدُّنیا و الآخِرَهِ فَلا یَشُکَّنَّ اَحدٌ اَنَّهُ فی الجَنَّهِ فَاِنَّ فی حُبِّ اَهلُ بیتی عشرینَ خَصْلَه، عَشَرَ مِنها فی الدُّنیا و عَشَرِ منها فی الآخِرَهِ امّا فی الدُّنیا فَالزُّهْدُ وَ الْحِرْصُ عَلَی الْعَمَلِ وَ الْوَرَعِ فِی الدّینِ و الرَّغْبَتهِ فِی الْعِبادَه...»؛

آن کس که خداوند دوستی ائمه از اهل بیت مرا روزی او کرده است، همانا به خیر دنیا و آخرت نائل شده است. پس کسی که در بهشتی بودن او تردید نکند، زیرا در دوستی اهل بیت من بیست خصلت وجود دارد. ده تا در دنیا و ده تا در آخرت. امّا در دنیا پس زهد، تلاش در عمل، ورع در دین، شوق و رغبت در عبادت... .

نیز امام علی علیه السلام فرمود:

«زینُ الْعِبادَهِ اَلْخُشُوعُ»؛ زینت عبادت خشوع است.

ص:۱۱۲

فصل سیزدهم: عبادت خالص

فصل سیزدهم: عبادت خالص

ارزش هر چیز به میزان پاکی و بی عیب و آفت بودن آن است، عبادت نیز، ارزش و قبولی آن به اخلاص و پاکی از آفات بستگی دارد یعنی عبادی بودن به میزان انقطاع از ما سوی اللّٰه و خالص نمودن فکر و دل و انگیزه و عمل برای خداست و معصومین علیهم السلام و مخلصین بر اصل ارزشی اخلاص بر اهمیّت و حقیقت آن تأکید داشته که روایات در دو بخش (اهمیّت و جایگاه اخلاص - حقیقت اخلاص) می خوانیم.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«وَ مَنْ لَمْ یَخْتَلِفْ سَرُّهُ وَ عَلَانِیَتُهُ وَ فِعْلُهُ وَ مَقَالَتُهُ فَقَدْ أَدَّی الْأَمَانَهَ وَ أَخْلَصَ الْعِبَادَهَ»؛(۱)

کسی که آشکار و نهان و گفتار و کردارش متفاوت نباشد همانا امانت (الهی) را ادا کرده و عبادت خویش را خالصانه انجام داده است.

«اَلْعِبادَهُ الْخالِصَهُ اَنْ لایَرجُو الرَّجُلَ اِلّا رَبَّهُ وَ لایَخافُ اِلّا ذَنْبُهُ»؛(۲)

ص:۱۱۳

۱- ۲۳۰. نهج البلاغه، نامه ۲۶.

۲- ۲۳۱. غرر الحکم، ص ۱۹۹، ح ۳۹۴۵.

عبادت خالص آن است که بنده جز به خداوند امیدوار نباشد و جز از گناه خویش نترسد.

امام باقرعلیه السلام می فرماید:

«لَا یَکُونُ الْعَبْدُ عَابِداً لِلَّهِ حَقَّ عِبَادَتِهِ حَتَّی یَنْقَطِعَ عَنِ الْخَلْقِ کُلِّهِ إِلَیْهِ فَحِینَئِذٍ یَقُولُ هَذَا خَالِصٌ لِی فَیَتَقَبَّلُهُ بِکَرَمِهِ»؛(۱)

بنده به حقیقت بندگی و عبادت خداوند نمی رسد مگر این که از همگان ببرد و به او بپیوندد در این هنگام خدا می فرماید: این عمل خالص برای من است، پس به کرم خود آن را می پذیرد.

امام رضاعلیه السلام می فرماید:

«أَنَّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام کَانَ یَقُولُ طُوبَی لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْعِبَادَهَ وَ الدُّعَاءَ وَ لَمْ یَشْغَلْ قَلْبَهُ بِمَا تَرَی عَیْنَاهُ وَ لَمْ یَنْسَ ذِکْرَ اللَّهِ بِمَا تَسْمَعُ أُذُنَاهُ وَ لَمْ یَحْزُنْ صَدْرَهُ بِمَا أُعْطِیَ غَیْرُهُ»؛(۲)

همانا امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: خوشا به حال کسی که عبادت و دعا را خالصانه برای خدا انجام دهد و قلبش به آنچه دیدگانش بیند مشغول نگردد و یاد خدا را به خاطر آنچه گوش هایش می شنود فراموش نکند و از آنچه به دیگران عطا شده سینه اش غمگین نگردد.

۱- ۲۳۲. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۱.

۲- ۲۳۳. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۶۱.

اهمیّت اخلاص در عبادت

حضرت فاطمه علیها السلام می فرماید:

«مَنْ أَصْعَدَ إِلَی اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَیْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ»؛(۱)

هر کس عبادت خالصش را به سوی خدا بالا بفرستد، خدای بزرگ هم برترین مصلحتش را به سوی او نازل فرماید.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«التَّقْوَی عَلَی ثَلَاثَهِ أَوْجُهٍ ... . وَ مَنْ کانَ اَتْقی کانَتْ عِبادَتُهُ اَخْلَص وَ اَطْهَر»؛(۲)

تقوْی بر سه وجه است... آن که تقوایش بیشتر و پرهیزگارتر باشد عبادتش خالص تر و پاک تر است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«فازَ بِالسَّعادَهِ مَنْ اَخْلَصَ عِبادِتِهِ»؛(۳)

هر کس عبادتش را خالص کند، به فلاح و رستگاری می رسد.

«اِلْاِخْلاصُ مِلاکُ الْعِبادَهِ»؛(۴)

۱- ۲۳۴. مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۰۸.

۲- ۲۳۵. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۹۶.

۳- ۲۳۶. غرر الحکم، ص ۱۹۸، ح ۳۹۰۹.

۴- ۲۳۷. غرر الحکم، ص ۱۹۷، ح ۳۸۹۶.

اخلاص ملاک عبادت است.

«اَلْاِخْلاصُ ثَمَرَهُ الْعِبادَهِ»؛(۱)

اخلاص ثمره و نتیجه عبادت است.

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَهَ فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ لَا يُبَالِی عَلَی مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَی عُسْرٍ أَمْ عَلَی يُسْرٍ»؛(۲)

برترین مردم کسی است که عاشق عبادت باشد. پس با عبادت (در تمام مراحل زندگی) ملازم شود و آن را به جان دوست داشته و با جسم و بدن در انجامش بکوشد و خود را برای عبادت فارغ و مهیّا گرداند. برای چنین شخصی، مشکل و آسان دنیا اهمیّتی ندارد.

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

«لَوْ جَعَلْتُ الدُّنْيَا كُلَّهَا لُقْمَهً وَاحِدَهً وَ أَطْعَمْتُهَا مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ خَالِصاً لَرَأَيْتُ أَنِّی مُقَصِّرٌ فِی حَقِّهِ...»؛(۳)

اگر همه دنیا در لقمه ای قرار داده شود و من آن لقمه را در اختیار بنده ای که خدا را خالصانه عبادت می کند، قرار دهم احساس می کنم در حقّ او کوتاهی کرده ام.

ص:۱۱۶

۱- ۲۳۸. غرر الحکم، ص ۱۹۷، ح ۳۸۹۵.

۲- ۲۳۹. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶.

۳- ۲۴۰. سفینه البحار، ج ۱، باب الخاء؛ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۰۹.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«وَ الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِی لَا تُرِیدُ أَنْ یَحْمَدَکَ عَلَیْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَل...»؛(1)

عمل خالص آن است که انتظار تعریف و ستایش در مورد آن از هیچ کس جز خدای (عزّوجلّ) نداشته باشی.

۱- ۲۴۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶.

فصل چهاردهم: آفات عبادت

در دنیا و عالم طبیعت بلاها و آفت هایی سلامت و حیات موجودات را پیوسته تهدید می کنند و نیّت ها و اعمال آدمی نیز در تیررس انواع آسیب ها و آفت ها قرار دارد، بالاتر آنکه، اشیاء نفیس و معنوی و ارزشی، آفت هایش بیشتر و غالباً پیچیده تر و پنهان تر بوده، هوشیاری و مراقبت مستمر را می طلب و گاه لحظه ای غفلت در عبادت، نابودی آن و سقوط انسان را به همراه خواهد داشت و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و عترت پاکش علیهم السلام از روی محبّت همانند پدری مهربان نسبت به آفت ها و تهدیدهای عبادت هشدار داده اند که در اینجا به برخی اشاره می شود:

۱ - جهل و نادانی نسبت به اصل عبادت و آثار و احکام و آدب آن و عدم شناخت و توجّه به توحید و کرامت انسان؛

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید:

«اَلْمُتَعَبِّدُ بِغَيْرِ فِقْهٍ كَالْحِمارِ الطّاحُون»؛(۱) عبادت کننده بدون آگاهی و فهم مانند چارپای آسیاب است (که خودش می چرخد و راه می رود ولی پیش نمی رود!)

و در بیانی دیگر می فرماید:

ص:۱۱۹

۱- ۲۴۲. نهج الفصاحه، ح ۳۱۰۰ و همچنین از امام علی علیه السلام در غرر الحکم، ج ۲، ص ۷۸، ح ۲۰۶۵.

«مَثَلُ الْعابِدُ الَّذی لایَتَفَقَّهُ کَمَثَلِ الَّذی یَبنی الَّیلَ وَیَهْدِمُ النَّهارَ»؛(۱) قصه و مثل عبادت کننده بی فهم و فقه، همانند کسی است که در شب (ساختمانی) می سازد و روز ویرانش می کند.

۲ - شهرت طلبی، انجام عبادت با انگیزه حُسن شهرت بین مردم و ریا؛

امام رضاعلیه السلام می فرماید:

«مَنْ شَهَرَ نَفْسَهُ بِالْعِبَادَهِ فَاتَّهِمُوهُ عَلَی دِینِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَکْرَهُ شُهْرَهَ الْعِبَادَهِ وَ شُهْرَهَ اللِّبَاس»؛(۲)

هر کس خود را با عبادت مشهور کند پس او را در دین خود متّهم بدارید (و مؤمن راستین ندانید زیرا از دین استفاده نفسانی و ابرازی می کند) زیرا خداوند متعال شهرت در عبادت و لباس شهرت (انگشت نما شدن) را مبغوض می دارد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اَلْاِشْتِهارُ بِالْعِبادَهِ رَیْبَهٌ»؛(۳) مشهور شدن به عبادت شک برانگیز می باشد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«آفَهُ الْعِبادَهِ الرِّیّاءُ»؛(۴) آفت عبادت، ریا و خودنمایی است.

ص:۱۲۰

۱- ۲۴۳. کنز العمال، ج ۱۰، ح ۲۸۹۳۰.
۲- ۲۴۴. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۵۲.
۳- ۲۴۵. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۲۸ و وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۸.
۴- ۲۴۶. غررالحکم، ج ۳، ص ۶۶، ح ۳۹۱۶.

۳ – تحمیـل نمودن عمـل عبادی به خود و دیگران یا با کراهت و بی میلی آن را انجام دادن؛ چرا که اسـلام تکالیف را از روی اختیار و آگاهی و نشاط از مسلمان خواسته است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«لاتُکْرِهُوا اِلی اَنْفُسِکُمْ اَلْعِبادَه»؛(۱) عبادت را بر خودتان تحمیل نکنید.

از امام باقرعلیه السلام نقل شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرماید:

«إِنَّ هَذَا الدِّینَ مَتِینٌ فَأَوْغِلُوا فِیهِ بِرِفْقٍ وَ لَا تُکَرِّهُوا عِبَادَهَ اللَّهِ إِلَی عِبَادِ اللَّهِ فَتَکُونُوا کَالرَّاکِبِ الْمُنْبَتِّ الَّذِی لَا سَفَراً قَطَعَ وَ لَا ظَهْراً أَبْقَی»؛(۲)

همانا این دین، دین متین (منطقی و مستدل) است، پس با رفق و ملایمت در آن وارد شوید و عبادت خداوند را بر بندگانش تحمیل نکنید تا مبادا همانند سواری شوید که در نیمه راه سفر، باز ماند، که نه به مقصد رسیده و نه مرکب او را توانی است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«خَادِعْ نَفْسَکَ فِی الْعِبَادَهِ وَ ارْفُقْ بِهَا وَ لَا تَقْهَرْهَا وَ خُذْ عَفْوَهَا وَ نَشَاطَهَا إِلَّا مَا کَانَ مَکْتُوباً»؛(۳)

در عبادت و بندگی، نفس خود را بفریب و با او مدارا نما

۱– ۲۴۷. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۶.

۲– ۲۴۸. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۶.

۳– ۲۴۹. بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۵۰۹؛ نهج البلاغه، نامه ۹۹.

و او را مجبور نکن و حالت خوشی و نشاط او را دریاب، مگر در مورد عبادت واجب.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَرَّ بِی أَبِی وَ أَنَا حَدَثٌ وَ قَدِ اجْتَهَدْتُ فِی الْعِبَادَهِ فَرَآنِی وَ أَنَا أَتَصَابُّ عَرَقاً فَقَالَ لِی یَا جَعْفَرُ یَا بُنَیَّ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْداً أَدْخَلَهُ الْجَنَّهَ وَ رَضِیَ عَنْهُ بِالْیَسِیرِ»؛(۱)

در نوجوانی که تلاش بسیار بر عبادت داشتم پدرم مرا دید در حالی که عرق می ریختم، پس به من فرمود: ای جعفر؛ فرزندم! همانا خداوند هنگامی که بنده ای را دوست داشته باشد او را داخل بهشت می کند و به آسانی از او راضی می شود.

امام باقرعلیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«أَلَا إِنَّ لِکُلِّ عِبَادَهٍ شِرَّهً ثُمَّ تَصِیرُ إِلَی فَتْرَهٍ فَمَنْ صَارَتْ شِرَّهُ عِبَادَتِهِ إِلَی سُنَّتِی فَقَدِ اهْتَدَی وَ مَنْ خَالَفَ سُنَّتِی فَقَدْ ضَلَّ وَ کَانَ عَمَلُهُ فِی تَبَابٍ أَمَا إِنِّی أُصَلِّی وَ أَنَامُ وَ أَصُومُ وَ أُفْطِرُ وَ أَضْحَکُ وَ أَبْکِی فَمَنْ رَغِبَ عَنْ مِنْهَاجِی وَ سُنَّتِی فَلَیْسَ مِنِّی وَ قَالَ کَفَی بِالْمَوْتِ مَوْعِظَهً وَ کَفَی بِالْیَقِینِ غِنًی وَ کَفَی بِالْعِبَادَهِ شُغُلًا»؛(۲)

آگاه باشید برای هر عبادتی نخست شوق و نشاطی است، سپس به فترت و سستی گراید، پس هر کس شوق و نشاط

۱- ۲۵۰. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۶.

۲- ۲۵۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۵.

عبادتش مطابق سنّت و روش من باشد، هدایت شده و آن که با سنّت من مخالفت نماید، گمراه گشته و عملش در خسران است. همانا من نماز می خوانم، می خوابم، افطار می کنم، می خندم و گریه می کنم، هر کس از روش من دوری کند از من نیست. و باز فرمود: مرگ برای پند گرفتن، یقین برای بی نیازی و عبادت برای اشتغال (و پرهیز از کارهای بیهوده) کافی است.

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«یَا عَلِیُّ آفَهُ الْحَدِیثِ الْکَذِبُ وَ آفَهُ الْعِلْمِ النِّسْیَانُ وَ آفَهُ الْعِبَادَهِ الْفَتْرَه»؛(۱)

یا علی آفت سخن دروغ است و آفت علم فراموشی و آفت عبادت سستی است.

۴ - عجب و خودپسندی؛

امام زین العابدین علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق از خداوند می خواهد:

«... وَ لا تُفْسِدُ عِبادَتی بَالْعُجبِ»؛(۲)

... پروردگارا عبادتم را به جهت عُجب فاسد مگردان.

امام باقر علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: خداوند متعال فرمود:

«وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِیَ الْمُؤْمِنِینَ لَمَنْ یَجْتَهِدُ فِی عِبَادَتِی فَیَقُومُ مِنْ رُقَادِهِ وَ

۱- ۲۵۲. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۵۹.

۲- ۲۵۳. صحیفه سجادیه، دعای مکارم الاخلاق.

لَذِيذِ وِسَادِهِ فَيَتَهَجَّدُ لِيَ اللَّيَالِيَ فَيُتْعِبُ نَفْسَهُ فِي عِبَادَتِي فَأَضْرِبُهُ بِالنُّعَاسِ اللَّيْلَهَ وَ اللَّيْلَتَيْنِ نَظَراً مِنِّي لَهُ وَ إِبْقَاءً عَلَيْهِ فَيَنَامُ حَتَّى يُصْبِحَ فَيَقُومُ وَ هُوَ مَاقِتٌ لِنَفْسِهِ زَارِئٌ عَلَيْهَا وَ لَوْ أُخَلِّي بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَا يُرِيدُ مِنْ عِبَادَتِي لَدَخَلَهُ الْعُجْبُ مِنْ ذَلِكَ فَيُصَيِّرُهُ الْعُجْبُ إِلَى الْفِتْنَهِ بِأَعْمَالِهِ فَيَأْتِيهِ مِنْ ذَلِكَ مَا فِيهِ هَلَاكُهُ لِعُجْبِهِ بِأَعْمَالِهِ وَ رِضَاهُ عَنْ نَفْسِهِ حَتَّى يَظُنَّ أَنَّهُ قَدْ فَاقَ الْعَابِدِينَ وَ جَازَ فِي عِبَادَتِهِ حَدَّ التَّقْصِيرِ فَيَتَبَاعَدُ مِنِّي عِنْدَ ذَلِكَ وَ هُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ»؛(۱)

برخی از بندگان مؤمن در عبادت من کوشش بسیار می کنند شبانگاه از خواب ناز و بستر راحت بر می خیزد و خود را با انجام عبادت به زحمت می اندازد. من با نظر لطف و به جهت حفظ او یک شب و دو شب او را به خواب مبتلا می کنم و تا هنگام صبح می خوابد سپس بر می خیزد در حالی که به خاطر آن خواب، خود را مذمت و سرزنش می کند؛ و اگر می گذاشتم آن چنان که خود می خواهد مرا عبادت کند از آن عبادت دچار عُجب می گردید، و عُجب اعمال او را به تباهی می کشانید و همین موجب هلاکش می شد، به خاطر عُجب او نسبت به اعمالش و رضایت او از خودش به طوری که گمان می کرد بر عابدان برتری جسته و در عبادت خود از حدّ تقصیر و کوتاهی فراتر

۱- ۲۵۴. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷۳.

رفته است و در این هنگام از من دور می شود، در حالی که می پنداشت به من تقرب پیدا می کند.

امام باقرعلیه السلام یا امام صادق علیه السلام می فرماید:

«دَخَلَ رَجُلَانِ الْمَسْجِدَ أَحَدُهُمَا عَابِدٌ وَ الْآخَرُ فَاسِقٌ فَخَرَجَا مِنَ الْمَسْجِدِ وَ الْفَاسِقُ صِدِّيقٌ وَ الْعَابِدُ فَاسِقٌ وَ ذَلِکَ أَنَّهُ یَدْخُلُ الْعَابِدُ الْمَسْجِدَ مُدِلًّا بِعِبَادَتِهِ یُدِلُّ بِهَا فَتَکُونُ فِکْرَتُهُ فِی ذَلِکَ وَ تَکُونُ فِکْرَهُ الْفَاسِقِ فِی التَّنَدُّمِ عَلَی فِسْقِهِ وَ یَسْتَغْفِرُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مِمَّا صَنَعَ مِنَ الذُّنُوبِ»؛(۱)

دو نفر وارد مسجد شدند یکی عابد و دیگری فاسق، پس چون از مسجد بیرون آمدند، فاسق صدیق و عابد فاسق گشته بود، بدان جهت که عابد داخل مسجد می شود در حالی که به عبادت خود می بالد و در این زمینه فکر می کند، اما فاسق به پشیمانی از گناهش می اندیشد و در پیشگاه خداوند (عزّوجلّ) از گناهانی که انجام داده استغفار می کند.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم از جبرئیل علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی فرمود:

«مَا یَتَقَرَّبُ إِلَیَّ عَبْدِی بِمِثْلِ أَدَاءِ مَا افْتَرَضْتُ عَلَیْهِ وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِیَ الْمُؤْمِنِینَ لَمَنْ یُرِیدُ الْبَابَ مِنَ الْعِبَادَهِ فَأَکُفُّهُ عَنْهُ لِئَلَّا یَدْخُلَهُ عُجْبٌ فَیُفْسِدَهُ و...»؛(۲)

ص:۱۲۵

۱- ۲۵۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۴.

۲- ۲۵۶. بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۸۴.

... و هیچ چیز به مانند ادای واجبات موجب تقرّب بنده ام به من نمی شود... و از بندگان مؤمنم برخی اراده می کند بابی از عبادت را (به روی خود باز می کند) و من او را از انجام آن باز می دارم تا گرفتار عجب نگشته و فاسد نشود... .

۵ - حرام خواری؛

تاکید اسلام بر کسب و تهیه روزی حلال و پاک بیانگر اهتمام اسلام به اقتصاد سالم و حفظ حقوق افراد و کرامت انسان و احترام اموال بوده تا جایی که لقمه حرام در عبادت مؤمن مؤثر می باشد.

«الْعِبَادَهُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ وَ قِيلَ عَلَى الْمَاءِ»؛(۱)

عبادت با خوردن حرام همانند ساختمانی است که بر روی رمل (یا آب) بنا شده باشد.

حتی محیط ذهن و فکر مسلمان باید به دور از اندیشه آلوده و حرام و منفی نگری و ناامیدی از مهر و رحمت خدا باشد. امام علی علیه السلام می فرماید:

«سُوءُ الظَّنِّ يُفْسِدُ الْعِبادَهِ»؛(۲)

سوء ظن و بدگمانی، عبادت را فاسد می کند.

۶ - رها نمودن و ترک تداوم؛

امام صادق علیه السلام از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل نموده که فرمود:

«مَا أَقْبَحَ الْفَقْرَ بَعْدَ الْغِنَى وَ أَقْبَحَ الْخَطِيئَهَ بَعْدَ الْمَسْكَنَهِ وَ أَقْبَحُ مِنْ

ص:۱۲۶

۱- ۲۵۷. بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۶.

۲- ۲۵۸. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۲۷۰۴.

ذَلِکَ الْعَابِدُ لِلَّهِ ثُمَّ یَدَعُ عِبَادَتَهُ»؛(۱)

چه زشت است فقر بعد از غنی بودن و گناه کردن بعد از مسکنت و از آن زشت تر عابدی است که مدتی خدا را عبادت کند سپس عبادت او را ترک نماید.

و همچنین رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«تَرْکُ الْعِبادَهِ یُقْسِی الْقَلْبَ»؛(۲)

رها کردن (بعد از مدتی و تداوم ندادن عبادت) موجب قساوت قلب و سنگدلی می شود.

۷ - شکم بارگی و دنیاگرایی؛

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«إِیَّاکُمْ وَ الْبِطْنَهَ فَإِنَّهَا مَفْسَدَهٌ لِلْبَدَنِ وَ مَوْرَثَهٌ لِلسَّقَمِ وَ مَکْسَلَهٌ عَنِ الْعِبَادَهِ»؛(۳)

از پرخوری بپرهیزید که بدن را فاسد می کند و موجب مریضی می شود و سبب کسالت در عبادت می شود.

امام موسی بن جعفرعلیه السلام به هشام می فرماید:

«یَا هِشَامُ احْذَرْ هَذِهِ الدُّنْیَا وَ احْذَرْ أَهْلَهَا فَإِنَّ النَّاسَ فِیهَا عَلَی أَرْبَعَهِ أَصْنَافٍ... وَ عَابِدٌ جَاهِلٌ یَسْتَصْغِرُ مَنْ هُوَ دُونَهُ فِی عِبَادَتِهِ یُحِبُّ أَنْ یُعَظَّمَ وَ یُوَقَّرَ»؛(۴)

۱- ۲۵۹. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۵۶.

۲- ۲۶۰. میزان الحکمه، ج ۸، ص ۲۳۹.

۳- ۲۶۱. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۳۳۸.

۴- ۲۶۲. تحف العقول {مترجم}، ص ۴۲۲.

ای هشام! حذر کن از این دنیا و حذر کن از اهل آن، چرا که مردم در دنیا چهار دسته اند... و یکی از آنها عابد جاهلی است که آنهایی را که عبادتشان از او کمتر است پست و کوچک می شمارد و دوست دارد (که مردم) تعظیم و توقیرش کنند... .

نتیجه این که باید با تقوا و تلاش آفات عبادات خود را شناخت و با توبه و تصمیم، آنها را را طرد و فعل عبادی را پاک و پیراسته از هر عیب و آفت به جا آورد تا به نتایج و ثواب های اخروی و استجابت دعاها رسید، همانگونه که در کشاورزی باید علف های هرز و آفات نباتی را دفع کرد تا به زراعت پرطروات و منفعت رسید چرا که رابطه این جهان و اعمال ما در آخرت و ابدیّت، به کشتزار و فصل کشت و برداشت تعریف و تشبیه شده است و پیامبرصلی الله علیه وآله می فرماید: «اَلـدُّنیا مَزْرِعَهُ الآخِرَهِ؛(۱) دنیا مزرعه آخرت است» و انسان با پاشیدن بذر و غرس درخت عمل در دنیا به محصول مناسب خواهد رسید.

گل کاشتی ثمرت گل می دهد

خار کشتی ثمرت خار دهد

ص:۱۲۸

۱- ۲۶۳. عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۶۷، ح ۶۶؛ میزان الحکمه، شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۲۵.

فصل پانزدهم: اسوه های عبادت

الگوخواهی و الگوپذیری، فطری انسان است و همان گونه که در امور زندگی سراغ متخصصین موفق می رویم، در امور دینی و عبادی هم از عالمان عامل باید پیروی کرد نه تقلید از الگوهای ناآگاه و ناصالح مخصوصاً با ظهور مکاتب فریب گر و عرفان های انحرافی و معنویت گرایی وارداتی، استعماری و شیطانی؛(۱) با این رویکرد روایات را در معرفی اسوه های اصیل و ضرورت تأسی به سیره و روش آنان که برگزیده خدا و در علم و عصمت و پاکی سر آمدند، بررسی می کنیم.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«وَ أَحَبُّ الْعِبَادَ إِلَی اللَّهِ تَعَالَی الْمُتَأَسِّی بِنَبِیِّه»؛(۲)

محبوب ترین بندگان نزد خدا کسی است که به پیامبرش تأسی و اقتدا کند (حدیث عام است و شامل تمام ابعاد

ص:۱۲۹

۱- ۲۶۴. برای جلوگیری از گرایش به اسلام اصیل و ضد استکباری و عدالت محور علوی و برای به تسلیم و تباهی کشاندن نسل نو و غارت ثروت ها، شیاطین شرق و غرب دام ها گسترده اند که باید در مرحله اوّل خود جوانان به هوش باشند و در مرحله بعد والدین و مسؤولان فرهنگی و اجرایی کشور با برنامه ریزی جامع و سعادت ساز بنمایند.

۲- ۲۶۵. نهج البلاغه، خ ۱۶۰، ۲۳.

زندگی مسلمانان می شود که پیامبر سرمشق او باشد و قبل از هر چیز اقتدا و تبعیت از پیامبر در عبادت و بندگی است.)

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا فَأَحْسَنَ خَلْقَنَا وَ صَوَّرَنَا فَأَحْسَنَ صُوَرَنَا وَ جَعَلَنَا عَيْنَهُ فِی عِبَادِهِ وَ لِسَانَهُ النَّاطِقَ فِی خَلْقِهِ وَ يَدَهُ الْمَبْسُوطَهَ عَلَی عِبَادِهِ بِالرَّأْفَهِ وَ الرَّحْمَهِ وَ وَجْهَهُ الَّذِی يُؤْتَی مِنْهُ وَ بَابَهُ الَّذِی يَدُلُّ عَلَيْهِ... وَ بِعِبَادَتِنَا عُبِدَ اللَّهُ وَ لَوْ لَا نَحْنُ مَا عُبِدَ اللَّهُ»؛(۱)

خدای (عزّوجلّ) ما (ائمه علیهم السلام) را آفرید و خلقت ما را نیکو قرار داد و ما را تصویر کرد و زیبا نقش فرمود، پس ما را به منزله چشم خود در میان بندگانش و زبان گویایش در بین مخلوقاتش و دست گسترده رحمت و رأفت خود بر بندگانش و راه ورود و دری که به سوی او راهنمایی می کند، قرار داد... و با عبادت و بندگی ما است که خداوند پرستش می شود و اگر ما نبودیم پروردگار پرستش نمی شد.

امام صادق علیه السلام بعد از بیان برخی شباهت های علی بن الحسین علیهما السلام به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«وَ لَقَدْ دَخَلَ أَبُو جَعْفَرٍعلیه السلام ابْنُهُ عَلَيْهِ فَإِذَا هُوَ قَدْ بَلَغَ مِنَ الْعِبَادَهِ مَا لَمْ

۱- ۲۶۶. بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۱۹۷.

يَبْلُغْهُ أَحَدٌ فَرَآهُ قَدِ اصْفَرَّ لَوْنُهُ مِنَ السَّهَرِ وَ رَمَصَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْبُكَاءِ وَ دَبِرَتْ جَبْهَتُهُ وَ انْخَزَمَ أَنْفُهُ مِنَ السُّجُودِ وَ وَرِمَتْ سَاقَاهُ وَ قَدَمَاهُ مِنَ الْقِيَامِ فِي الصَّلَاةِ وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍعليه السلام فَلَمْ أَمْلِكْ حِينَ رَأَيْتُهُ بِتِلْكَ الْحَالِ الْبُكَاءَ فَبَكَيْتُ رَحْمَةً لَهُ فَإِذَا هُوَ يُفَكِّرُ فَالْتَفَتَ إِلَيَّ بَعْدَ هُنَيْهَةٍ مِنْ دُخُولِي فَقَالَ يَا بُنَيَّ أَعْطِنِي بَعْضَ تِلْكَ الصُّحُفِ الَّتِي فِيهَا عِبَادَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَأَعْطَيْتُهُ فَقَرَأَ فِيهَا شَيْئاً يَسِيراً ثُمَّ تَرَكَهَا مِنْ يَدِهِ تَضَجُّراً وَ قَالَ مَنْ يَقْوَى عَلَى عِبَادَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام»؛(۱)

زمانی امام باقر علیه السلام بر پدرش (علی بن الحسین علیه السلام) وارد شد، در حالی که هیچ فردی از عبادت به اندازه و مقام او نمی رسید، پس پدر بزرگوارش را دید که در اثر شب زنده داری رنگش زرد و چشم هایش را گریه، آزرده و از سجده (های زیاد و طولانی) پیشانی آن حضرت پینه بسته و بینی اش مجروح گردیده است و قدم های او از ایستادن ورم نموده است، امام باقر علیه السلام فرمود: چون پدرم را بدان حال دیدم نتوانستم خودداری کنم و از روی دلسوزی بر او گریستم پس حضرتش در حالی که می اندیشید، روی به من کرد و گفت: فرزندم بعضی از این نوشته ها که عبادت علی بن ابی طالب علیه السلام در آنهاست به من بده، پس تقدیم کردم، مقدار کمی از آنها را خواند و با

۱- ۲۶۷. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۶۸.

ناراحتی کنار گذاشت و فرمود چه کسی توان عبادت علی علیه السلام را دارد!

امام علی علیه السلام می فرماید:

«إِلَهِی مَا عَبَدْتُکَ خَوْفاً مِنْ عِقَابِکَ وَ لَا طَمَعاً فِی ثَوَابِکَ وَ لَکِنْ وَجَدْتُکَ أَهْلًا لِلْعِبَادَهِ فَعَبَدْتُکَ»؛(۱)

پروردگارا تو را به خاطر ترس از دوزخ و به خاطر طمع و توجه به بهشت تو عبادت نکردم لیکن تورا شایسته و سزاوار عبادت یافتم پس پرستش نمودم.

نیز از امام زین العابدین علیه السلام مشابه این حدیث نقل شده است.(۲)

همچنین در زیارتنامه حضرت علی علیه السلام می خوانیم: «وَ اَنْتَ اَحْسَنُ النّاسِ عِبادَهً»؛(۳) و تو بهترین در عبادت هستی (سراسر وجود او و زندگی فردی و اجتماعی اش عبادت بود و اخلاص که گاه از شدت عبادت، بیهوش روی زمین می افتاد)(۴) و به حقّ اوست راستین اسوه عبودیت و بندگی خدای عزّوجلّ! او که ولادتش در خانه خدا (کعبه) بود و در دامن پیامبرصلی الله علیه وآله چشم گشود و پرورش یافت و در خانه خدا (محراب مسجد کوفه) در حال عبادت (عالی ترین نماد عبادت، نماز) شهادتش واقع شد!

۱- ۲۶۸. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۸۶ و ۱۹۷.

۲- ۲۶۹. همان، ج ۷۰، ص ۲۱۰.

۳- ۲۷۰. همان، ج ۹۷، ص ۳۶۷.

۴- ۲۷۱. همان، ج ۸۴، ص ۱۹۴.

هم او که بـا آن مناجات های جانسوز در نیمه های شب و دعای کمیل و... می فرمود: «اَنَا عبـدُ اللّهِ... وَ کَفی لی فَخْرَاً اَنْ اَکُونَ لَکَ عَبْدَاً»؛(۱) او که از نظر کمی و کیفی عابدترین عابدان پس از پیامبرصلی الله علیه وآله بود.

هم او که آن قـدر در عبـودیت حقّ غـوطه ور بـود که خـود موضـوع عبـادت می گرد، و یـاد او و نگـاه به سـیما و سـیره او (و پیروانش) عبادت می شود که قبلاً اشاره شد: «ذِکْرُ عَلِیٍّ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرُ اَلی عَلِیٍّ عِبَادَةٌ».(۲)

۱- ۲۷۲. بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۳۴۰.

۲- ۲۷۳. همان، ج ۱، ص ۲۰۴ و شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۷۱.

فصل شانزدهم: تقصیر در عبادت

بـا توجه به فقر وجودی و ذاتی آدمی و بی نیـازی مطلق پرودگار و این که عبادت نوعی عرض نیاز و تـذلّل و تشـکّر به درگاه خداونـد (برای تقرّب و تکامـل)می باشـد، نبایـد باعث غرور و غفلت گردد که این آفت و نقض غرض و دور شـدن از هـدف عبادت است و لـذا پیشوایان پاک و عالم به حقایق دین و انسان شـناس، دسـتور داده انـد هر چنـد بسـیار هم عبادت می کنیـد، لیکن خود را مقصر در امر پرستش معبود یکتا و نامتناهی بدانید زیرا توان و توفیق عبادت نیز به لطف اوست و در هر حال هیچ کس را قدرت انجام حقّ عبادت او نباشد جز اعتراف به عجز و ناتوانی که این خود فضیلت نفس و پاداش آفرین است.

امام سجادعلیه السلام می فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَداً... وَ لَا يَبْلُغُ مَبْلَغاً مِنْ طَاعَتِكَ وَ إِنِ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقَصِّراً دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ فَأَشْكَرُ عِبَادِكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ، وَ أَعْبَدُهُمْ مُقَصِّرٌ عَنْ طَاعَتِك... وَ كُلٌّ مُقِرٌّ عَلَى نَفْسِهِ

ص:۱۳۵

بِالتَّقْصِيرِ عَمَّا اسْتَوْجَبْت»؛(۱)

خـدایا هر کس هر چه در طاعت تو بکوشـد باز به کمتر از آنچه سـزاوار تو است اکتفا کرده است پس شاکرترین بنـدگانت از سپاس تو عاجز است و عبادت کننده ترین آنان در طاعت و فرمانبرداریت مقصـر می باشد و همه درباره خود اعتراف می کنند که از آنچه سزاوار تو است کوتاهی کرده است.

امام علی علیه السلام در وصف ملائکه می فرماید:

«وَ إِنَّهُمْ عَلَى مَكَانِهِمْ مِنْكَ وَ مَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَكَ وَ اسْتِجْمَاعِ أَهْوَائِهِمْ فِيكَ وَ كَثْرَهِ طَاعَتِهِمْ لَكَ وَ قِلَّهِ غَفْلَتِهِمْ عَنْ أَمْرِكَ لَوْ عَايَنُوا كُنْهَ مَا خَفِيَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ لَحَقَّرُوا أَعْمَالَهُمْ وَ لَزَرَوْا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَعَرَفُوا أَنَّهُمْ لَمْ يَعْبُدُوكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ وَ لَمْ يُطِيعُوكَ حَقَّ طَاعَتِكَ»؛(۲)

آنان (فرشـتگان) با همه مقام و منزلتی که نزد تو دارند و با همه دل خواهشان که منحصر در تو است و تو را تنها دوست دارند و فراوان تـو را اطـاعت می کننـد که انـدک غفلـتی در فرمـان تـو نـدارد، اگر آنچه از تو بر آنـان پوشـیده است مشاهـده کنند (بداننـد) بی گمان اعمال خود را ناچیز شـمارند و خود را سـرزنش نماینـد و پی برنـد که تو را آن چنان که شایسـته عبادت تو است عبادت نکرده اند و ان

ص:۱۳۶

---

۱ - ۲۷۴. صحیفه سجادیه، دعای ۳۷.

۲ - ۲۷۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹.

سان که سزاوار توست فرمانبرداری و اطاعتت ننموده اند.

امام موسی بن جعفرعلیه السلام به برخی فرزندانش فرمود:

«یا بُنی عَلَیْکَ بِالْجِدِّ لَا تُخْرِجَنَّ نَفْسَکَ مِنَ حَدِّ التَّقْصِیرِ فِی عِبَادَهِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ طَاعَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَا یُعْبَدُ حَقَّ عِبَادَتِهِ»؛(۱)

فرزندم! تلاش کن خود را از مرز تقصیر در عبادت پروردگار و طاعت حقّ بیرون ندانی چرا که خداوند متعال آن گونه که سزاوار است عبادت نمی شود.

امام موسی بن جعفرعلیه السلام می فرماید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِی مِنَ الْمُعَارِینَ وَ لَا تُخْرِجْنِی مِنَ التَّقْصِیرِ قَالَ قُلْتُ أَمَّا الْمُعَارُونَ فَقَدْ عَرَفْتُ أَنَّ الرَّجُلَ یُعَارُ الدِّینَ ثُمَّ یَخْرُجُ مِنْهُ فَمَا مَعْنَی لَا تُخْرِجْنِی مِنَ التَّقْصِیرِ فَقَالَ کُلُّ عَمَلٍ تُرِیدُ بِهِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَکُنْ فِیهِ مُقَصِّراً عِنْدَ نَفْسِکَ فَإِنَّ النَّاسَ کُلَّهُمْ فِی أَعْمَالِهِمْ فِیمَا بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ اللَّهِ مُقَصِّرُونَ إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ»؛(۲)

بسیار بگو خدایا مرا از عاریه داران قرار مده و از حد تقصیر بیرونم مبر، راوی می گوید: عرض کردم: معنای عاریه داران را می دانم که مردی دِیْن را به طوری عاریه می گیرد و سپس از آن خارج می شود اما معنای «از حدّ تقصیر بیرونم مبر» چیست؟ حضرت فرمود، هر کاری که برای خدا انجام می دهی خود را در آن مقصر بدان، زیرا

۱- ۲۷۶. اصول کافی، ج ۲، ص ۷۲.

۲- ۲۷۷. اصول کافی، ج ۲، ص ۷۳.

همه مردم در اعمالی که برای خدا انجام می دهند مقصر هستند مگر آن که خدای (عزّو جلّ) عصمتش دهد و نگهش دارد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«جَعَلَ حَقَّهُ عَلی العباد اَنْ یَطیعُوه... فَلَیسَ اَحَدٌ (وإِنِ اشْتَدَّ عَلَی رِضَا اللَّهِ حِرْصُهُ وَ طَالَ فِی الْعَمَلِ اجْتِهَادُهُ) بِبَالِغٍ ما اللَّهُ سُبحانَهُ اَهلَهُ مِنْ الطاعَهِ له...»؛(۱)

خداونـد حقّ خود را بر بنـدگان اطاعت خویش قرار داد.... گرچه هیـچ کس نمی توانـد حقّ اطاعت خداونـدی را چنانکه باید بگزارد (هر چند در به دست آوردن رضای خدا حریص باشد و در کار بندگی خدا بکوشد).

از امام باقرعلیه السلام نقل شده است: رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: خداوند متعال می فرماید:

«لا یتکل العامِلون عَلی اَعمالِهِم التی یَعلمُون بها لِثَوابِی فاِنَّهُم لَوْ اجْتَهدُوا وَ أَتْعَبُوا اَنفُسَهُم اَعمارَهُم فِی عِبادَتِی کانُوا مُقصّرین غیر بالغین فی عبادتهم کنْه عبادتی... »؛(۲)

عمل کننـدگان بر اعمالی که به خاطر پاداش و ثواب من انجام می دهنـد، اعتماد نکننـد چرا که اینان هر چنـد کوشـش کنند و جان و عمرشان را در عبادت من به رنج افکنند باز

ص:۱۳۸

۱- ۲۷۸. نهج البلاغه، خطبه ۲۹۶.

۲- ۲۷۹. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۲۸.

هم کوتاهی کرده و به کنه عبادت من نمی رسند... .

از امام باقرعلیه السلام روایت شده است: رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: خداوند متعال می فرماید:

«إِنَّ مِنْ عِبَادِیَ الْمُؤْمِنِینَ عِباداً لَا یَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرُ دِینِهِمْ إِلَّا بِالْغِنَی وَ السَّعَهِ وَ الصِّحَّهِ فِی الْبَدَنِ فَأَبْلُوهُمْ بِالْغِنَی وَ السَّعَهِ وَ صِحَّهِ الْبَدَنِ فَیُصْلِحُ عَلَیْهِمْ أَمْرَ دِینِهِمْ وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِیَ الْمُؤْمِنِینَ لَعِبَاداً لَا یَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرُ دِینِهِمْ إِلَّا بِالْفَاقَهِ وَ الْمَسْکَنَهِ وَ السُّقْمِ فِی أَبْدَانِهِمْ فَأَبْلُوهُمْ بِالْفَاقَهِ وَ الْمَسْکَنَهِ وَ السُّقْمِ فَیُصْلِحُ عَلَیْهِمْ أَمْرَ دِینِهِمْ وَ أَنَا أَعْلَمُ بِمَا یَصْلُحُ عَلَیْهِ أَمْرُ دِینِ عِبَادِیَ الْمُؤْمِنِینَ وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِیَ الْمُؤْمِنِینَ لَمَنْ یَجْتَهِدُ فِی عِبَادَتِی فَیَقُومُ مِنْ رُقَادِهِ وَ لَذِیذِ وِسَادِهِ فَیَتَهَجَّدُ لِیَ اللَّیَالِیَ فَیُتْعِبُ نَفْسَهُ فِی عِبَادَتِی فَأَضْرِبُهُ بِالنُّعَاسِ اللَّیْلَهَ وَ اللَّیْلَتَیْنِ نَظَراً مِنِّی لَهُ وَ إِبْقَاءً عَلَیْهِ فَیَنَامُ حَتَّی یُصْبِحَ فَیَقُومُ وَ هُوَ مَاقِتٌ لِنَفْسِهِ زَارِئٌ عَلَیْهَا وَ لَوْ أُخَلِّی بَیْنَهُ وَ بَیْنَ مَا یُرِیدُ مِنْ عِبَادَتِی لَدَخَلَهُ الْعُجْبُ مِنْ ذَلِکَ فَیُصَیِّرُهُ الْعُجْبُ إِلَی الْفِتْنَهِ بِأَعْمَالِهِ فَیَأْتِیهِ مِنْ ذَلِکَ مَا فِیهِ هَلَاکُهُ لِعُجْبِهِ بِأَعْمَالِهِ وَ رِضَاهُ عَنْ نَفْسِهِ حَتَّی یَظُنَّ أَنَّهُ قَدْ فَاقَ الْعَابِدِینَ وَ جَازَ فِی عِبَادَتِهِ حَدَّ التَّقْصِیرِ فَیَتَبَاعَدُ مِنِّی عِنْدَ ذَلِکَ وَ هُوَ یَظُنُّ أَنَّهُ یَتَقَرَّبُ إِلَیَّ فَلَا یَتَّکِلِ الْعَامِلُونَ عَلَی أَعْمَالِهِمُ الَّتِی یَعْمَلُونَهَا لِثَوَابِی فَإِنَّهُمْ لَوِ اجْتَهَدُوا وَ أَتْعَبُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَفْنَوْا أَعْمَارَهُمْ فِی عِبَادَتِی کَانُوا مُقَصِّرِینَ غَیْرَ بَالِغِینَ فِی عِبَادَتِهِمْ کُنْهَ عِبَادَتِی فِیمَا یَطْلُبُونَ عِنْدِی مِنْ کَرَامَتِی وَ النَّعِیمِ فِی جَنَّاتِی وَ رَفِیعِ دَرَجَاتِیَ الْعُلَی فِی جِوَارِی وَ لَکِنْ فَبِرَحْمَتِی فَلْیَثِقُوا وَ بِفَضْلِی فَلْیَفْرَحُوا وَ إِلَی حُسْنِ الظَّنِّ بِی

ص:۱۳۹

فَلْيَطْمَئِنُّوا فَإِنَّ رَحْمَتِی عِنْدَ ذَلِکَ تَدَارَکُهُمْ وَ مَنِّی یُبَلِّغُهُمْ رِضْوَانِی وَ مَغْفِرَتِی تُلْبِسُهُمْ عَفْوِی فَإِنِّی أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ وَ بِذَلِکَ تَسَمَّیْتُ»؛(۱)

اصلاح نمی کند امر دین برخی بندگان مؤمن مرا مگر ثروت، وسعت و صحت بدن. پس آنها را آزمایش می کنم با ثروت، وسعت و صحت بدن پس امر دینشان اصلاح می شود، و برخی بندگانم امر دین شان اصلاح نمی گردد مگر به فقر، مسکنت و مرض در بدن هایشان، پس آنها را با فقر، مسکنت و مرض آزمایش می کنم پس امر دینشان اصلاح می شود. و من داناترم به آنچه امر دین بندگان مؤمنم را اصلاح می کند. و همانا از بندگان مؤمنم کسی است که در عبادت من کوشش می کند و از خواب شب و بستر لذیذ استراحت بپا می خیزد و در دل شب ها به تهجّد مشغول شده و در عبادت من خود را به رنج می اندازد. پس یک شب، دو شب خواب را بر او مسلط می کنم از روی لطف و به خاطر حفظ او، در نتیجه تا صبح می خوابد و چون بیدار می شود خود را مذمت نموده و مؤاخذه می کند و اگر بین او و آنچه از عبادت من می خواهد آزاد بگذارم از این جهت عُجب و (به خود

۱- ۲۸۰. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱.

بالیدن) در او پیدا می شود و خودپسندی او را به تباهی اعمالش می کشاند و آنچه موجب هلاکت اوست بر وی وارد می شود به خاطر عُجب او نسبت به اعمالش و رضایت او از خودش، تا این که گمان می کند بر عبادت کنندگان برتری پیدا کرده و از حدّ و مرز تقصیر گذشته است، پس در این هنگام از من دور می شود در حالی که می پندارد به من نزدیک شده است. پس عمل کنندگان بر اعمالی که به خاطر پاداش من انجام می دهند، زیاد دل نبندند و اعتماد نکنند، برای این که اگر آنها جدّیت کنند و خود را به زحمت بیندازند و عمر خودشان را در عبادت من صرف کنند باز هم کوتاهی کرده و به کنه عبادت من نمی رسند در آنچه می طلبند از کرامت من و نعمت های بهشت هایم و درجات رفیع و بلند در جوار من؛ لیکن به رحمت من اعتماد کنند و به فضل من خشنود باشند و به حسن ظن من اطمینان کنند برای این که رحمت من در این هنگام آنها را می پوشاند چرا که من خداوند رحمان و رحیم (بخشنده و مهربان) هستم و به این (اسم ها) نامیده شده ام.

ص:۱۴۱

فصل هفدهم: بهترین عبادت

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«خَیرُ الْعِبادَهِ اَخفیها»؛(۱)

بهترین عبادت مخفی ترین آن است.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«خَیرُ الْعِبادَهِ قَولُ لا اِلهَ اِلّا اللَّهُ»؛(۲)

بهترین عبادت ذکر «لا اله الّا اللّه» است.

امام صادق علیه السلام: رسول خدا فرمود:

«اَلْاِسْتِغْفارُ وَ قَولُ «لا اِلهَ الّا اللَّهُ» خَیرُ الْعِبادَهِ»؛(۳)

استغفار و ذکر «لا اله الّا اللّه» بهترین عبادت است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«اَلتَّفَکُّرُ فِی آلاءِ اللَّهِ نِعْمَ الْعِبادَهِ»؛(۴)

۱- ۲۸۱. نهج الفصاحه، ح ۱۹۴۲.
۲- ۲۸۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۶ و ۵۱۷.
۳- ۲۸۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۵.
۴- ۲۸۴. غرر الحکم، ص ۵۶، ح ۵۳۴.

اندیشه در نعمت های خداوند چه عبادت خوبی است.

«اَعْلی الْعِبادَهِ اِخْلاصُ الْعَمَلِ»؛(۱)

عالی ترین عبادت، خالص نمودن عمل است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«خَیْرُ الْعِباداتِ اَقْرَبُها بِالاَمْنِ وَ اَخْلَصَها مِنَ الافاتِ وَ اَدْوَمُها و اِن قَلّ...»؛(۲)

بهترین عبادت ها نزدیک ترین آنها به آسایش (خاطر) و خالص ترین آنها از آفت ها و مداوم ترین آنها است اگر چه اندک باشد.

۱- ۲۸۵. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۱.

۲- ۲۸۶. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۱۶.

فصل هجدهم: عبادت کنندگان حقیقی

در حدیث معراج آمده است:

«یَا أَحْمَدُ هَلْ تَدْرِی مَتَی یَکُونُ [لِیَ الْعَبْدُ عَابِداً قَالَ لَا یَا رَبِّ قَالَ إِذَا اجْتَمَعَ فِیهِ سَبْعُ خِصَالٍ وَرَعٌ یَحْجُزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ وَ صَمْتٌ یَکُفُّهُ عَمَّا لَا یَعْنِیهِ وَ خَوْفٌ یَزْدَادُ فِی کُلِّ یَوْمٍ مِنْ بُکَائِهِ وَ حَیَاءٌ یَسْتَحِی مِنِّی فِی الْخَلَاءِ وَ أَکْلُ مَا لَابُدَّ مِنْهُ وَ یُبْغِضُ الدُّنْیَا لِبُغْضِی لَهَا وَ یُحِبُّ الْأَخْیَارَ لِحُبِّی لَهُم»؛(۱)

ای احمد (خطاب به پیامبرصلی الله علیه وآله) آیا می دانی بنده چه وقت مرا بندگی می کند؟ گفت نه ای پروردگارم فرمود: هر گاه هفت خصلت در او فراهم آید، پارسایی و ورعی که مانع او از حرام ها گردد و سکوتی که او را از سخنان بیهوده باز دارد و ترسی که هر روز بر گریه او بیفزاید و شرم و حیایی که در خلوت و تنهایی از من داشته باشد و خوردن (حلال) به اندازه ضرورت و دنیا را ناخوش دارد همانند من که آن را خوش ندارم و نیکان را دوست بدارد چون من آنان را دوست می دارم.

ص:۱۴۵

۱- ۲۸۷. ارشاد القلوب، ۲۰۵، میزان الحکمه، العباده

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید:

«اعْبُدِ اللَّهَ کَأَنَّکَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَکُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ یَرَاکَ»؛(۱)

خدا را چنان عبادت کن که گویی او را می بینی، زیرا اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.

«اُعْبُدُ اللَّهَ وَ لا تُشْرِکْ بِهِ شَیْئاً وَ اعْمَلْ للَّهِ کَاَنَّکَ تَراهُ»؛(۲)

خدا را تنها عبادت و بندگی کن و هیچ چیز را شریک او مگردان و برای خدا چنان کار کن که گویی او را می بینی.

امام سجادعلیه السلام می فرماید:

«مَنْ عَمِلَ بِما فَرَضَ اللَّهُ عَلَیهِ فَهُوَ مِنْ خَیرِ النَّاسِ وَ مَن اجْتَنَبَ ما حَرَمَ اللَّهُ عَلَیْهِ فَهُوَ مِنْ أَعْبَد النّاسِ وَ مِنْ اَورَعِ النّاسِ ...»؛(۳)

کسی که کارهای واجب را انجام دهد، از بهترین مردم است و آن که از محرمات دوری کند، از عابدترین و پارساترین انسان هاست... .

علی علیه السلام می فرماید:

«أَقْرَبُ الْعِبادِ إِلَی اللَّهِ تَعالی أَقْولُهُمْ لِلْحَقِّ وَ إِنْ کانَ علَیهِ وَ أَعْمِلْهُمْ بِالْحَقِّ وَ إِنْ کانَ فیهِ کَرهه»؛(۴)

نزدیک ترین بندگان به سوی خدا (بلند مرتبه) حقّ گوترین آنان است، هر چند به زیان او باشد و به حقّ عمل کننده ترین آنهاست، هر

۱- ۲۸۸. کنز العمال، ۵۲۵۰.

۲- ۲۸۹. همان، ۵۲۵۲.

۳- ۲۹۰. امالی مفید، ص ۲۰۴، مجلس ۲۳.

۴- ۲۹۱. غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۶۵.

چند در آن رنج و مشقت و خوش نداشته باشد.

امام باقر علیه السلام از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل می کند که از آن حضرت سوال شد، بندگان برتر چه کسانی هستند؟ فرمود:

«الَّذِینَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبْشَرُوا وَ إِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا وَ إِذَا أُعْطُوا شَکَرُوا وَ إِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا وَ إِذَا غَضِبُوا غَفَرُوا»؛(۱)

آنان که وقتی نیکی کنند، شادمان شوند و هنگامی کار زشتی انجام دهند استغفار و توبه کنند و آنگاه که چیزی به آنان بخشیده شود شکر گزارند و در برابر گرفتاری و آزمون ها شکیبایند و در هنگامی که خشم نمایند، می بخشند.

امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید:

«أَفْضَلُ مَا تَقَرَّبَ بِهِ الْعَبْدُ إِلَی اللَّهِ بَعْدَ الْمَعْرِفَهِ بِهِ الصَّلَاهُ وَ بِرُّ الْوَالِدَیْنِ وَ تَرْکُ الْحَسَدِ وَ الْعُجْبِ وَ الْفَخْرِ»؛(۲)

برترین چیزی که باعث نزدیکی بنده به خدا می شود بعد از معرفت به او عبادتست از: نماز و نیکی به پدر و مادر و ترک کردن حسد و خود پسندی و فخر نمودن.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَیْهِ عَبْداً أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَی نَفْسِهِ فَاسْتَشْعَرَ الْحُزْنَ وَ تَجَلْبَبَ الْخَوْفَ... فَهُوَ مِنْ مَعَادِنِ دِینِهِ وَ أَوْتَادِ أَرْضِهِ قَدْ أَلْزَمَ نَفْسَهُ الْعَدْلَ فَکَانَ

۱- ۲۹۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸۰، کافی، ج ۲، ص ۲۴۰.

۲- ۲۹۳. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۴۴.

أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْیُ الْهَوَی عَنْ نَفْسِه»؛(۱)

از محبوب ترین بنـدگان نزد خداونـد بنـده ای است که او را در پیکار با نفس یاری رسانـده پس جامه زیرین او انـدوه و لباس روئینی او ترس از خـداست... چنین کسـی از گنجینه هـای دین خـدا و ارکان زمین است خود را به عـدالت واداشـته و نخستین گام عادل بودن او آنکه، هوای نفس را از خود رانده و دور کرده است.

جبرئیل علیه السلام به پیامبرصلی الله علیه وآله می گوید:

«یـا مُحَمَّدُ صـلی الله علیه وآله: لَوْ کـانَتْ عَبادَتُنـا عَلی وجهه الاَرضَ لَعملنا ثَلاثُ خصالٍ سَـقَی الماء لَلْمُسـلمینَ وَ اِغاثَهُ اَصـحابِ العیالِ وَ سِتْرُ الذُّنُوب»؛(۲)

ای محمّـد! اگر بنـا بود مـا روی زمین عبـادت کنیم، سه کار می کردیم، آب دادن و آب رسانی به مسـلمانان، کمک به مردان عیال وار و پوشاندن گناهان (عیب پوشی و ترک گناه)

حضرت عیسی علیه السلام به شخصی فرمود:

«لِرَجُلٍ ما تَصْنَعُ؟ قالَ: اَتَعَبُّد؟ قال: فَمَنْ یَعُولُ عَلَیکَ؟ قالَ: اَخی قال: اَخُوکَ اَعْبَدُ مِنْکَ»؛(۳)

چه می کنی؟ گفت: عبـادت پیشه کرده ام، حضـرت پرسـید: چه کسـی مخـارج زنـدگی تو را تـأمین می کنـد؟ گفت: برادرم، مسیح علیه السلام فرمود، برادرت از تو عابدتر است.

ص:۱۴۸

۱- ۲۹۴. نهج البلاغه، خطبه ۸۷.

۲- ۲۹۵. تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۳۹.

۳- ۲۹۶. همان، ص ۶۵.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اَعْبَدَ النَّاس مَنْ اَقامَ الْفَرائِضَ»؛(1)

عابدترین مردم کسی است که واجبات و فرائض را به پا دارد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«فَاعْلَمْ أَنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ عَادِلٌ هُدِیَ وَ هَدَی فَأَقَامَ سُنَّهً مَعْلُومَهً وَ أَمَاتَ بِدْعَهً مَجْهُولَهً»؛(2)

پس بدان که برترین بندگان (عابدترین بندگان) نزد او پیشوای دادگری است که خود هدایت شده و دیگران را به راه راست رهنمون گردد، سنت شناخته شده را بر پا دارد و بدعت ناشناخته را بمیراند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید:

«اَلْعَبْدُ الْمُطیعُ لِوالِدَیهِ وَ لِرَبِّهِ فی اَعْلی عِلیّین»؛(3)

بنده ای که مطیع پدر و مادرش و پروردگارش باشد در اعلا علیین (برترین مقام بهشت) خواهد بود.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«قال لی النبی صلی الله علیه وآله: «کُنْ وَرِعاً تَکُنْ أَعْبَدَ النَّاسِ وَ کُن قَنِعاً تَکُنْ اَشْکُرُ النّاس...»»؛(4)

با تقوا و پرهیزکار باش تا عابدترین مردمان باشی، و قانع باش تا شکرگزارترین افراد باشی و... .

ص:149

1- ۲۹۷. الخصال، ج ۱۶، ص ۵۶، به نقل از میزان الحکمه.

2- ۲۹۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۴.

3- ۲۹۹. نهج الفصاحه، ۲۰۰۴.

4- ۳۰۰. همان، ص ۲۱۸۷.

و همچنین فرمود:

«اَلْبُكاءُ مِنْ خيفَهِ اللَّهِ لِلْبُعْدِ عَنِ اللَّهِ عِبادَهُ الْعارِفينَ(۱) وَ الْجُودُ فِی اللَّهِ عِبادَهِ الْمُقَرَّبينَ»؛(۲)

گریه از ترس خدا بخاطر دوری از خدا (برای اظهار تذلّل و گناهی که مرتکب شده) عبادت و پرستش عارفان (معرفت یافتگان به خدا) است و جود و بخشندگی (با جان و مال و ایثار) در راه خدا عبادت تقرّب یافتگان است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله در روایاتی می فرماید:

«ما تَقَرَّبَ الْعَبدُ اِلی اللَّهِ بِشی ءٍ اَفْضَلُ مِنْ سُجُودٍ خَفی»؛(۳) هیچ بنده ای به چیزی بهتر از سجده نهان به خدا تقرب نجوید.

«اَحَبُّ عِبادِ اللَّهِ اِلَی اللَّهِ اَحْسَنُهُمْ خُلْقاً»؛(۴)

بهترین بندگان در پیشگاه خداوند بنده ای است که خلق و خویش نیکوتر باشد.

«اَحَبُّ عِبادُ اللَّهِ اِلَی اللَّهِ اَنْفَعُهُم لِعِبادَه»؛(۵)

از محبوترین بندگان نزد خدا آن کسی است که برای بندگانش سودمندتر باشد.

۱- ۳۰۱. غرر الحکم، ج ۲، ص ۳۲، ح ۱۷۸۴.

۲- ۳۰۲. همان، ج ۲، ص ۷.

۳- ۳۰۳. نهج الفصاحه، ص ۸۴.

۴- ۳۰۴. کنزل العمال، ج ۳، ص ۳.

۵- ۳۰۵. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۰۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۹۰؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۷۵.

«اَحَبُّ عِبادِ اللَّهِ اِلَی اللَّهِ اَلاَتْقِیاءِ الاَخْفِیاء»؛(۱) محبوب ترین بندگان پیش خداوند پرهیزکاران گمنامند.

«ما زانَ اللَّهُ الْعِباد بِزینَهِ اَفضلُ مِن زِهادِهِ فِی الدُّنیا وَ عِفافٍ فی بَطنِهِ وَ فِرجِهِ»؛(۲)

خداوند به بندگان زیوری برتر از بی رغبتی به دنیا و عفت شکم و شهوت نداده است.

امام علی:

«اَحَبُّ الْعِبادِهِ اَلَی اللَّه اَطْوَعُهُمْ لَهُ»؛(۳)

دوست ترین بندگان نزد خدا فرمانبردارترین آنان نسبت به اوست.

۱- ۳۰۶. التحصین، ص ۲۶.

۲- ۳۰۷. کنزالعمال، ج ۳، ص ۱۹۶.

۳- ۳۰۸. غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۳۱۵۳.

فصل نوزدهم: عبادت و ولایت

عبادت و اعمال باید از مسیر اعتقاد به ولایت اهل بیت پیامبرعلیهم السلام (تالی قرآن طبق حدیث ثقلین) قبول حقّ قرار گیرد، چرا که طبق روایات سنی و شیعه، حجّت و جانشین خدا و مظهر صفات و برترین بندگان خالص خدا و صراط و سبیل حقّ، اسوه های علم و عظمت بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله عترت اوعلیهم السلام می باشند. و کتاب و سنّت بر مودت آنان،(۱) تأکید دارد.

ابوحمزه ثمالی می گوید: امام زین العابدین علیه السلام از ما پرسید:

«أَیُّ الْبِقَاعِ أَفْضَلُ فَقُلْنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ ابْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ فَقَالَ أَمَّا أَفْضَلُ الْبِقَاعِ مَا بَیْنَ الرُّکْنِ وَ الْمَقَامِ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا عُمِّرَ مَا عُمِّرَ نُوحٌ علیه السلام فِی قَوْمِهِ أَلْفَ سَنَهٍ إِلَّا خَمْسِینَ عَاماً یَصُومُ النَّهَارَ وَ یَقُومُ اللَّیْلَ فِی ذَلِکَ الْمَکَانِ ثُمَّ لَقِیَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِغَیْرِ وَلَایَتِنَا لَمْ یَنْفَعْهُ ذَلِکَ شَیْئاً»؛(۲)

کدامین بقعه ها برتر و با فضیلت تر است؟ گفتیم: خدا و رسولش و فرزند پیامبرش علیهم السلام بهتر می دانند، پس فرمود: برترین بقعه ها

۱- ۳۰۹. شوری: ۲۳.

۲- ۳۱۰. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۳.

و مکان ها ما بین رکن و مقام (در مسجد الحرام) می باشد و اگر شخصی به اندازه عمر نوح در قومش، یعنی ۹۵۰ سال عمر کند در حالی که روز را روزه دار و شب را با عبادت و قیام در آنجا به سر برد سپس به دیدار حقّ رود و بمیرد بدون داشتن ولایت ما خاندان این عبادت او را سودی نبخشد.

محمّد بن مسلم از امام باقرعلیه السلام نقل می کند:

«كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهَ بِعِبَادَةٍ يُجْهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعْيُهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ وَ هُوَ ضَالٌّ مُتَحَيِّرٌ وَ اللَّهُ شَانِئٌ لِأَعْمَالِهِ وَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ شَاةٍ ضَلَّت... وَ اعْلَمْ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ أَئِمَّةَ الْجَوْرِ وَ أَتْبَاعَهُمْ لَمَعْزُولُونَ عَنْ دِينِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَ أَضَلُّوا فَأَعْمَالُهُمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْ ءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ»؛(۱)

هر کسی به خدا نزدیک شود با عبادت پر رنج، بدون داشتن امام و پیشوای خدایی، پس تلاش او مورد قبول نبوده و او گمراه و سرگردان است و خدا نسبت به اعمال او غصبناک می باشد... و بدان ای محمّد (ابن مسلم) رهبران جور و پیروانشان از دین خدا دورند، چرا که هم خود گمراه شده هم دیگران را گمراه کرده اند، پس اعمالی که آنها انجام می دهند هم چون خاکستری است که در یک روز طوفانی تند بادی بر آن بوزد و چیزی از اعمال و نتیجه تلاش خود نمی یابند و این همان گمراهی بعید است.

۱- ۳۱۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۰.

جابر از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل می کند که ایشان فرمود:

«الْزَمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَیْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِیَ اللَّهَ وَ هُوَ یَوَدُّنَا أَهْلَ الْبَیْتِ دَخَلَ الْجَنَّهَ بِشَفَاعَتِنَا وَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ لَا یَنْتَفِعُ عَبْدٌ بِعَمَلِهِ إِلَّا بِمَعْرِفَهِ حَقِّنَا»؛(۱)

ای جابر! پیوسته ملازم دوستی و ولایت ما اهل بیت باشید؛ زیرا آنکه خداوند را ملاقات کند در حالیکه ما او را دوست بدارد با متابعت ما وارد شود، سوگند به آنکه جان محمّد در دست اوست، عمل هیچ بنده ای سودمند نیفتد مگر به وسیله معرفت و شناخت حقّ ما.

امام باقرعلیه السلام می فرماید:

«إِنَّ مَنْ دَانَ اللَّهَ بِعِبَادَهٍ یُجْهِدُ فِیهَا نَفْسَهُ بِلَا إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنَّ سَعْیَهُ غَیْرُ مَقْبُولٍ وَ هُوَ ضَالٌّ مُتَحَیِّرٌ وَ مَثَلُهُ کَمَثَلِ شَاهٍ ضَلَّتْ عَنْ رَاعِیهَا وَ قَطِیعِهَا فَتَاهَتْ ذَاهِبَهً وَ جَائِیَهً یَوْمَهَا فَلَمَّا أَنْ جَنَّهَا اللَّیْلُ بَصُرَتْ بِقَطِیعِ غَنَمٍ مَعَ رَاعِیهَا فَجَاءَتْ إِلَیْهَا فَبَاتَتْ مَعَهَا فِی رَبَضَتِهَا فَلَمَّا أَنْ سَاقَ الرَّاعِی قَطِیعَهُ أَنْکَرَتْ رَاعِیَهَا وَ قَطِیعَهَا فَهَجَمَتْ مُتَحَیِّرَهً تَطْلُبُ رَاعِیَهَا وَ قَطِیعَهَا فَبَصُرَتْ بِسَرْحِ قَطِیعِ غَنَمٍ آخَرَ فَعَمَدَتْ نَحْوَهَا وَ حَنَّتْ إِلَیْهَا فَصَاحَ بِهَا الرَّاعِی الْحَقِی بِقَطِیعِکِ فَإِنَّکِ تَائِهَهٌ مُتَحَیِّرَهٌ قَدْ ضَلَلْتِ عَنْ رَاعِیکِ وَ قَطِیعِکِ فَهَجَمَتْ ذَعِرَهً مُتَحَیِّرَهً لَا رَاعِیَ لَهَا یُرْشِدُهَا إِلَی مَرْعَاهَا أَوْ یَرُدُّهَا فَبَیْنَا هِیَ کَذَلِکَ إِذَا اغْتَنَمَ الذِّئْبُ ضَیْعَتَهَا فَأَکَلَهَا وَ هَکَذَا یَا مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ مَنْ أَصْبَحَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّهِ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ عَادِلٌ أَصْبَحَ تَائِهاً

۱ – ۳۱۲. ینابع الموده، ج ۲، ص ۲۷۲، به نقل از موسوعه الامامه فی نصوص اهل السنه، ج ۵، ص ۱۳۷ و احقاق الحق، ج ۹، ص ۴۲۸.

مُتَحَيِّراً إِنْ مَاتَ عَلَى حَالِهِ تِلْکَ مَاتَ مِیتَهَ کُفْرٍ وَ نِفَاقٍ»؛(۱)

کسی که بخواهد با ریاضت نفس و بدون پذیرش امام عادل از جانب خداوند عبادت کند و به خدا نزدیک شود، کوشش او پذیرفته نبوده و گمراه و سرگردان است. و مثل او همانند گوسفندی است که چوپان و گله خود را گم کرده و سرگردان و گرسنه روزش را سپری کند، پس آنگاه که شب فرا رسد، گله گوسفندی را با چوپانش ببیند و به سوی آن رود، شب را با آنها صبح کند اما وقتی چوپان گله خود را روانه سازد، چوپان و گله اش نزد او ناآشنا آید و سرگردان شود در حالیکه چوپان و گله خود را می جوید.

پس گله دیگری را بنگرد و قصد رفتن به سوی آن کند در این هنگام چوپان فریاد زند، به گله خودت ملحق شود که تو سرگردان و متحیری و چوپان و گله خود را گم کرده ای، پس وحشت و حیرت او را فراگیرد، نه چوپانی دارد که چرا گاه را به او نشان دهد یا او را به (مکان اصلی اش) باز گرداند، در شرایطی که او چنین (سرگردان) است گرگی فرصت را غنیمت شمرده او را دریده و می خورد.

و این چنین است حکایت کسی که (از این امت) صبح کند در حالیکه امام عادل خدایی ندارد، سرگردان و متحیّر صبح کرده است و اگر در این وضع بمیرد بر کفر و نفاق مرده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

۱- ۳۱۳. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۸۶.

«سُعِدَ مَنْ أَطَاعَکَ وَ شَقِیَ مَنْ عَصَاکَ وَ رَبِحَ مَنْ تَوَلَّاکَ وَ خَسِرَ مَنْ عَادَاکَ وَ فَازَ مَنْ لَزِمَکَ وَ هَلَکَ مَنْ فَارَقَکَ مَثَلُکَ وَ مَثَلُ الْأَئِمَّهِ مِنْ وُلْدِکَ بَعْدِی مَثَلُ سَفِینَهِ نُوحٍ مَنْ رَکِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَ مَثَلُکُمْ مَثَلُ النُّجُومِ کُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ»؛(۱)

کسی که تو را اطاعت کند سعادتمند شود و آنکه تو را نافرمانی نماید، بدبخت شود آنکه ولایت تو را پذیرد، سود برد و آنکه با تو مخالفت کند، زیان بیند، آنکه ملازم و همراه تو شد، رستگار گردد و آنکه از تو جدا شود به هلاکت رسد، مثل تو و مثل امامان از فرزندان تو بعد از من همانند کشتی نوح است. آن کس که بر آن سوار شد، نجات یافت و آنکه سرباز زد غرق شد و مثل شما همانند ستارگان است، هر گاه ستاره ای غروب کند ستاره ای دیگر طلوع می کند تا روز قیامت.

در کتاب «فقه الرضاعلیه السلام» آمده است:

«لَا تَدَعُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَ الِاجْتِهَادَ فِی الْعِبَادَهِ اتِّکَالاً عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍعلیهم السلام لَا تَدَعُوا حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام وَ التَّسْلِیمَ لِأَمْرِهِمْ اتِّکَالاً عَلَی الْعِبَادَهِ فَإِنَّهُ لَا یُقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرِ»؛(۲)

امام رضاعلیه السلام فرمود: هرگز عمل صالح و کوشش در عبادت را به جهت اعتماد به دوستی آل محمّد صلی الله علیه وآله ترک نکنید و محبّت آل محمّدصلی الله علیه وآله و تسلیم امر و ولایت آنان را به اتکاء عبادت وامگذارید زیرا

ص:۱۵۷

۱- ۳۱۴. ینابیع الموده، ص ۲۸.

۲- ۳۱۵. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۷.

هیچ کدام از آندو (عبادت و محبّت) بدون دیگری قبول و پذیرفته نمی باشد.

امام حسین علیه السلام می فرماید:

زاهد عابدی که برتری علی علیه السلام را بعد از پیغمبر صلی الله علیه وآله به همه خلق انکار کند، همانند شعله آتشی در روز تند باد می شود و تمام اعمال او همچون گیاهان (خشکیده) می گردد اگر چه صحراها از آنها آکنده شود، آن آتشی در گیاهان شعله افکند و همه را فراگیرد و چیزی باقی نگذارد.

جابر می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله روزی در جمع مهاجر و انصار فرمود: «ای علی اگر فردی (بر فرض اینکه) حقّ عبادت پروردگار بجای آورد لیکن درباره ولایت) تو و اهل بیتت تردید داشته باشد (و اینکه شما برترین مردمان هستید) در دوزخ خواهد بود.

در حدیث عمار و معاذ و عایشه از رسول خدا صلی الله علیه وآله آمده است:

«اَلنَّظَرُ اِلی عِلی بنِ اَبیطالب عِبادَه وَ ذِکْرُهُ عِبادَه وَ لایُقبلُ الایمان اِلاّ بِولایتِهِ وَ الْبرائَه مِنْ اَعْدائِهِ»؛(۱)

نگاه کردن به علی بن ابی طالب علیه السلام و نیز ذکر و یاد او عبادت می باشد و ایمان بدون ولایت او و برائت از دشمنان او پذیرفته نیست (یعنی اطاعت از الگوی جامع و جمیل نمودن و از بدان و بدی ها دوری جستن).

آری به علی علیه السلام باید اقتدا کرد که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

ص:۱۵۸

۱- ۳۱۶. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۰۲.

«قَالَ لِی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله ادْعُ لِی سَیِّدَ الْعَرَبِ یَعْنِی عَلِیّاً فَقَالَتْ عَائِشَهُ أَلَسْتَ سَیِّدَ الْعَرَبِ قَالَ أَنَا سَیِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ عَلِیٌّ سَیِّدُ الْعَرَبِ فَلَمَّا جَاءَهُ أَرْسَلَ إِلَی الْأَنْصَارِ فَأَتَوْهُ فَقَالَ لَهُمْ یَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ أَ لَا أَدُلُّکُمْ عَلَی مَا إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ أَبَداً قَالُوا بَلَی یَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ هَذَا عَلِیٌّ فَأَحِبُّوهُ بِحُبِّی وَ أَکْرِمُوهُ بِکَرَامَتِی فَإِنَّ جَبْرَئِیلَ علیه السلام أَمَرَنِی بِالَّذِی قُلْتُ لَکُمْ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ عَلَا»؛(۱)

علی علیه السلام سیّد عرب را نزد من بخوانید عایشه پرسید مگر شما سیّد و آقای عرب نیستید!؟ فرمود من سیّد و بزرگ فرزندان آدم علیه السلام هستم و علی علیه السلام سیّد عرب، پس وقتی علی علیه السلام آمد پیامبرصلی الله علیه وآله فرستاد تا انصار بیایند وقتی خدمت پیامبرصلی الله علیه وآله آمدند، حضرت فرمود: ای گروه انصار! آیا شما را راهنمایی کنم به کسی که اگر به او تمسک جوئید هرگز تا ابد گمراه نخواهید شد؟ گفتند: بله ای رسول خدا، پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: این شخص علی علیه السلام (انسان کامل و برترین مصداق عترت و قرآن شناس جامع) است پس او را دوست بدارید به دوستی من (چون دوست داشتن علی علیه السلام دوستی پیامبرانت و عشق به او عشق به همه خوبی ها و خداست (من احبکم فقد احب اللّه).

و همچنین در کلامی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَحْیَا حَیَاتِی وَ یَمُوتَ مَمَاتِی وَ یَسْکُنَ جَنَّهَ عَدْنٍ الَّتِی غَرَسَهَا رَبِّی فَلْیُوَالِ عَلِیّاً مِنْ بَعْدِی وَ لْیُوَالِ وَلِیَّهُ وَ لْیَقْتَدِ بِالْأَئِمَّهِ مِنْ بَعْدِی فَإِنَّهُمْ عِتْرَتِی خُلِقُوا مِنْ طِینَتِی وَ رُزِقُوا فَهْماً وَ عِلْماً فَوَیْلٌ لِلْمُکَذِّبِینَ مِنْ أُمَّتِی الْقَاطِعِینَ فِیهِمْ

۱- ۳۱۷. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۷۰.

صِلَتِی لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِی»؛(1)

هرکس دوست دارد حیات و مرگش همانند من باشد و در باغ و بهشت عدن که پروردگارم غرس کرده ساکن شود، پس بعد از من ولایت علی علیه السلام را بپذیرد و ولایت و دوستی ولی او را و به پیشوایان بعد از من که عترت و خاندان من هستند اقتدا و تبعیت نماید که آنان از طینت من آفریده شده اند و فهم و علم، درک و دانش روزی آنان شده پس وای بر تکذیب کنندگان از امت من که پیوند مرا در آنان قطع کردند که شفاعت من هیچگاه به اینها نمی رسد.

۱- ۳۱۸. همان.

فصل بیستم: عبادت در حکومت مهدی

به راستی عبادت حقّ که هدف از خلقت و آفرینش آدمی است چه زمانی محقق می گردد و آیا زمانی می رسد که بندگی و معرفت خداوند فراگیر شود و جهانیان همراه با کاروان هستی مطیع خدای و به سوی معبود مهربان حرکت کنند؟ آری.

آنگاه که دین خدا حاکم و آیین الهی دستور العمل زندگی انسان ها گردد.(۱) خلیفه اللّه و اسوه انسان کامل با کارگزاران صالح و پاک (مطابق وعده الهی در قرآن و حدیث) سرپرستی جامعه بشری را عهده دار شوند.(۲) و علم(۳) و عقل و اندیشه و اخلاق در پرتو هدایت و نور ولایت

---

۱ – ۳۱۹. فتح: ۲۸، «هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ»؛ اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حقّ {به سوی مردم} فرستاد تا آن را به همه دین ها پیروز گرداند. در روایات آمده این پیروزی بر همه ادیان در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام است که بر شرق و غرب عالم حاکمیت الهی پیدا می کند (قیامی که همه انبیاءعلیهم السلام منتظر آن بودند و امامان علیهم السلام زمینه سازَش).

۲ – ۳۲۰. انبیاء: ۱۰۵، «أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ»؛ سرانجام بندگان صالح و شایسته وارث و مالك سراسر زمین {جهان} خواهند شد. و طبق روایات این آیه ناظر به یاران حضرت مهدی (عج) می باشد.

۳– ۳۲۱. عن ابی عبداللّه قال: «العلم سبعه و عشرون حرفا فجمیع ما جاءت به الرسل حرفان فلم یعرف الناس حتی الیوم غیر الحرفین فاذا اقام قائمنا اخرج الخمسه و العشرین حرفا فبثها فی الناس»؛ {بحارالانوار، ج ۵۲، ج ۳۳۶} امام صادق علیه السلام می فرماید: علم و دانش بیست و هفت حرف است و آنچه پیامبران تا کنون آورده اند دو حرف بوده و مردمان تا امروز بیش از دو حرف نمی دانند پس وقتی قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف بیرون آورد و بین انسان ها منتشر کند.

رشد جهشی پیدا کند.(۱) انسان با آگاهی و اراده، می یابـد که سعادت و حیات طیبه او در اطاعت و عبادت خداست و بس و بر این اساس تمایلات و استعدادهای خود را در مسیر کسب صفات خدایی و خلیفه اللهی رشد می دهد و با معرفت توحیدی به سوی معاد و حیات جاوید سیر می کند «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّآ إِلَیْهِ رَاجِعُونَ »؛(۲) ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم.

روایات متعدد گواه و گویایی این معناست که بندگی خدا و تعظیم انسان در برابر پروردگار یکتا در ظهور حضرت مهدی (عج) شکل خواهد گرفت از جمله:

امام باقرعلیه السلام در ذیل آیه شریفه «الَّذِینَ إِنْ مَکَّنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَوهَ وَ ءَاتَوُا الزَّکَوهَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنکَرِ وَ لِلَّهِ عَقِبَهُ الْأُمُورِ »؛(۳) آنانکه هرگاه در روی زمین به آنها قدرت و اقتدار بخشیدیم نماز را به پا دارند و زکات دهند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و سرانجام همه کارها با خداست.

---

۱ - ۳۲۲. عن ابی جعفرعلیه السلام قال: «ان اقام قائما وضع اللَّه یده علی روس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلالهم {اخلاقهم}»؛ (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵) امام باقرعلیه السلام می فرماید: هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان خدا می نهد و خردهایشان را جمع و عقل و اخلاق شان را کامل گرداند.

۲- ۳۲۳. بقره: ۱۵۶.

۳- ۳۲۴. حج: ۴۱.

«قالَ وَهذِهِ لِآلِ مُحمّد علیهم السلام اَلْمَهدی وَاَصْحابِهِ بِمُلْکِهِمُ اللَّهُ مَشارِقَ الْاَرْضَ وَ مَغارِبِها وَیُظْهِرُ الدّین وَیُمیتُ اللَّهُ عزّوجلّ بِهِ وَبِاَصْحابِهِ اَلْبِدَعَ وَالْباطِلَ»؛(۱)

می فرماید: این آیه در شأن حضرت مهدی و یارانش نازل شده و خداوند شرق و غرب زمین را در سیطره حکومتشان قرار می دهد و به وسیله او و اصحابش دین را آشکار و حاکم گرداند و بدعت و باطل را از بین می برد.

«عَنْ عَقدُ الدرر عَن اَمیرِالمؤمنین علیه السلام فی قِصَّهِ الْمَهدی علیه السلام قال: «فَیَبْعَثُ الْمَهدی اِلی امرائه بِسایرِ الاَمْصارِ بِالعدلِ بَینَ النّاس... یذهب الشرّ و یَبقی الخَیر وَ یَزرعُ الانسان مَدّا وَ تُخِرجُ لَه سبعهُ امداد کَما قال اللّه تعالی و یَذهبُ الزّنا وَ شُربُ الخَمرِ وَ یَذهبُ الرّبا وَ یقبلُ النّاس عَلی العِبادات و الشَّرع و الدّیانَهِ وَ الصلوهِ فی الجِماعاتِ تَطول الاعمار وَ تؤدّی الاَماناتِ وَتُحْمِلُ الاَشْجار وَ تَتَضاعَف البَرَکات وَ هَلَکَ الاَشرار وَ تُبقی الاَخیار وَ لا یَبقی مَن یُبغضُ اَهلَ البیت علیهم السلام»؛(۲)

از امیر المومنین علیه السلام نقل شده است در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام که حضرت فرمود او فرماندها و کار گزارانش را به تمام شهرها و سرزمین ها می فرستند تا عدالت را بین مردم بر قرار سازند.. شر و بدی (در فرد و جامعه) از بین

۱- ۳۲۵. نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶ و احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۴۱ و ینابیع الموده، ص ۴۲۵.

۲- ۳۲۶. منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

می رود و خیر و خوبی می ماند مردمان یک مد (۱۰ سیر= ۷۵۰ گرم) بذر کشت می کنند و هفت مد برداشت می کنند همانگونه که خداوند بلند مرتبه فرموده است و زنا و میگساری و ربا خواری از بین می رود (همه جا عدل و برکت و امنیت اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی برقرار می شود) و مردم به عبادت ها و شرع و دیانت و نماز جماعت روی می آورند، عمرها طولانی گردد و امانت ها ادا شود، درختان سر سبز و پر ثمر و برکت ها دو چندان شده، زشت کاران و بدان به هلاکت رسند و خوبان بمانند و کسی که بغض و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام داشته باشد باقی نخواهد ماند.

و در بیانی دیگر از آن حضرت نقل شده است:

«وَ یَعبدونَ اللَّهَ حَقَّ عِبادَتِه»؛(۱) و خداوند را عبادت می کنند حقّ عبادت و بندگی.

از محمّد بن مسلم نقل شده است که شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود:

«اَلْقائِمُ مَنصورٌ بالرُّعب وَ یَبلُغُ سُلطانَهُ المَشرق وَ المَغرب وَ یُظِهُر اللَّه عزّو جلّ بِهِ دینَهُ... فَلا یَبْقی فی الأرض معبودٌ دُونَ اللَّه عزّوجلّ...»؛(۲)

ص:۱۶۴

۱- ۳۲۷. المهدی الموعود المنتظر عند علماء السنه و الامامیه، شیخ نجم الدین جعفربن محمّد العسکری، ص ۲۹.

۲- ۳۲۸. همان و سفینه البحار، {هدی}

امام قائم علیه السلام به وسیله رعب و ترس پیروز می شود (یکی از عوامل پیروزی حضرت ترسی است که در دل ستمگران و مردم پدید آمده و تسلیم رهبری او می شوند) و سیطره حکومتش را به شرق و غرب عالم گسترش می دهد و خدای عزّوجلّ به وسیله او دینش را ظاهر و حاکم می کند.. و در نتیجه سراسر روی زمین جز خدای یکتا پرستش و عبادت نشود.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که در رابطه با قیام حضرت مهدی (عج) فرمود:

«... وَ لا تَبقی فِی الاَرْضِ بُقْعَةٌ عُبِدَ فیها غَیرَ اللَّهِ عزّ وجلّ الاّ عُبِدَ اللَّهُ فیها وَ یَکون الدّینُ کُلِّهِ للَّه وَ لَو کَرِهَ المُشْرِکُونَ»؛(۱)

... قطعه زمینی در گستره گیتی که غیر خدای عزیز و جلیل در آن پرستش و عبادت شود، باقی نخواهد ماند و تنها دین خدا همه جا پرتو افکن شود هر چند مشرکان را خوش نیاید.

و در حدیثی دیگر حضرتش می فرماید:

«یَصْنَعُ کَما صَنَعَ رَسولُ اللَّه صلی الله علیه وآله یَهدِمُ ما کانَ قَبله کَما هَدَمَ رسول اللَّه اَمر الجاهلیه وَ یستأنِف الِاسلام جَدیداً»؛(۲)

او (قائم آل محمّد صلی الله علیه وآله) همانند پیامبرصلی الله علیه وآله عمل می کند

۱- ۳۲۹. بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۶ و کمال الدین، ص ۳۷۹.

۲- ۳۳۰. همان.

پیامبر آنچه از زمان جاهلیت (شرکت و بت و باطل) بود از بین برد و اسلام را بنا نهاد امام زمان (عج) هم جاهلیت (جدید و مدرن جهان پر از ظلم و باطل و بدعت) را نابود گرداند و اسلام ناب را از نو پیاده می کند.

واضح است که حاکمیّت و اجرای دین اسلام و دستورات الهی همان عبودیت و بندگی خداست.

مقداد بن اسود از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود:

«لایَبقی عَلی ظُهر الارض بیتٌ مدر و لا وبر اَلّا ادخله اللّه کلمهُ الاسلام و قال ابوجعفرعلیه السلام ان ذلک یکون عند خروج المهدی من آل محمّد علیه السلام»؛(۱)

در سراسر روی زمین حتی خانه ای از سنگ و گل یا خیمه ای از کرک و مو باقی نماند جز آنکه خداوند اسلام را وارد آن می کند. و امام باقر علیه السلام فرمود: قطعاً این امر هنگام قیام مهدی آل محمّد علیه السلام محقق خواهد شد.

«عن ابی بصیر سمعت ابا عبداللّه علیه السلام یقول: ... وَ لاتَبْقی فِی الْاَرضِ بُقْعَهً عُبِدَ فیها غَیْر اللّه عَزَّ وَ جَلَّ اِلاَّ عَبَد اللّه فیها وَ یَکُونُ الدّین کُلُّه للّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ»؛(۲) ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که - در رابطه با قیام حضرت مهدی علیه السلام - فرمود: قطعه زمینی در گستره زمین باقی نمی ماند که غیر خدای

۱- ۳۳۱. مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۵.

۲- ۳۳۲. بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۶؛ کمال الدین، ص ۳۷۹.

عزیز و جلیل، در آن پرستش و عبادت شود و تنها دین خدا همه جا پرتوافکن شود؛ هر چند مشرکان را خوش نیاید.

و در حدیثی دیگر حضرتش می فرماید:

«یَصْنَعُ کَما صَنَعَ رَسولُ اللَّه صلی الله علیه وآله یَهْدِمُ ما کانَ قَبْلَه کَما هَدَم رَسوُل اللَّه اَمْر الْجاهِلیَه وَ یَسْتَأْنِفُ الْاِسْلامَ جَدِیداً»؛

او (قائم آل محمدصلی الله علیه وآله) همانند پیامبرصلی الله علیه وآله عمل می کند و همچون پیامبر آنچه را که از زمان جاهلیت (شرک و بت و باطل) بود، از بین برد و اسلام را بنا نهاد؛ امام زمان علیه السلام نیز جاهلیت (جدید و مدرن جهان پر از ظلم و باطل و بدعت) را نابود گرداند و اسلام ناب را از نو پیاده می کند.

واضح است که حاکمیت و اجرای دین اسلام و دستورات الهی همان عبودیت و بندگی خداست.

«قالَ مِقْداد بن الاسود سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّه صلی الله علیه وآله یَقول لایَبْقی عَلی ظَهْرِ الْاَرضِ بیْتُ مَدَرٍ وَ لاوَبَرٍ اِلَّا اَدْخَلَهُ اللَّه کَلِمَه الْاِسلامِ وَ قالَ ابو جعفر علیه السلام اِنَّ ذلِکَ یَکُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِی مِنْ آلِ مُحَمَّد صلی الله علیه وآله»؛(۱) مقداد بن اسود از پیامبر نقل می کندکه فرمود: در سراسر زمین، حتی خانه ای از سنگ و گل و یا خیمه ای از کرک و مو باقی نمی ماند جز آنکه خدا اسلام را وارد آن می کند و امام باقر علیه السلام فرمود: قطعاً این امر هنگامه قیام مهدی آل محمّد صلی الله علیه وآله محقّق خواهد شد.

۱- ۳۳۳. مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۵.

«و فی روضه الکافی عن علی بن ابراهیم عَنْ اَبیه... وَ ذَکَرَنا حَدیثاً قُدْسِیاً طَویلاً یَقُولُ اللّه تَعالی فِیه وَ قَدْ ذَکَرَ محمداً صلی الله علیه وآله فتحت کَلَماتِی لَاَظْهِرَنَّ دِینَهُ عَلَی الْاَدْیانِ کُلِّها وَ لَاَ عْبُدَنَّ بَکُلِّ مَکانٍ»؛(۱) در حدیث قدسی آمده: سرانجام خداوند دینش را بر تمام دین ها و مکاتب پیروز گرداند و در همه مکان ها و عبادت و پرستش شود.

«قال علی علیه السلام: یَعْطِفُ الْهَوی عَلَی الْهُدی اِذا عَطَفُو الْهُدی عَلَی الْهَوی .. فَیُریکُم کَیْفَ عَدْلِ السِّیرهِ وَ یُحْیی مَیِّتَ الْکِتابِ وَ السُنَّه»؛(۲) امیرالمؤمنین علی علیه السلام در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: او تمایلات و هواها را تابع هدایت وحی الهی می کند؛ آن گاه که (مردم و حاکمان) هدایت را تابع تمایلات و هواهای نفسانی قرار دهند و هنگامی که قرآن را به رأی خود تفسیر کنند. آن وقت عدالت گستری و روش و سیره (پیامبر و عزتش علیه السلام) را به شما نشان خواهد داد و کتاب و سنت فراموش شده و منزوی مانده را احیا و اجرا خواهد کرد.

«عن ابی جعفرعلیه السلام فی حدیث طویل اِنَّه قالَ: «اِذا قامَ الْقائِمُ... وَلایَتْرُکُ بِدْعَهً اِلَّا اَذالَها وَ لاسُنَّهً اَلَّا اَقامَها...»؛(۳)

ص:۱۶۸

۱- ۳۳۴. نورالثقلین، ج ۵، ص ۷۹؛ کنزالدقایق، ج ۱۲، ص ۳۱۰.

۲- ۳۳۵. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۳- ۳۳۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

از امام باقرعلیه السلام نقل شده که فرمود: آن گاه که امام مهدی علیه السلام قیام کند. هیچ بدعتی رها نمی کند جز اینکه آن را از بین می برد و هیچ سنتی را رها نمی کند جز اینکه آن را به پا می دارد.

«یُفَرِّجُ اللَّهُ بِالْمَهدِی عَنِ الْاُمَّهِ یَمْلَأُ قُلُوب الْعِباده عِبادَهً وَ یَسعُهُم عَدْلَهُ بِه یَمْحَقُ اللَّهُ الْکِذْب وَ یَذْهَبُ الزَّمانَ الْکَلِب وَ یَخْرُجُ ذُلَّ الرِّق مِنْ اَعْناقِهِم»؛(۱) خداوند به وسیله حضرت مهدی علیه السلام گرفتاری ها را از امّت برطرف می نماید، دل های بندگان را با عبادت و اطاعت سرشار می کند و عدالتش را فراگیر می کند، به طوری که دروغ و دروغگویی را نابود ساخته و خوی ستیزه جویی را از بین می برد و ذلّت بردگی را از گردن آنها برمی دارد.

«ابا عبداللَّه علیه السلام یقول: وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِی السَمٰاوات وَالْاَرْضِ طَوْعاً اَوْ کَرْهاً»(۲) قالَ اِذا قامَ الْقائِمُ لایَبْقی اَرْضٌ اِلَّا نُودِی فیها شَهادَهُ اَنْ لا اِلَهَ اِلَّا اللَّه و اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله»؛(۳) امام باقر علیه السلام در بین آیه شریفه می فرماید: هنگامی که امام مهدی علیه السلام قیام کند، هیچ سرزمین باقی نمی ماند مگر اینکه ندای شهادت توحید «لا اله الّا اللَّه» و نبوت پیامبرصلی الله علیه وآله سر داده می شود.

ص:۱۶۹

۱- ۳۳۷. همان، ج ۵۱، ص ۷۵؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۴.

۲- ۳۳۸. سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۳- ۳۳۹. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰ و ۳۴۵؛ ینابیع الموده، ص ۴۲۱.

آری به حقّ با آمدن آن حجه اللّه و بهار شریعت - که در زیارت آن حضرت می خوانیم: اَلسَّلامُ عَلی رَبیع الْاَنام و نَضْرَهِ الأیّام - همه برکات نازل می گردد. آزادی و عدالت و امنیت و آسایش و ارزش های دینی و انسانی زنده می گردد با آمدن بهار طبیعت، همه درختان سرسبز و همه گل ها شکوفا می شود) موانع بندگی خدا برطرف و عوامل عبادت فراهم گشته و انسان ها آزادانه و آگاهانه به پرستش حقّ می پردازند.

و همچنین در دعای ندبه می خوانیم:

«اَیْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجدِیدِ الْفَرائِضِ وَ السُّنَن... اَیْن الْمُؤمَّلُ لِاِحیاء الْکِتابِ وَ حُدودِه»؛(۱) کجاست آن (امام و پیشوایی) که برای تجدید و احیای فرائض و سنت های پیامبر و عترت او - که محو و فراموش گشته - ذخیره شده است... کجاست آنکه آرزومندیم کتاب آسمانی قرآن و حدودش را زنده و اجرا کند؟

و در دعای عهد می خوانیم:

«.. وَاجْعَلهُ اللَّهُم... مُجَدِداً لِما عُطِّلَ مِنْ اَحْکام کِتابِکَ وَ مُشَیِّداً لِما وَرَدَ مِنْ اَعْلامِ دِینِک وَ سُنَنِ نَبیّکَ صلی الله علیه وآله»؛(۲) پروردگار او را تجدیدگر و احیا کننده احکام قرآن مجیدت که تعطیل شده و استوار کننده و استحکام بخش شعائر و نشانه های دین و سنّت های پیامبرت قرار بده.

ص:۱۷۰

۱- ۳۴۰. مصابیح الجنان.

۲- ۳۴۱. همان.

«اَللَّهم صَلِّ عَلی وَلِیّکَ الْمُحیی سُنَّتکَ»؛(1) پروردگارا بر ولیّت که احیاگر سنّت تو است، درود بفرست.

۱- ۳۴۲. مصباح المتهجد، ص ۴۰۸، چاپ جدید.

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن مجید.

۲. نهج البلاغه، سیّد علی نقی فیض الاسلام.

۳. اصول کافی، ابی جعفر محمّد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی.

۴. تفسیر المیزان، علامه السید محمّدحسین طباطبایی.

۵. غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد بن محمّد تمیمی آمدی.

۶. وسائل الشیعه، علامه شیخ محمّد بن الحسن الحرّ العاملی

۷. تحف العقول، ابی محمّد حسن بن علی بن الحسینی بن شعبه حرّانی.

۸. بحارالانوار، علامه شیخ محمّد باقر مجلسی.

۹. من لایحضره الفقیه، ابوجعفر محمّد بن علی بن حسین بابویه قمی.

۱۰. مستمسک العروه الوثقی، السید محسن الطباطبایی حکیم.

۱۱. کنز العمّال، علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین هندی.

۱۲. المحاسن، احمد بن محمّد بن خالد برقی.

۱۳. امالی صدوق، ابوجعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی.

۱۴. علل الشرایع، ابوجعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی.

۱۵. سفینه البحار، محدّث محقق حاج شیخ عباس قمی.

۱۶. صحیفه سجّادیه.

۱۷. موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام.

۱۸. میزان الحکمه، محمّد محمّدی ری شهری.

۱۹. مناقب ابن شهر آشوب، محمّد بن علی بن شهر آشوب سروی مازندرانی.

۲۰. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید.

۲۱. هدایه العلم و غررالحکم، سیّد حسین شیخ الاسلام.

۲۲. نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده.

ص:۱۷۴

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹